د افغانستان اسلامي امارت
د علومو اکاډمي
د بشري علومو معاونیت
د ټولنیزو علومو مرکز

آریانا

مجلۀ علمی - تحقیقی

په دې ګڼه کې:

- تأثیر محیط زیست...
- د ټولنې په پرمختیا کې...
- اهمیت تحقیقات...
- د لرغوني یونان...
- د علامه سید جمال الدین افغاني...

...

- دوره پنجم
- ربع: اول و دوم
- سال: ۱۴۰۳ هـ.ش.
- شماره مسلسل: ۴۵۲-۴۵۳
- سال تأسیس: ۱۳۲۱ هـ.ش
- کابل - افغانستان

۱ - ۲

مجلۀ علمی - تحقیقی آریانا

شماره ۱-۲، سال ۱۴۰۳ هـ.ش

ARYANA

Quarterly Journal

Establishment 1942
Academic Publication of
Afghanistan Science Academy
Serial No: 452-453

Address:
Afghanistan Science Academy
Torabaz Khan, Shahbobo Jan Str.
Shar-e-Now, Kabul,Afghanistan
Tel: 0202201279

د افغانستان اسلامي امارت

د علومو اکاډمي

د بشري علومو معاونیت

د ټولنیزو علومو مرکز

آریانا

مجلۀ علمی- تحقیقی

اقتصاد، تاریخ و اتنوگرافی، حقوق و علوم سیاسی، روانشناسی و تعلیم و تربیه، ژورنالیزم، فلسفه و جامعه شناسی

مـــؤسـس احـمد عـــلـی کـهـزاد

ســـال تأسیس ۱۳۲۱ هـ . ش.

شـماره مـسلسل ۴۵۲ ـ ۴۵۳

دوره پـــنجم

شماره ۱-۲سال ۱۴۰۳ هـ ش

یادښتونه

- مقاله دې په رسمي ډول له ځانګړي ادرس څخه د نوم، تخلص، علمـي رتبـې، د تيلفون شمېرې او ايمېل ادرس په ذکر کولو سره د علومو اکاډمۍ ادارې تـه را واستول شي.
- را استول شوې مقاله بايد علمـي، څېړنيـزه، بکر او دعلمـي منـل شـوو معيـارونو مطابق وي.
- مقاله بايد مخکې په بل ځای کې چاپ شوې نه وي.
- د مقالې سرليک بايد لنډ او له محتوا سره مطابقت ولري.
- مقاله بايد د لنډيز لرونکې وي، ۸۰ څخه تر ۲۰۰ کلمـو وي او د اصـلي پوښـتنې ځواب ويوونکې وي چې مقاله هغې ته ځواب ويوونکې ده. همدارنګه لنـډيز بايـد د يونسکو له ژبو څخه په يوې ژباړل شوی وي.
- مقاله بايد د سريزې، مبرميت، هدف، د څېړنې د پوښتنې، د څېړنـې د تګـلارې، لاس ته راغلو پايلو او د منابعو د لړليک لرونکې وي او هم پـه مـتن کـې منبـع تـه اشاره شوې وي.
- مقاله بايد پرته د ټايپي تېروتنـو، د ژبـې د اصـولو د ټولـو نکـاتو پـه مراعتولـو او د موضـوعاتو پـه منطقـي تسلسـل سره د A4 پـه يـو مخيـزې پـاڼې او د Word پـه پروګرام کې برابره شي.
- د مقالې حجم بايد حد اقل ۷ او حـد اکـثر ۱۵ معيـاري پـاڼې وي، پـه ۱۳ فونـټ کې دې ټايپ شي، د سطرونو ترمنځ دې فاصله Single وي او کاپي دې د هارډ او سافټ په بڼه را واستول شي.
- د مجلې کتنپلاوی د رد، منلو او د مقالو د سمونو صلاحيت د علومو د اکـاډمۍ د نشراتو د لايحې په نظر کې نيولو سره لري.
- ارايه شوي تحليلونه او نظرونه د څېړونکي او ليکـونکي پـورې اړه لـري او الزامـاً د ادارې موقف پورې اړه نه لري.
- د نشر شوو مضامينو او مقالو د کاپي حق خوندي دی، يـواځې د مأخـذ پـه توګـه ترې په نشراتو کې ګټه اخيستل کېدلی شي.
- سپارل شوې مقاله بېرته نه مستردېږي.

یادداشت

- مقاله رسماً از آدرس مشخص با ذکر نام، تخلص، رتبه علمی، نمبر تیلفون، و ایمیل آدرس نویسنده به اداره اکادمی علوم فرستاده شود.
- مقالۀ ارسالی باید علمی – تحقیقی، بکر و مطابق معیارهای پذیرفته شدۀ علمی باشد.
- مقاله باید قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد.
- عنوان مقاله مختصر و با محتوا مطابقت داشته باشد.
- مقاله باید دارای خلاصۀ حد اقل حاوی ۸۰ الی ۲۰۰ کلمه بوده، و گویای پرسشی اصلی باشد که مقاله در پی پاسخ دهی به آن است. همچنان خلاصه باید به یکی از زبان-های یونسکو ترجمه شده باشد.
- مقاله باید دارای مقدمه، مبرمیت، هدف، سؤال تحقیق، روش تحقیق، نتایج به دست آمده و فهرست منابع بوده و در متن به منبع اشاره شده باشد.
- مقاله باید بدون اغلاط تایپی با رعایت تمام نکات دستور زبان، تسلسل منطقی موضوعات در صفحۀ یک رویه کاغذ A4 در برنامۀ word تنظیم شده باشد.
- حجم مقاله حد اقل ۷ و حد اکثر ۱۵صفحه معیاری بوده، با فونت ۱۳ تایپ شود، فاصله بین سطر ها واحد (Single) باشد و به شکل هارد و سافت کاپی فرستاده شود.
- هیأت تحریر مجله صلاحیت رد، قبول و اصلاح مقالات را با در نظر داشت لایحۀ نشراتی اکادمی علوم دارد.
- تحلیل ها و اندیشه های ارائه شده بیانگر نظریات محقق و نویسنده بوده، الزاماً ربطی به موقف اداره ندارد.
- حق کاپی مقالات و مضامین منتشره محفوظ بوده، فقط در صورت ذکر مأخذ از آن استفاده نشراتی شده می تواند.
- مقالۀ وارده دوباره مسترد نمی گردد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ناشر: ریاست اطلاعات و ارتباط عامه اکادمی علوم افغانستان

مدیر مسؤول: عبدالباقی شهاب

مهتمم: نبی الله بدری

هیأت تحریر:

- سرمحقق شیرعلی تزری
- څېړنپوه دکتور محمدشریف ځدراڼ
- سرمحقق عبدالجبار عابد
- څېړنوال محمد داود ناظم
- محقق غلام نبی حنیفی

دیزاین: عبدالباقی شهاب

محل چاپ: مطبعه ستاره همت. کابل - افغانستان

آدرس: اکادمی علوم افغانستان، طره باز خان واټ،

کوچه شاه بوبوجان، شهرنو، کابل

شمارۀ تماس ریاست اطلاعات و ارتباط عامه: ۰۲۰۲۲۰۱۲۷۹(۰۰۹۳)

ایمیل ریاست اطلاعات و ارتباط عامه: info@asa.gov.af

ایمیل مدیریت مجله: aryanajournal777@gmail.com

اشتراک سالانه:

کابل: ۳۲۰ افغانی

ولایات: ۴۸۰ افغانی

- قیمت یک شماره در کابل: ۸۰ افغانی
- برای استادان و دانشمندان اکادمی علوم: ۷۰ افغانی
- برای محصلین و شاگردان مکاتب: ۴۰ افغانی
- برای سایر ادارات: ۸۰ افغانی

د موضوعاتو لړلیک

شمېره	سرلیک	لیکوال	مخ
۱.	تأثيرات محيط زيست...	سرمحقق عبدالجبار عابد	۱
۲.	د ټولنې په پرمختیا کې...	څېړنوال محمد داود ناظم	۲۲
۳.	اهميت تحقيقات...	معاون سر محقق غلام نبی حنیفی	۵۵
۴.	د لرغوني یونان...	څېړنوال عبدالضابط ځدراڼ	۱۰۷
۵.	د علامه سید جمال...	څېړندوی وجیه الله ظهیر	۱۲۵
٦.	په تړون کې د ارادې...	پوهنیار نورالله نوري مجددي	۱۵۴

سرمحقق عبدالجبار عابد

تأثیرات محیط زیست بالای روان انسان

Effects of the environment on the human psyche

Senior Research Fellow Abdul Jabar Abid

Abstract

One of the things that is the basis for the happiness and perfection of man in this world and the hereafter is to have a healthy and safe environment in which man can nurture his body and soul, because basically one of the most important duties of man is to preserve his life. It is not possible except by living in a healthy and beautiful environment. Therefore, the first condition of having a healthy soul is a healthy body, and a healthy body can only be achieved when a person benefits from a healthy and good environment, because a healthy environment has a tremendous effect on a person's soul and psyche. If people live in an environment where there is war, fratricide, house destruction, cruelty, moral corruption, rape, physical violence, mental violence, emotional violence, in short, all kinds of violence, the same properties of violence in Their mind is registered subconsciously and when they want to live in a healthy and peaceful environment, they present the violence that is recorded in their mind which is affected by the

environment in the society. It should also be remembered that those who have experienced the bitterness and sweetness of life make different decisions in different environments and always think of their own interests and goals. And this is also affected by the environment where humans have reached maturity. There are hopes that people who grow up in the environment of war and whose inner and outer selves are affected by war and injustices can be relatively treated.

خلاصه

یکی از اموری که زمینه ساز سعادت و کمال انسان در دنیا و آخرت است، داشتن محیط سالم و امنی است که انسان بتواند در پناه آن، به تربیت جسم و جان خویش بپردازد، زیرا اصولاً یکی از وظائف مهم بشر که حفظ جان است، جز با زیستن در محیط سالم و زیبا امکان پذیر نیست. بدین سبب شرط اولیه داشتن روح سالم، جسم سالم است و جسم سالم نیز فقط زمانی حاصل می‌شود که انسان از محیط سالم و خوب بهره مند باشد، زیرا محیط سالم تأثیر شگرفی بر روح و روان آدمی دارد.

اگر انسان ها در محیطی که در آن جنگ، برادر کشی، خانه ویرانی، ظلم، فساد اخلاقی، تجاوز، خشونت های فزیکی، خشونت های روانی، خشونت عاطفی خلاصه انواع و اقسام خشونت ها... موجود است؛ زنده گی کنند، همان خواص خشونت در ذهن شان ناخود آگاه ثبت می شود و در هنگامی که در محیط سالم و صلح آمیز میخواهند زنده گی نمایند خشونت های که در ذهن شان درج شده که متأثر از محیط است، در جامعه آن ها را عرضه میکنند. در تحقیق حاضر ضمن این که بحث تئوریکی در رابطه به محیط و انواع آن خواهیم داشت، همچنان تأثیر محیط ناسالم را بر روان انسان ها و مشوره های لازم را غرض سلامتی وجود در موقع آلوده گی هوا که همه امروز

دچار این معضل بزرگ هستند و از عوارض بد آن سخت در هراس اند و سالانه تعدادی زیادی قربانی این آلوده گی می شوند، بحث های جداگانه صورت خواهد گرفت.

مقدمه

محیط سالم تأثیر شگرفی بر روح و روان آدمی دارد. محیط پاک و آراسته و خُرم، زنده گی را شاداب و معطر می سازد. شنیدن آواز روح بخش پرنده گان، ترنم لطیف جویباران، آهنگ دلربای چشمه ساران، صفای سبز سبزه زاران، نسیم لطیف کوهستان، رقص دلنشین درختان و زیبایی شهر و دیار، همه و همه تأثیر اعجاب انگیزی بر زنده گی و حیات انسان دارند و هر کسی از تماشای چنین مناظر زیبا احساس آرامش و نشاط کرده و امنیت و آسایش را در حیات خویش لمس می کند. بر عکس، آسیب رساندن به محیط و نابودی طبیعت باعث وارد آمدن صدمات و زیان های جبران ناپذیری به بشریت می شود.

افسرده گی و افزایش بیماری های روحی و روانی انسان امروز بدون ارتباط به آسیب رساندن به محیط زیست نیست. هیچ کس نمی تواند منکر شود که تخریب محیط زیست تأثیر منفی بر شیوۀ رفتار آدمیان می نهد، و اثرات ویرانگری بر اخلاق فردی و جمعی جامعه بشری بر جای می گذارد.

همچنان این را باید یاد آورشد، کسانی که تلخی و شیرینی زنده گی را به تجربه گرفته اند در محیط های مختلف تصامیم مختلف میگیرند و همیشه به منافع و مقاصد خود می اندیشند. این هم متأثر از محیطی است که انسان ها در آنجا به بلوغیت رسیده اند. امیدواری ها وجود دارد انسان های که در محیط جنگ بزرگ میشوند و من درونی و بیرونی شان متأثر از جنگ و بی عدالتی هاست به طور نسبی قابل درمان می باشند.

مبرمیت موضوع

چون محیط سالم بالای روح و روان انسان تأثیر گذار است، سلامتی روان وقتی تضمین می شود که شخص در محیط خوشایند و بدون دغدغه زنده گی کند. محیط ناسالم روان انسان را تخریب می کند و اثرات ناگوار خود را بالای انسان به جا می گذارد، پس بررسی این همه و تحقیق بالای چنین موضوع که کشور ما سال های جنگ و بحران را سپری کرده مهم و در نهایت مبرم می باشد.

هدف موضوع

هدف از تحقیق حاضر آشنایی مردم با محیط سالم و ناسالم و اثرات خوشایند و نا خوشایند آن بالای افراد جامعه است. همچنان کار روی همچو موضوعات، بالای سلامتی روان آنعده از هموطنان ما که طی سال های جنگ و بحران تحت فشار روحی قرار داشته اند، موثریت خود را خواهد داشت.

شیوۀ تحقیق

تحقیق حاضر بر شیوۀ توصیفی و تحلیلی با استفاده از کتب در کتابخانه ها و مواد دست داشته استوار است.

اول- شناخت محیط

هرگاه تعریفی از محیط داده شود می توان گفت که - طیف گسترده ای از عوامل احاطه کننده، اعم از انسانی و غیر انسانی، ملموس و غیرملموس را «محیط» گویند. اینکه روانشناسی محیطی چیست؟ باید گفت، روانشناسی محیطی را می توان روانشناسی« انسان» و «محیط» پیرامونش دانست. و یا روانشناسی محیطی شاخۀ از روانشناسی است که به مطالعه و تحلیل تعاملات و تقابل تجارب و کُنش انسان با جنبه های مختلف محیط اجتماعی – فزیکی توجه دارد.همچنان فراهم سازی رابطه نظام مند بین شخص و محیط را روانشناسی محیطی مطالعه مینماید.

به طور کلی در روانشناسی محیطی، تأکید همواره براین بوده است که چگونه رفتار، احساسات و حس تندرستی انسان تحت تآثیر محیط فزیکی قرار می گیرد. (۵:ص.۵)

تلاش پژوهشگران همواره به طبقه بندی انواع مختلفی از مولفه های محیطی بوده است. یکی از تلاش های اولیه آن ها به روانشناسی گشتالت بر می گردد. او محیط جغرافیایی را به عنوان محیط واقعی، چیزی تعریف می کند که در واقع فرد را در بر می گیرد؛ در حالیکه محیط رفتاری، تصویر شناخت محیط عینی است که اساس رفتار را شکل می دهد. (۷:ص.۲)

گیبسون سه مولفه های محیطی را مشخص می سازد، محیط زمینی یا جغرافیایی، محیط زنده و محیط فرهنگی. محیط زمینی به ماهیت زمین و فرایندهای آن در هر مکان اشاره می کند که شامل ترکیبات گازی، مایع و جامد است. محیط زنده شامل انواع غیر انسانی و انسانی است. انسان می تواند انگیزش های بصری، صوتی، شیمیایی، گرمایی و میکانیکی را برای سایر آدمیان، حیوانات و محیط اطراف فراهم کند. (۷:ص.۲)

روان شناسی محیطی به رفتارهای مرتبط با محیط می پردازد. مفاهیم مربوط به محیط و اولویت‌های زیبایی شناختی مورد مطالعه قرار گرفته و در قالب نقشه های رفتاری نشان داده شده اند. محیط انسان در سطوح مختلفی رفتار او را تحت تأثیر قرار می دهد. رفتارهای آنی، تابع از وضعیتی هستند که در آن اتفاق می‌افتند. شخصیت مردم یک کشور، توسط طبیعت و نوع محیطی که در آن زنده گی می کنند شکل می گیرد. استرس جمعیت و ویژه گی‌های ساختگی و غیرطبیعی شرایط شهری، دلیل عمدهٔ افزایش نرخ جرم و جنایت و وقوع اختلالات روانی در بین مردمی است که در شهرها زنده گی می کنند. روان شناسی محیطی کاربردی، سعی در فراهم ساختن معیارهایی برای مدیریت بهتر محیط به منظور زنده گی بهتر و رشد شخصیت افراد دارد. این رشته به مطالعهٔ راه‌های موثر بهبود حفاظت از محیط طبیعی

و روش‌های بهتر طراحی ساختمان‌ها و شهرها، با در نظر گرفتن نیازها و واکنش‌های رفتاری مردم می پردازد.

روان شناسی محیطی به مطالعۀ نقشه های شناختی فرد در رابطه با محیطش می پردازد و ارزش‌ها، معانی و اولویت های محیطی را دنبال می کند. نقشه های رفتاری با توجه به ارتباط فعالیت‌ها به محیط، تهیه شده‌اند. در روش های به کار رفته در تهیۀ این نقشه‌ها، از خط ها برای نشان دادن جهت حرکت، رنگ‌ها برای نشان دادن زمان مصرف شده و ... استفاده می شود.

روان شناسان محیطی همچنین به مطالعۀ اثرات محله های مختلف زنده گی انسان مثل محله های کم ارتفاع، آپارتمانی، فقیرنشین و غیره بر پیدایش الگوهای رفتاری می پردازند. اثرات خصوصیات مختلف نهادها و سازمان‌ها بر روی رفتار کارکنان و همکاران، از دیگر موضوعات مورد مطالعه در روان شناسی محیطی است. پژوهش برروی تأثیرات انزوا و محیط های یکنواخت و خسته کننده را نیز می توان در همین بخش قرارداد. مطالعه جنبه های مختلف محیط کار نظیر گرما، نور و غیره در ارتباط با کارایی و بهره وری نیز بخشی از روان شناسی محیطی را تشکیل می دهد.(۹: انترنت)

طوریکه قبلاً تذکر یافت، تأثیر محیط زیست را بالای زنده گی انسان نمی توان نادیده گرفت، زیرا این موضوع از چنان اهمیتی برخوردار است که دانش جدید به عنوان «اکولوژی» در کنار سایر دانش ها پدیدار گشته است. این دانش، عبارت از: «مطالعۀ روابط میان موجودات و محیط زیست آنها» است بنابراین، «اکولوژی انسانی» تحقیق درباره تأثیر انسان بر روی محیط زیست و تأثیر محیط زیست بر انسان می باشد. محیط زیست به قول «راجرز» (متخصص دانش اکولوژی) نه فقط شامل وسائل مادی و فضای محیط بر دنیای انسان می گردد، بلکه اشیای غیر مادی (فرهنگ) را نیز در برمی گیرد.(٤:ص.١١)

دوم - انواع محیط زیست و تأثیرات آن

دانشمندان محیط زنده گی انسان را به دو نوع مهم تقسیم کرده اند:

۱- محیط اجتماعی: منظور از محیط اجتماعی، روابط و پیوندهایی است که افراد یک جامعه را احاطه نموده است. پیوندهای فرهنگی که به وسیلهٔ رسانه های جمعی و مجلات و نشریات و کتب، پیوندهای اقتصادی که به وسیله داد و ستد و ... و پیوندهای سیاسی به وسیله حکومت، و پیوندهای اخلاقی ... که بین افراد حاکم است صورت می گیرد. و خلاصه عوامل تشکیل دهندهٔ محیط اجتماعی، موضوعاتی است که در دانش اجتماعی و علوم انسانی مورد بحث قرار می گیرد. این نوع محیط در تکوین شخصیت انسان نقش بسزایی دارد.

۲ـ محیط جغرافیایی (طبیعی): منظور از آن، همه عوامل در برگیرندهٔ انسان است و آن عبارت از: آب و هوا، نور و حرارت، مسکن و خوراک، پوشاک و... هر امر مادی که انسان به آنها احاطه شده است، به مقدار قابل ملاحظه ای در تکوین شخصیت او مؤثر است و هر انسانی تا حدی صفات و خلقیاتش متناسب با محیط زیست طبیعی اوست؛ چنان که محیط زیست طبیعی در تشکیل صفات جسمانی، از سفیدی و سیاهی و رنگ مو، چاقی و لاغری و بلندی و کوتاهی قد و مزاج و سایر صفات جسمانی تأثیر بسزایی دارد.

۳ - تأثیرات روانی محیط زیست بر شخصیت انسان: متفکران و دانشمندان نیز از دیرباز به این نکتهٔ مهم توجه داشته و معتقدند که شرایط زنده گی و آب و هوا و شرایط جغرافیائی در زنده گی انسان و در تکوین شخصیت وی تأثیر بسزایی دارد. توجه به محیط تنها کار جغرافیه نگاران نیست، بلکه فلاسفه، سیاستمداران، نظامیان و علمای اجتماع از هرودت و ارسطو گرفته تا ابن سینا و منتسکیو و ابن خلدون، رابطهٔ اقلیم را با رفتار انسانی مورد بررسی قرار داده اند. پیروان مکتب بقراط در قرن پنجم قبل از میلاد، تأثیر آب و هوا و شرایط جغرافیائی را در عادات و اخلاق و فیزیولوژی انسان مطرح ساختند.

ارسطو، بر این باور بود که انسان و محیط زیست دو چیز جدا ناپذیر از یکدیگرند؛ به نظر وی، انسان هم از عوامل جغرافیایی (محیط طبیعی) و هم از نهادهای سیاسی، تأثیر می پذیرد.(۲:ص.۲۹۷)

فیلسوف مشهور، ابن سینای بلخی، پستی و بلندی های زمین را در چگونگی سامان یابی تن و روان آدمی مؤثر می دانست. وی کوهستانی بودن منطقه سکونت انسان را سبب چالاکی و دلیری دانسته و متقابلاً بر این باور بود که پستی و خفگی منطقه سکونت، افسرده گی و بیماری را در پی دارد. وی دراین باره می نویسد:

« ساکنان مناطق مرتفع و کوهستانی، نیرومند، قوی بنیه، دلیر و چالاک اند و کسانی که در مناطق خوش آب و هوا سکونت گزیده اند از نشاط و شادابی و سلامتی خاصی برخوردارند.(۲:ص.۲۹۸) مردمان سرزمین های مرتفع، تندرست، نیرومند، چست و چالاک و دارای عمر زیاد هستند، ساکنان مناطق سنگلاخی دارای تن سخت و در هم فشرده و مفاصل محکم اند، قوی بنیه و در جنگ ها دلیرند، در یاد گرفتن حرفه ها زیرک و اغلب کم خواب هستند.»(۲:ص.۲۹۸)

همان گونه که پستی و بلندی سرزمین ها، بر ساکنان آنان تأثیر می گذارد، بادها و نسیم های فصلی همچنان آب و هوای مناطق گوناگون نیز بر جسم و جان انسان دارای تأثیرهای متفاوتی هستند. باد پاییزی بدن را خشک و پژمرده میکند و بر عکس نسیم دلنواز بهاری روح افزاست، دل را جلا می دهد، خستگی را از تن می زداید و آدمی از نشاط و شادابی زاید الوصفی برخوردار می شود.

ساکنان مناطق گرمسیر، در مقایسه با مردم سردسیر، دارای تفاوت های بسیاری در جسم و جان و تن و روان هستند؛ آب و هوای مناطق مسکونی آنان نه تنها به رنگ پوست و زیبایی اندام تأثیر می گذارد، بلکه حتی خُلق و خوی آنان نیز، از آن متأثر می شود.

ابن سینا معتقد بود که ساکنان مناطق سردسیر، نیرومند و از دل و جرأت بیشتری برخوردارند و اگر منطقه مسکونی آنان مرطوب نیز محسوب شود، مردمانش چاق و تر و تازه اند. وی همچنین مردم مناطق مرطوب را به زیبا رویی توصیف کرده و در عین حال می گوید که آنان در ورزش زود خسته می شوند. همچنان او متذکر میشود که روحیه و حالات و رفتار مردم مناطق خشک کاملاً برعکس حالات و رفتار مردم مناطق مرطوب است.(۱:ص.۲۱۳)

ابن سینا در بارهٔ معرفی هوای خوب و بد چنین می گوید: «هوای خوب و مطلوب، هوایی است که آزاد باشد و مواد خارجی از قبیل بخار و دود با آن نیامیخته باشد و نیز در بین دیوارها و سقف محبوس نباشد (و آن در صورتی است که تباهی فراگیر بر هوا عارض نشده باشد و گرنه هوای جاهای سرپوشیده سالم تر است) و بوی بد به دور باشد؛ هوای آزاد علاوه بر شرایط یاد شده، لازم است از نسیم های مطبوع مدد گیرد. بدیهی است که بادهای سلامت بخش غالباً در بلندی ها و جلگه های هموار می وزد.»(۱:ص.۲۱۳) به طورکلی می گوییم هوایی که بعد از غروب خورشید زود سرد شود و هنگام طلوع خورشید زود گرم شود، هوایی لطیف است و در حالت عکس مخالف آن، بدترین هوا آن است که دل را افسرده و نفس را تنگی بخشد.

ابن سینا در مورد هوای آلوده می گوید: هوای آلوده، تنفس را تنگ و اخلاط را زیاد می کند. وجود هوای آلوده را با دوعلامت می توان تشخیص داد: نخست این که در چنین هوایی ستاره گان کوچک در آسمان به زحمت دیده میشوند؛ دوم این که درخشنده گی ستاره گان درخشان کاهش می یابد و این اجرام مرتعش به نظر میرسند. (۱:ص.۱۹۷)

منتسکیو در قرن هیجدهم به تفصیل از آثار شرایط جغرافیائی سخن گفته است. اوعوامل جغرافیائی مانند، اقلیم، منابع طبیعی، کوهستانی بودن یا جزیره نشینی و صحرا نشینی را بر خُلق و خوی اقوام مؤثر می داند. منتسکیو در اثر مشهور خود «روح القوانین» درباره طبیعت و آب و هوا بحث کرده و می

گوید: صفات روح و عواطف انسانی در اثر آب و هواهای مختلف تفاوت دارند. او می گوید که هوای سرد منتهی الیه الیاف خارجی بدن ما را منقبض می کند و این انقباض باعث افزایش فعالیت آنها شده، موجب برگشت خون از انتهای بدن به طرف قلب شده و هوای سرد طول این الیاف را کمتر نموده و بر نیروی آنها می افزاید. برعکس هوای گرم منتهی الیه الیاف را سست و دراز می کند و از نیرو و قابلیت حرکت آن می کاهد. از نظر منتسکیو انسانی که در اقالیم سردسیر پرورش می یابد دارای قوت بیشتر، قلب قوی تر بوده، اعتماد به نفس دارند، گذشت، عدم انتقام، صداقت و دوری از حیله و نیرنگ خاصه آنهاست.(۸:ص.۲۳۰) همچنین وی می نویسد: «در کشورهای شمال، بدن شبیه به یک ماشینی است که سالم و خوب شناخته شده باشد؛ اما زمخت است. چنین بدنی لذت خود را در چیزهایی می داند که بیشتر اعمال بدنی را تحریک کند و بنابراین از شکار و مسافرت و جنگ و ... لذت می برند. در کشورهای شمالی ملت هایی خواهید یافت که کمتر معایب دارند و به اندازه کافی صداقت و صراحت لهجه و تقوی در آنها یافت میشود؛ ولی به کشورهای گرمسیر وقتی نزدیک می شوید، گمان خواهید کرد که از سرچشمه اخلاق دور می شوید. عواطف شدید تولید جنایات بزرگ می کند هر کس می خواهد مزایای تسکین امیال و عواطف را از دست دیگری برباید و به خود تخصیص دهد.»(۸:ص.۲۳۰) همچنان می گوید: «آب و هوای گرم، کم و بیش موجب سستی میشود و برعکس در آب و هوای سرد اثری است که سکنه آن نقاط را کم و بیش نیرومند می نماید و می توانند زحمات سخت و طولانی را تحمل کنند؛ این موضوع نه تنها با مقایسه ملل و کشورهای مختلف ثابت می شود، بلکه هرگاه در یک کشور نیز سکنه نقاط گرمسیر و سردسیر آن را با هم مقایسه نمائید، این حقیقت به دست می آید. مثلا جرئت و فعالیت ملل شمالی چین زیاد تر از فعالیت ملل جنوبی آن کشور است و همین طور

فعالیت سکنه کوریای شمالی از سکنه جنوبی آن بیشتر می باشد.»(۸:ص.۲۳۱)

مورخ مشهور ابن خلدون نیز در مقدمهٔ خویش تأکید فراوانی بر آب و هوا و نقش آن در امر عمران و آبادانی نموده است؛ وی معتقد است که ساکنان مناطق معتدل (که از حرارت سوزان جنوب و سرمای شمال کره زمین در امانند) از جهت خُلق و خوی و صورت و سیرت در اعتدال قرار دارند و برای ایجاد تمدن و عمران، معاش و اقتصاد و هنر و دانش مناسب ترند. او می افزاید: «محیط بر هوش و استعداد، درایت و کفایت فردی اثر می گذارد و سلامتی عقل و روح و میانه روی در اعمال و رفتار در گرو سلامت محیط زیست است. ساکنان مناطق معتدل کرهٔ زمین، از نشاط و شادابی ویژه ای برخوردارند، روش آنان معتدل و منشی میانه دارند، افراط و تفریط در زنده گی آنا ن کمتر و آبادانی و عمران در مناطق آنان بیشتر است. اعتدال بر جسم و رنگ پوست و اخلاق و عقاید آنان حاکم است، دوراندیشی و تعقل در امور و شیوهٔ آنهاست و سبک سری و شادی بیش از حد کمتر در بین شان رواج دارد، نوع قد و قامت، رنگ و چگونگی اندام ظاهری و درونی و حتی فکر و اندیشه و اخلاق و منش هرکس به طبیعت و محیط زیست وی بستگی دارد.»(۸:ص.۲۳۰) همچنین می گفت: « مردم مناطق کوهستانی، یعنی مناطق سرد بیشتر آینده نگر و اهل تفکر و سحر خیزند و همواره آذوقه سال آینده را فراهم می آورند.»(۸:ص.۲۳۰)

از مطالب ذکر شده درمی یابیم که پستی و بلندی سرزمین ها و نیز گرمسیر و سردسیر بودن آب و هوای مناطق (شرایط اقلیمی) مختلف بر جسم و روح آدمی تأثیر بسیار مهمی دارند؛ به طوری که حتی شکل ظاهری و رنگ پوست هرکس با منطقه مسکونی او در ارتباط مستقیم است و علاوه بر آن، شرایط اقلیمی بر خُلق و خوی و رفتار و منش انسان اثر قابل توجهی دارد.

این بود نظریات بعضی از متفکرین در رابطه به محیط و عوامل محیطی که روی روان انسان تأثیرات خویش را به جا می گذارد. اما باید اضافه نمود که امروز در جهان عاملی که سخت زبانزد و زیانبار است و تأثیرات آن بالای جسم و روان انسان کاملاً مشهود و هویداست همان آلوده گی هوا می باشد که ضرورت تأمل بیشتر بالای آن می رود.

سوم- آلوده گی هوا، تأثیرات و راهکارهای آن

۱- شناخت آلوده گی هوا

آلوده گی هوا یکی از بزرگترین چالش‌های زنده گی شهری امروز است. تاثیر آلوده گی هوا بر جسم انسان سال‌هاست که روشن شده است. اما برخی از مردم دربارۀ تاثیر آلوده گی هوا بر اعصاب و روان انسان آگاهی ندارند. در گزارشی تازه برآورد شده است که آلوده گی هوا در جهان باعث مرگ زودرس بیشتر از ۵/۵ میلیون انسان در سال می شود و بیشتر از ۵ هزار میلیارد دالر هزینه به بار می آورد. آلوده گی هوا بیماری‌های گوناگون قلبی و تنفسی را به دنبال دارد.

۲- تأثیرات آلوده گی هوا

الف- تأثیر آلوده گی هوا بر خشونت و پرخاشگری

آلوده گی هوا باعث کاهش تحمل و بروز پرخاشگری در انسان می شود. هنگامی که فرد به دلیل آلوده گی هوا و کمبود اکسیژن بی حوصله و یا کم حوصله می شود توانایی کنترول خشم خود را از دست می دهد. درگیری‌های مردم پس از تصادف راننده گی در روزهایی که آلودگی هوا بیشتر شده افزایش می‌یابد. احساس نوع دوستی و کمک به دیگران و بخشش کاهش چشمگیری پیدا می کند. پس باید نگران خشونت کلامی – فیزیکی و واکنش‌های ناهنجار در روزهایی که هوا آلوده است باشیم.

ب - تأثیر آلوده گی هوا بر افسرده گی

آلوده گی هوا احساس کرختی، خستگی و بی حوصلگی را به انسان منتقل می کند. این احساس بر روی کسانی که دچار اختلال افسرده گی هستند اثر منفی می گذارد. آلوده گی هوا افسرده گی را تشدید و نیز باعث بروز افسرده گی در کسانی که زمینه های این اختلال روانی را دارند می شود.(۱۱: انترنت)

ج - تأثیر آلودگی هوا بر خود بیمارانگاری

آلودگی هوا روی کسانی که دچار اختلال خود بیمار انگاری هستند تاثیر منفی می گذارد. کسانی که دچار اختلال خود بیمار انگاری هستند در روزهایی که هوا آلوده تر است احساس می کنند که دچار ایست قلبی خواهند شد یا دچار سرطان و بیماری‌هایی مانند این‌ها شده اند. گزارش‌های بسیاری نشان می دهند که مراجعۀ این گروه از مردم به شفاخانه ها به دلیل چنین شرایطی افزایش می یابد.

د - تأثیر آلوده گی هوا بر یادگیری کودکان و دانش آموزان

کودکان و دانش‌آموزان نیز از گروه‌هایی هستند که تأثیر روانی آلوده گی هوا بر روی آن‌ها دیده می شود. در روزهایی که آلوده گی هوا افزایش می یابد تمرکز و توجه دانش‌آموزان کاهش پیدا می‌کند. کاهش تمرکز و توجه زمینه ساز مشکل یادگیری در کودکان می‌شود.

و - تأثیر آلوده گی هوا بر مادران باردار و فرزندان

مادران باردار به دلیل وضعیت حساسی که دارند نیازمند مراقبت بیشتری هستند. آلوده گی هوا تاثیرات منفی و گاه جبران ناپذیری بر روی مادر و جنین می گذارد. آلوده گی هوا می تواند باعث زایمان زودرس در مادران شود که بسیار خطرناک است. ذرات معلق هوا بر روی رشد مغز کودکان اثر منفی می گذارد و خطر ابتلا به نارسایی قلبی، اوتیسم، و مشکلات یادگیری را در آنان افزایش می دهد.

ه - تأثیر آلوده گی هوا بر اعصاب و روان سالخورده گان

یافته های پژوهشگران نشان می دهد که خطر بروز آلزایمر، دمانس، پارکینسون، در بزرگسالان و به ویژه سالخوردگان که به مدت طولانی در محیطی با هوای آلوده بوده اند بیش تر است. یافته‌های پژوهش‌ها نشان میدهد که آلزایمر، دمانس و پارکینسون با قرار گرفتن در محیط هایی با هوای آلوده رابطهٔ مستقیم دارند.(۱۱: انترنت)

۳- راهکارهایی برای کاهش اثرات روانی آلوده گی هوا

آلوده گی هوا چالشی است که سلامت جسم و روان ما را در سراسر جهان تهدید می کند. گام نخست را همیشه دولت‌ها بر می دارند و تلاش می کنند که به بهبود وضعیت هوا و کاهش آلوده گی کمک کنند. ما نیز به عنوان شهروند باید در بهبود وضعیت هوا نقشی داشته باشیم. پس بخاطر این که سلامتی را با خود داشته باشیم لازم است تا موارد زیر مراعات شود:

الف - از راننده گی در روزهایی که هوا آلوده است تا جایی که می شود خود داری کنید.

ب - عوامل استرس زا را از خود دور کنید. به ورزش بپردازید. از تنهایی بپرهیزید و در کنار خانواده و دوستان تان باشید تا از بروز افسرده گی پیشگیری کنید.

ج - نگذارید کودکان در روزهایی که هوا در وضعیت خطرناک است از خانه بیرون بروند.

د - مادران باردار نیز نباید در روزهایی که هوا آلوده است از خانه بیرون بروند چون خطر آسیب به خود و فرزندان شان افزایش می یابد.

ه - سفر کردن به جاهایی که هوای پاک دارند یکی از سفارش هایی است که باید آن را جدی بگیرید.

و - اگر در خانواده یا دوستان تان کسی دچار اختلال خود بیمارانگاری است او را نزد روانشناس ببرید تا از کمک و راهنمایی هایش بهره مند شوید.(۱۱: انترنت)

چهارم - محیط زیست، انواع و تأثیر آن بالای شخصیت انسان

۱- محیط زیست و تأثیر آن بر شخصیت انسان

علاوه هوا محیط زیست نیز بالای شخصیت انسان تآثیرگذاراست. زیرا وقتی می گوییم شخصیت به همه خصلت ها و ویژه گی های اطلاق می شود که معرف رفتار یک شخص است؛ از جمله می توان این خصلت ها را شامل اندیشه، احساسات، ادراک شخص از خود، وجهه نظر ها، طرز فکر و بسیاری عادات دانست. (٦:ص.۱۱۰) لهذا تجاربی که فرد از محیط خود کسب می کند، همچنان ارتباط و تعاملی که با محیط دارد و تأثیراتی که از محیط دریافت میدارد، رشد و شکل گیری شخصیت او را تحت تأثیر قرار می دهد. هرچند افراد انسانی با یک سلسله ویژه گی های ذاتی که جنبۀ ارثی و ژنتیک دارند، متولد می‌شود، اما محیط و جنبه های مختلف آن تأثیر بسزایی در بروز این ویژه گی ها می تواند داشته باشد.

بر این اساس هرچند برخی ویژه گی های شخصیت با پایه و اساس ژنتیک در فرد وجود دارند، اما ظهور و بروز آنها به شرایط محیطی بستگی دارد. برخی از ویژه گی های شخصیتی نیز عمدتاً توسط محیط در فرد بوجود می‌آیند و ریشه های ارثی ضعیفی را در آنها می توان شناسایی کرد. با این حال آن چه برای روان شناسان حائز اهمیت است، تعامل وراثت و محیط است که پیچیده گی‌های موجود در این تعامل و تأثیر آن بر ویژه گی های مختلف شخصیتی هنوز جای پژوهش دارد .

۲- انواع محیط های موثر بر شخصیت

تقسیم بندی های مختلفی می توان روی محیط انجام داد و تاثیرات آن را بر شخصیت مورد مطالعه قرار داد. در یک تقسیم بندی کلی، محیط به دو نوع محیط قبل از تولد و محیط بعد از تولد تقسیم می شود. امروزه روان شناسان تأثیر عوامل محیطی قبل از تولد را بر انواع ویژه گی های رشدی و شخصیتی مسلم می دانند. شرایط روحی مادر، احساسات عاطفی او نسبت به جنین در

حال رشد و عوامل مشابه دیگر، رشد و شکل گیری شخصیت کودک را تحت تأثیر قرار می دهد. در محیط بعد از تولد ویژه گی های شخصیتی والدین، شیوه‌های تربیتی، انواع امکانات اقتصادی، فرهنگی و جغرافیایی محیط رشد کودک، حایز اهمیت است. در یک تقسیم بندی عمومی محیط موثر بر شخصیت فرد به دو دسته محیط فیزیکی و محیط اجتماعی تقسیم می‌شوند :

الف- محیط طبیعی یا فیزیکی موثر بر شخصیت

محیط فیزیکی آن محیط طبیعی است که دارای آب و هوا، شرایط اقلیمی، منابع غذایی و دیگر امکانات مادی میباشد. هر کدام از این عوامل می توانند بر روی شخصیت افرادی که به نحوی با آنها در ارتباط هستند، تأثیر بگذارد. در مناطقی که با تغییرات فصلی، تغییرات دمایی بارزی صورت می گیرد، می توان اعمال بسیار خصمانه‌ای را در فصل تابستان که گرم است بیشتر از فصل زمستان مشاهده کرد. مردمی که در مناطق کوهستانی زنده گی می کنند، با غریبه‌ها کمتر جوش می‌خورند. در حالی که مردمی که در مناطق جلگه یی زنده گی می کنند، چنین نیستند. شواهد متعددی که حاصل پژوهش های مختلف در این زمینه می باشد، حاکی از تأثیر محیط های فیزیکی بر شخصیت افراد و شکل گیری و رشد آن است .

ب- محیط اجتماعی

قسمت اعظم یادگیری هایی که شخصیت افراد تحت تأثیر قرار می دهد نه در فضای معمولی محیط های طبیعی، بلکه در محیط بسیار پیچیده که به وسیلۀ رفتار افراد دیگر خلق و ایجاد شده است، انجام می پذیرد. منظور از محیط پیچیده اجتماعی یعنی الگوهای فرهنگی، طبقه اجتماعی، شیوه‌های تربیتی کودکان، ساختار خانواده، سیستم های تعلیم و تربیت و الگوهای استخدامی است. هر کدام از این ها به نوعی تأثیرات خود را روی شخصیت افراد نشان داده اند.

۵- تفاوتهای فردی در تأثیرپذیری شخصیت از محیط

پژوهش های مختلف نشان می دهد که حتی شرایط یکسان محیط های طبیعی یا اجتماعی تأثیرات متفاوتی بر روی افراد گوناگون خواهند داشت. البته این مطلب از جهتی نتیجۀ تعامل و ارتباط عوامل وراثتی و محیطی است. به عنوان مثال تأثیر آب و هوای گرم را بر روی افرادی که در محیط پُرجمعیت زنده گی می کنند، در نظر بگیرید. کاملا واضح و روشن است که چنین موقعیتی، اعمال به شدت خصمانه را افزایش می دهد، اما این امر بدان معنی نیست که هر کسی که در چنین محیطی زنده گی می کند، رفتار خصمانۀ خواهد داشت. (۱۰: انترنت)

تفاوت های فردی در عملکردهای مردم در قبال گرما در شرایط پُرجمعیت را نیز از یک سو می توان نتیجۀ تعامل عالی وراثت و محیط دانست. به عبارت دیگر، علاوه بر این که تأثیر عوامل مختلف محیطی غیر از گرما و شرایط پُرجمعیت می تواند دخالت کرده و رفتار فرد را شکل دهد، عامل وراثت نیز از سوی دیگر تأثیر فزاینده‌ای خواهد داشت. به این ترتیب در مناطق جرم خیز یک شهر هر چند آمار افراد متمایل به جرم، ممکن است زیاد باشد، ولی این شامل همه افراد نمی شود. چرا که عواملی محیطی که موثر بر تقویت ویژه گی های شخصیتی که مانع گرایش به جرم در فرد می شود، نیز در مورد افراد وجود خواهد داشت. (۱۲: انترنت)

پس از گفته های بالا می توان این طور استنباط نمود که انسان موجودی است تئثیر پذیر از محیط،همان گونه که بر محیط تأثیر گذاشته و آن را دستخوش تغییر می سازد، خود نیز تحت تأثیر محیط تغییر یافته قرار می گیرد و آن را در جهت اهداف و نیازهای فیزیکی و روانی خویش مورد استفاده و دگرگونی قرارداده و از منابع انرژی موجود درطبیعت به منظور تأمین نیازهای رفاهی خویش بهره می برد. رشد و گسترش شهرها و تغییر سریع و مداوم محیط زیست نیز مصرف منابع انرژی را افزایش داده است. محیط

دگرگون شده که در ابتدا با هدف ایجاد فضای مطلوب و مناسب برای نیازهای پایه و اجتماعی انسان ایجاد گردیده بود ، در تداوم رشد جمعیت و فشار بر منابع محیطی دچار مشکلات عدیده ای شده و فضای زیستی را به محیطی نامناسب ، ناامن ، پُرازدحام و به تعبیری غیر قابل تحمل تبدیل نموده است .همهٔ این موارد علاوه بر تغییرات فیزیکی، تأثیرات و دگرگونی های روحی و روانی و ذهنی را نیز برای انسان به دنبال داشته است .انسان امروز در چارچوب تغییرات خود ساخته اسیر شده و معضلات اجتماعی، روانی، زیستی فراوانی او را احاطه کرده است. بر اساس تحقیقات انجام شده در علوم روانشناسی محیطی و رفتار، وقتی انسان دچار مشکلات روحی، اجتماعی، ارتباطی می شود به منظور جبران شرایط موجود به دنبال مکانیسم های دفاعی بوده که منجر به فشار مضاعف بر محیط زیست و منابع انرژی میگردد.این مکانیسم ها به شرایط نامناسب موجود دامن زده و این چرخهٔ ناسالم همچنان گسترده تر شده و ادامه می یابد. طراحی نامناسب محیط شهری و سکونت، که در آن ها روش استفاده از انرژی های طبیعی به شکل مناسبی تنظیم نگردیده باعث اختلالات روحی افراد شده و موجب می گردد که انسان در جهت تنظیم و جبران اشکالات موجود در فضاهای زیستی به استفاده ی نامناسب و هر چه بیشتر منابع انرژی روی آورد . به عنوان نمونه میتوان از فضاهای مسکونی نام برد که به دلیل طراحی و ساخت وساز نامناسب نور طبیعی کافی دریافت نمی دارند.

نتیجه گیری

انسان ازآوان پیدایش خویش تا حال از زمین و منابع طبیعی آن جهت بقاء و تداوم حیات خویش استفاده نموده ودر نتیجه تغییرات را در محیط طبیعی باعث شده است. استفاده ازمنابع طبیعی درابتداء به دلیل کم بودن نفوس و نداشتن تکنالوژی موجوده جهت مهارکردن این منابع از یک نوع توازن نسبی

برخوردار بوده ولی با گسترش جوامع بشری و ظهور تمدن های متعدد فشار بالای منابع طبیعی روبه فزونی گذاشت.

متأسفانه این استفاده بی حد وحصر پیامدهای در قبال دارد که گاهی برای انسان و محیط و ماحول آن مطلوب نمیباشد. هرگاه ازمنابع طبیعی به شکل درست و با صرفه جویی و احتیاط استفاده شود، این منابع نه تنها نیازمندی های نسل های امروزی را پوره خواهد کرد، بلکه نسل های آینده نیز از آن به صورت مطلوب بهره مند خواهد بود.

همانطور که انسان بالای محیط تأثیرات خویش را به جا می گذارد همچنان محیط نیز اثرات روانی خویش را میتواند بالای انسان داشته باشد. امروزه چیزی که عالم بشریت را با چالش بزرگ مواجه ساخته است همانا آلوده گی های محیطی است که بر روان انسان ها تأثیرات سوء داشته و باعث بروز انواع امراض مهلک می تواند گردد.

هر گاه مختص آلوده گی هوا را در نظر بگیریم که امروز متأسفانه دامنگیر ما هم است، این هوای نا مساعد بر روان و اعصاب تأثیر داشته و قرار احصائیه سالانه بیشتر از پنج ملیون نفر از این آلوده گی به هلاکت می رسند. ازاثر آلوده گی هوا انواع امراض قلبی و تنفسی پیدا شده، همچنان همین الوده گی باعث می گردد تا تحمل انسان ها کمترو پرخاشگری آنان بیشتر شود. خستگی و بی حوصله گی ازنقص جدی این مشکل است. افسرده گی که شایع ترین نوع تکلیف روانی است از همین آلوده گی هوا می تواند بروز نماید بخصوص آنانیکه زمینه اختلال روانی دارند، این تکلیف زود تر می تواند به سراغ آنان بیاید.

همچنان به نسبت آلوده گی هوا دانش آموزان نمی توانند به صورت درست بیاموزند یعنی اینکه در یادگیری آنان خلل وارد می شود که این امر تأثیرات خویش را بالای روان دانش آموزان می تواند داشته باشد.

پیشنهاد ها

۱-مادران باردار قبل از زایمان و بعد از آن در خصوص هوای آلوده باید محتاط باشند، زیرا این آلوده گی ها باعث زایمان زودرس در آنان شده و نوزادان از صحتمندی کامل نمی توانند برخوردار باشند.

۲- برای هر فرد جامعه لازم است تا درکاهش آلوده گی های محیطی تلاش به خرچ دهد. در ضمن مسئولین امور نیز باید به این امر توجه داشته در رفع این معضل و در قسمت آماده ساختن محیط سالم و آسوده توجه و تلاش های بیشتر از پیش شان را مبذول دارند، پارک های تفریحی، ساحات سبز و جاهای ورزشی را برای مرد و زن در چارچوب دین مبین اسلام و فرهنگ افغانی فراهم نمایند.

مآخذ

۱- ابن سینا. قانون، کتاب اول، ترجمه عبدالرحمن شرفکندی، سروش: تهران، ۱۳۷۰.

۲- ارسطو ر، ک. سیاست، ترجمه حمید عنایت، چاپ سوم، شرکت سهامی کتابهای جیبی: تهران، ۱۳۵۸.

۳- خلدون، عبدالرحمن. مقدمهٔ ابن خلدون،ترجمه پروین گنابادی، چاپ پنجم، جلد اول، وزارت فرهنگ و آموزش: تهران، ۱۳٦۳.

٤- راجرز، ادوارد. اکولوژی انسانی و بهداشت، دیباچه مؤلف، ترجمه: دکتر سیاوش آگاه، چاپ اول، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی:ایران، ۱۳٤۸.

۵- فرانسیس تی ،مک اندور. روانشناسی محیطی ، ترجمه غلام رضا محمودی، چاپ اول، انتشارات زرباف اصل: تهران، ۱۳۸۷.

٦- کوئن، بروس. مبانی جامعه شناسی، ترجمه غلام عباس توسلی، و رضا فاضل: تهران، ۱۳۸٦.

۷- لنگ، جان. آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط ، ترجمه، علی رضا عینی فر، انتشارات دانشگاه: تهران، ۱۳۸۳.

۸- منتسکیو،ش،ل،د. روح القوانین، ترجمه علی اکبرمهتدی، انتشارات امیر کبیر:تهران، ۱۳٦۲.

۹- محمد ابراهیم قانع، روان‌شناسی محیطی، تاریخ دسترسی:۱۴۰۲/۴/۵-
http://ibrahimqani.blogfa.com/post/

۱۰- شبکه ملی مدارس رشد، تاثیر محیط بر شخصیت، تاریخ دسترسی:۱۴۰۲/۵/٦
http://daneshnameh.roshd.ir/mavara/mavara-

۱۱- سوشیانت زوارزادهسوشیانت زوارزاده تاریخ دسترسی:
mrpsychologist.com/psychological-effect-of-air-
http;//pollution

۱۲- سیاح آنلاین، تآثیر محیط بالای انسان- تاریخ دسترسی: ۱۴۰۲/٦/۱
http//;sayahonline.com/social/-

ښېرنوال محمد داود ناظم

د مرکې رول په پرمختیا کې د ټولنې
دور المقابلة الصحفية في تطور المجتمع

خلاصة البحث

المقابلة الصحفية هي نوع فعال من الصحافة والإعلام، ولها أثر بالغ الأهمية في جمع المعلومات، والتعريف بالشخصيات ومواهبهم و مؤهلاتهم، وأيضا لها دور كبير في إجراء البحث العلمي وتطوير مختلف مجالات الحياة البشرية.

سنوضح في هذا المقال مدى علاقة المقابلة الصحفية مع مختلف العلوم والمجالات، وهكذا تم دراسة دور المقابلة في تطويرتلك المجالات المختلفة البشرية و إنماءها. ولا شك أن هذه الدراسة قد تؤدي إلي توسيع مجال العلمي، وتهدف إلى الإستفادة بشكل مناسب من الدور الفعال للعلوم المختلفة في تطوير مجالات حياة الإنسان.

في بداية هذا المقال، قد تم تقديم المقابلة بإيجاز، وفي جزءه الثاني، قد أجريت دراسة دور المقابلة في تطوير جوانب مختلفة من حياة الإنسان، كما تمت مناقشة علاقتها بتلك المجالات المختلفة.

من خلال قراءة هذا المقال، سيتمكن المتخصصون والموظفون في التخصصات والقطاعات المختلفة من الإستفادة من المقابلة في إتساع مجالهم الأكاديمي وتطوير مجالهم العملي.

الكلمات الرئيسية

المقابلة الصحفية، الإعلام، وسائل الإعلام، أنواع المقابلة، التأثير، الرأي العام والمجتمع.

لنډیز

مرکه د ژورنالیزم او رسنیو مالګه، د معلوماتو راټولولو، د شخصیتونو او استعدادونو د معرفي کولو او د بشري ژوند د بېلابېلو ډګرونو د څېړنې او پرمختیا یو اغېزناک ژانر دی. د دې مقالې په ترڅ کې د مرکې اړیکې له مختلفو علمونو او ډګرونو سره پېژندل شوي او د هغو په پرمختیا کې یې رول څېړل شوی دی چې دغه کړنه په حقیقت کې د علمي ساحې په پراختیا کې د قدر وړ قدم ګڼل کېدای شي او د مقالې مبرمیت هم جوتوي. دغه څېړنه په دې موخه ترسره کېږي چې د بېلابېلو علمونو په ارتوالي او د بشري ژوند د ډګرونو په پرمختیا کې یې له اغېزناک رول څخه مناسبه ګټه واخیستل شي.

په دې مقاله کې له سریزې وروسته په لومړۍ برخه کې په لنډیز سره د مرکې پېژندنه شوې او په دوهمه برخه کې یې د بشري ژوند د بېلابېلو اړخونو په پرمختیا کې د مرکې رول څېړل شوی او په اوږدو کې یې اړیکې هم له هغو برخو سره په ګوته شوې دي. د دې مقالې په لوستلو سره به د یادو تخصصونو او سکټورونو متخصصین او کارکوونکي دا توان پیدا کړي چې له مرکې څخه د خپلې علمي ساحې په پراخوالي او خپل عملي ډګر په پرمختیا کې څرنګه ګټنه وکړي.

سریزه

مرکه د ژورنالیزم یو مهم ژانر دی چې د معلوماتو، اطلاعاتو، ارقامو، احصائیو او نظریاتو په راټولولو او خپرولو کې مهم او اغېزناک رول لري، له همدې کبله په علمي-تحقیقي ډګر کې هم خپل ځانګړی ارزښت لري، نو له ژورنالیستانو را وروسته په دوهمه درجه کې څېړونکو لره هم اړینه ده چې د ښې او بریالۍ مرکې په تدابیرو او تر سره کولو باندې ښه وپوهېږي او له دې لارې خپلې

علمي څېړنې لا بډايې کړي. له دې ځايه ویلی شو چې د مرکې رول د علمي څېړنو، ژورنالیزم او رسنیزو فعالیتونو، سیاسي، اقتصادي، ټولنیزې، روغتیایي، ښوونیزې او داسې نورو برخو په پرمختیا کې خپل ځانګړی رول لري، له دې برخو سره یې داسې اړیکې او تړاوونه شته چې مرکې پر هغو او هغوی پر مرکو باندې لا شتمن او اغېزناک شي.

په مرکې باندې تر یاد عنوان لاندې څېړنه په حقیقت کې د علم جزئیاتو ته ور داخلېدل دي چې په واقعیت کې علمي ساحې ته پراخوالی ورکوي او په دې برخه کې یو نوی او بکر کار ګڼل کېږي چې له نورو علمونو سره د مرکې د ژانر اړیکې او د اغېزو کچه وپلټل شي او همدارنګه د ژوند د بېلابېلو ډګرونو په پرمختیا کې د مرکې رول رابرسېره شي.

د موضوع مبرمیت:

د بشري ژوند پر بېلابېلو ډګرونو باندې د مرکې د اغېزو په برخه کې واقعاً یوه علمي، مسلکي او تدریسي تشه محسوسېدله چې د دې څېړنې په رڼا کې دغه تشه تر یو حده ډکه او نورو څېړنو او د هغو انکشاف ته لاره هوارېږي.

مرکه د انسان د ژوند په هر اړخ او په ځانګړې توګه په ژورنالیزم، رسنیز فعالیت او علمي-څېړنیزه برخه کې ډېر ارزښت او د ژوند پر بېلابېلو اړخونو باندې پیاوړې اغېزې لري، چې له همدې کبله یې د څېړلو مبرمیت لا نور هم را برسېره کېږي. بل داچې د څېړونکو لپاره مرکه ځکه ډېر مبرمیت لري چې د څېړنیزې موضوع د بډایولو او معلوماتو راټولولو لپاره یوه غوره لاره ده.

په اوس وخت کې د مرکې په اړه د څېړنې مبرمیت د دعوت او تبلیغ په برخه کې لا نور هم زیاتېږي چې د مرکې د خوږو په واسطه پیغام په لوړ حکمت او هنر خپور او لوړ اهداف ترلاسه کېدلی شي.

د څېړنې موخه:

د مرکې اهمیت او ارزښت ته پام را اړول، چې په معیاري او مسلکي توګه کارولو سره مرکه د ټولنې د هر اړخیزې متوازنې پرمختیا سبب شي.

په رسنیز فعالیت او علمي-څېړنیزه برخه کې د مرکې معیاري او مسلکي کارول.

د څېړنې پوښتنه:

د ټولنې په پرمختیا کې مرکه څه رول لري؟

د څېړنې فرضیه:

په معیاري او مسلکي توګه د مرکې کارول د ټولنې په متوازنه هراړخیزه پرمختیا کې رغنده رول لري.

د څېړنې میتود:

دغه څېړنه په توصیفي-تحلیلي میتود ترسره شوې ده.

د موضوع په اړه پخوانۍ څېړنې:

په افغانستان کې د مرکې په اړه ډېر سطحي معلومات او ژباړل شوي مطالب وو چې د مرکې په معرفي، د مرکې د ترسره کولو مرحلې او د مرکې له یو څو محدودو ډولونو څخه زیات څه نه وو چې ما یې د ژورنالیزم پوهنځي په تدریس کې لویه تشه احساسوله، په ځانګړې توګه چې کله د مرکې موضوع د یو ځانګړي مضمون په توګه په مشعل پوهنتون کې را وسپارل شوه، نو د دې تشې په شتون لا ښه وپوهېدم چې په دې اړه پخواني معلومات په هېڅ صورت نور د نوي عصر علمي، فکري او تخنیکي پرمختګونو ته بسنه نه کوي، له دې کبله مې د «مرکه او په ټولنه یې اغېزې» تر عنوان لاندې ځانګړې کتاب ته ملا وتړله چې د اهل مسلک د استادانو له لوري درې د قدر وړ تقریظونه هم پرې ولیکل شول او تر ډېره یې دا تشه را ډکه کړه، خو پر ټولنې باندې د مرکې د اغېزو په اړه لا هم پراخې څېړنې ته اړتیا وه چې د هېواد د رسنیو کاروونکي،

اهل د مسلک او د رسنيو مخاطبينو پام ور واوړي او په دې ژانر کې له شته اغېزو څخه برخمن او ټولنه پرې هراړخيزه متوازنه پرمختيا ومومي.

الف: د مرکې لنډه پېژندنه

د يوې کلمې يا اصطلاح لغوي پېژندنه د هغې له اصطلاحي پېژندنې سره مرسته کوي او په اړه يې لوړو مفاهيمو ته لاره پرانيزي. له همدې کبله به له هر څه دمخه مرکه (مصاحبه، مقابلة صحفية، Interview) د لغت له مخې معرفي کړو.

۱- د مرکې (Interview) لغوي پېژندنه

مرکه په پښتو کې د مجلس، شورا، جرگې(۱۰: ۹۵۷مخ) ، خبرو اترو او سوال ځواب معناوې افاده کوي. مرکې ته په دري ژبه کې مُصَاحَبَه وايي، دا کلمه د عربي ژبې له صَحِبَ – يَصحَبُ څخه اخيستل شوې ده چې صَحَابة او صُحبة يې مصدر دی او په وزن د مُفَاعَلَة ده چې د دوو کسانو په خبرواترو، ليدلو، يو بل څخه په حفاظت کولو او په ملگرتيا دلالت کوي،(۹: ۳۵۹مخ) فرهنگ عميد ورته دا معناوې ليکلې دي «مُصَاحَبه: با کسی صحبت داشتن، با کسی يار و همدم شدن، همدمی.»(۸: ۱۱۲۷مخ) په عربي کې مرکې ته مُقَابَلة صُحُفِيَّة يعنی مطبوعاتي ليدنه يا مخامخ کېدل وايي او په انگليسی کې Interview کلمه ورته کارول کېږي چې د نظر شريکولو، خبرو اترو، مرکې، سوال او ځواب معناوې افاده کوي.(۱۴: ۵۳مخ)

۲- د مرکې اصطلاحي پېژندنه

مرکه هغه مهم ژانر دی، چې د ټاکلو موخو پر بنسټ د مرکچي يا مرکچيانو له خوا د نظر له خاوندانو، اړوندو متخصصينو، چارواکو، عيني شاهدانو، مطلوبو افرادو يا عامو وگړو سره په مخامخ يا د کومې وسيلې له لارې د معينو پوښتنو په کولو سره د معلوماتو او حقايقو د ترلاسه کولو، مستندولو، روښانولو، ارزونې، څېړنې، پرتلنې او سرگرميو لپاره ترسره کېږي.(۱۱: ۳۵مخ)

۳- د مرکې ارکان

مرکه درې رکنونه لري چې لومړی رکن يې مرکه کوونکی يعنې هغه څوک يا خبريال چې پوښتنه کوي؛ دوهم يې مرکه کېدونکی يعنې هغه څوک چې ځوابونه وايي او درېيم يې استفهامية خبرې اترې يا سوالونه ځوابونه دي چې د دواړو لورو تر منځ تبادله کېږي.

ب- د بشري ژوند د بېلابېلو اړخونو په پرمختيا کې د مرکې رول

ټولنه او رسنۍ يو پر بل باندې د اغېزو او يو له بل څخه د اغېزمنتوب صلاحيت لري. مرکه چې د نورو برخو په څنګ کې د رسنيو په برخه کې هم د اطلاعاتو را ټولولو او خپرولو يو مهم ژانر ګڼل کېږي، د ټولنې په بېلابېلو اړخونو کې يې خپلې اغېزې جوتې کړې دي.

د مرکو او د ژوند د بېلابېلو اړخونو او علمونو تر منځ اړيکه داسې ده، لکه نوک او اوری، که د ژوند بېلابېل اړخونه، موضوعات او علمونه نه وي، نو مرکې به پر څه باندې ترسره شي او که مرکې نه وي نو دغه علمونه او د ژوند بېلابېل موضوعات به د بډاينې يوه مهمه کړکۍ او د ساتنې او ښکلا لپاره وقايه و نه لري.

مرکې چې په هره برخه کې په سمه توګه د متخصصو او مخلصو اشخاصو له خوا ترسره او خپرې شي په هماغه برخه کې د ټولنې د پرمختګ سبب کېږي، په سياسي، علمي، فرهنګي، اقتصادي، ټولنيز، ادبي، هنري، تربيتي، روغتيايي، پوځي او داسې نورو ډګرونو کې د ګټورو مرکو خپرول د همغو ډګرونو د پرمختيا او پرمختګ انګېزې جوړوي چې همدغه انګېزې بالآخر په

ارادې، فکر او عمل بدلېږي او عملاً په ټولنه کې هراړخیزه پرمختیا رامنځ ته کېږي.

د بیرزیت د پوهنتون د ژورنالیزم د پوهنځي یو استاد په دې نظر دی چې: د رسنیو اصلاح د ټولنې نیمه اصلاح ده.(۳: ۷مخ)

که رسنۍ اصلاح او مثبت لور ته روانې وي، نو په ټولنې یې اغېزې هم اصلاحي او مثبتې وي، خو که رسنۍ له معیارونو ووځي او په ټولنې کې د فسادونو او جرمونو د ترویج او د پردیو اهدافو د پلي کولو لپاره خپرونې وکړي نو اغېزې به یې هم په ټولنې منفي وي او داسې بداړخې رسنۍ او د هغوی مرکې به هرو مرو په ټولنې کې فسادونه او جرمونه زېږوي او د پردیو لاسپوڅي او پردي پال وګړي به روزي.

په یوې انګلیسي مقالې کې چې د مرکو د اغېزو په اړه لیکل شوې ده، په دې تأکید کېږي چې: د مرکې د اغېزو په اړه بېلابېل بحثونه شوي چې دا جوتوي چې یوه معیاري او مسلکي مرکه له غیر معیاري مرکې څخه پیاوړې اغېزې لري، دا ځکه چې د معیاري مرکې سوالونه، معلومات او وړاندوینې دقیقې او پرتلنه یې اسانه او د تحلیل وړ وي.(۱۳:انترنت)

نو که چېرې د رسنیو له لارې معیاري مرکې د لوړو اهدافو د تحقق لپاره د منل شوو ارزښتونو پر بنسټ ترسره شي له شک پرته چې د ټولنې د بېلابېلو برخو په پرمختیا کې مثبت رول اداء کوي، د مرکو دغه رول به په لاندې عنوانونو کې وڅېړو ترڅو مرکه کېدونکو، مرکه کوونکو، خپروونکو او مخاطبینو ته هغه لا ښه روښانه شي او د مرکو په ترسره کولو او خپرولو کې ورته ټول لوري په آګاهانه او علمي ډول د ښې ګټنې او پرمختیا په موخه پاملرنه ولري.

۱- د ژورنالیزم او رسنیز فعالیت په پرمختیا کې د مرکې اغېزې

د ژورنالیزم او رسنیز فعالیت په ډګر کې د مرکې یوه ډېره مهمه ځانګړنه یا اغېزناک ځواک په دې کې دی چې یو پیغام ته څو برابره زیات ارزښت ورکول کېدای شي چې په ترځ کې یې په مخاطب باندې په ډېر قوت سره اغېز کولی

شي او عامه ذهنیت له ځان سره د ډېر وخت لپاره ساتلی شي، د بېلګې په توګه یو پیغام چې خلکو ته یې رسول غواړو له یو نامتو سیاستوال، علمي شخصیت، متخصص، مشر، مېرمنې، ماشوم، پلار، مور، چارواکي، بېوزله او بې کوره...سره پرې مرکه کوو چې په پایله کې هغه پیغام څو برابره زیات خبري ارزښت پیدا کوي، د عامه او ټولنیزو رسنیو سرخطونو ته پورته کېږي او عامه ذهنیت باندې لا زیات اغېز کولی شي.

مرکه په رښتیا سره چې د اطلاعاتو، معلوماتو، د بېلابېلو ژانرونو د بډاینې، د حقایقو د پلټنې ژانر دی چې اغېزې یې د ژورنالیزم په بېلابېلو برخو کې احساسېږي، نعیم بدیعي ایراني محقق هم تأییدوي چې: مرکه داطلاعاتو راټولولو له مهمو وسایلو څخه ده.(۵: ۱۸۳مخ) همدارنګه مرکه په بېلابېلو چاپي، غږیزو، تصویري او ټولنیزو رسنیو کې په ځانګړې پاملرنې سره ترسره کېږي.

مرکه په ژورنالیزم کې لوړ اهمیت او پراخ مکانت لري. مرکه اطلاعات را جذبوي، معلومات مستند کوي، د پېښو تر شا حقایق رابرسېره کوي، د مسایلو په اړه بېلابېل نظریات او موقفونه روښانه کوي او د ستونزو په اړه د مناسبو حل لارو پېژندلو ته لاره هواروي.

همدارنګه مرکه د پوهانو، متخصصینو او تجربه لرونکو شخصیتونو د یو عمر مطالعو او تجربو نڅوړ په لنډو جملو کې ټولنې ته وړاندې کوي چې د ټولنې د علمي او مادي بډاینې لپاره ځانګړی اهمیت او ارزښت ثابتوي. مرکه د څېړنې یا تحقیق لپاره هم د فاکتونو او حقایقو د ترلاسه کولو په برخه کې ډېر اهمیت لري، څېړونکو ته خام مواد هم برابروي او ډېر معلومات او احصائیې او ارقام په واک کې ورکوي.

همدارنګه د مرکې اهمیت په دې کې هم جوتېږي چې د لوړ بصیرت، ژور فکر خاوند او دور اندېشه شخصیتونو ته د وینا فرصت برابروي. په هره زمانه کې ځینې داسې شخصیتونه هم وي چې له عصر څخه مخکې فکر کوي او

الله تعالی ورته د وړاندوینو او پرمختګ لوړه ملکه او پراخ بصیرت ورپه برخه کړي وي. هغه فکر یا شتمنیو ته چې عادي خلک لس، شل، پنځوس یا سل کاله وروسته رسېږي یا پوهېږي، هغه د خپل بصیرت، تجربې او پوهې په قوت همدا اوس پرې پوهېږي، نو له داسې بابصیرته شخصیتونو سره مرکه کول او د هغوی فکر او نظر خپرول دومره با اهمیته او ارزښتناک کار دی چې که ټولنه عمل پرې وکړي، نو په حقیقت کې یې لس، شل، پنځوس او یا هم سل کاله مخکې بیایي؛ نو ویلای شو چې مرکه لوړو افکارو ته د رسېدو او د چټک پرمختګ لنډه لاره ده.

د ژورنالیزم او رسنیز فعالیت په پرمختیا کې د مرکې اهمیت او اغېزې چې څومره وځېړل شي، همدا ځواب په لاس راځي چې مرکه د ژورنالیزم د ځېلونو یا ژانرونو یو مهم او اغېزناک څېل دی چې بېلابېل رسنیز فعالیتونه ورسره پرمختګ کوي.

په اصل کې مرکه د ژورنالیزم یو اطلاعي ژانر ګڼل شوی، ځکه چې د خبري مطالبو د اکمال او د اطلاعاتو راټولولو په موخه ډېره کارول کېږي خو که د ژورو تحلیلي او څېړنیزو مسایلو د سپړلو او پلټنې په موخه وکارول شي نو بیا په داسې وخت کې یو تحلیلي ژانر هم ګڼل کېدای شي. که یوه مرکه د (څه، څوک، چېرې، څه وخت) سوالونو ته ځواب غواړي نو خبري یا اطلاعي مرکه ګڼل کېږي او که د (څنګه، ولې) سوالونو او دې ته ورته نورو تحلیلي، پرتلیزو سوالونو ته ځواب او ریښې سپړل او پلټل غواړي نو تحلیلي مرکه ګڼل کېږي. همدارنګه مرکه د ادبي موضوعاتو په برخه کې هم کارول کېږي او ادبي مرکه یې بولي.(۱۱: ۳۰مخ)

مرکه سربېره پر دې چې د یو خپلواک ژانر په توګه په بېلابېلو برخو کې د پوښتنې او ځواب په ډول تر سره کېږي او غالبا هماغسې د پوښتنې او ځواب په بڼه خپرېږي د نورو ژانرونو د بشپړولو او بډایولو لپاره هم کارول کېږي، لکه د خبر، ګزارش، مقالې، تبصرې، لحظې، فیچر او ځینو نورو ژانرونو د لا بډاینې

په موخه له مرکې څخه د یو مرستندوی ژانر په توګه کار اخیستل کېږي چې په داسې حالت کې مرکه د سوال او ځواب په بڼه نه، بلکې یواځې مطلوب ځوابونه یې د مستقیمو او غیر مستقیمو نقل قولونو په توګه د بل ژانر په متن کې راوړل کېږي او د هغه ژانر د اعتماد او اغېز د کچې په زیاتوالي او عیني کولو کې مهم رول اداء کوي. په دې توګه لیدل کېږي چې مرکه د ژورنالیزم په بېلابېلو څانګو کې خپل ځانګړی مقام یا مکانت او اهمیت جوتوي، خو په اطلاعي ژانرونو کې خپل اصلي مقام ټاکي.

مرکه نه یواځې د خبر په برخه کې، بلکې د ژورنالیزم د بېلابېلو ژانرونو د بډاینې لپاره کارول کېږي او د رسنیو لپاره ډېر معلومات او مطالب راغونډوي، چې د همدې اهمیت له کبله، مرکه پېژندنه او مرکه کول په ژورنالیزم کې په یوې ډېرې مهمې برخې تبدیل شوې. اوس د ډېرو پوهنتونونو د ژورنالیزم پوهنځیو په نصاب کې د یو مستقل مضمون په حیث تدریس کېږي.

۲- د علمی، څېړنیزې، ښوونیزې او روزنیزې برخې په پرمختیا کې د مرکې رول

مرکې د علمي ډګر په پرمختیا کې پیاوړی اغېزناک رول لري، علمي سوژې را پنځوي، په هره برخه کې متخصص، وړ او لوړ شخصیتونه رالټوي، له هغوی سره علمي-څېړنیز موضوعات او عنوانونه شریکوي له هغوی سره په اړوندې موضوع کې ژورې مرکې کوي، د هغه علم پټې برخې را برسېره کېږي، په هغه برخه کې د خلکو سوالونو ته ځوابونه ویل کېږي، مرکه کوونکي او مرکه کېدونکي د مرکې د موضوع په اړه ژوره مطالعه کوي او د هغې موضوع په اړه له مرکې څخه مخکې تدابیر، د مرکې په جریان کې تدابیر او له مرکې څخه وروسته تدابیر ټول د دې سبب کېږي چې ټاکل شوې علمي موضوع، عنوان او دهغې اړوند مسایل په ټولنه کې د خلکو تر منځ واوړي را واوړي، په اړه یې ډېرې پلټنې وشي، مطالعې وشي، تحلیلونه وشي او بالآخره ښې پایلې او

وړاندیزونه د ټولنې د پرمختیا او د خلکو د سوکالۍ په موخه په ټولنه کې د رسنیز فعالیت له کبله څپاره شي.

د څېړنیزې برخې په پرمختیا کې هم د مرکې رول ډېر اغېزناک دی، ځکه ډېرې ساحوي څېړنې د مرکو له لارې ترسره کېږي او د موضوع په اړه ارقام، احصائیې، نظریات، معلومات او افکار د مرکو په واسطه ترلاسه کېږي، همدارنګه د څېړنو لپاره ډېر خام مواد او فاکټونه د رسنیو له لارې خپرو شوو مرکو څخه هم ترلاسه کېږي، نو له دې کبله یو څېړنکي ته اړینه ده چې یو ښه مرکه کوونکی هم اوسي، د مرکې په تدابیرو، جریان او له دې لارې د معلوماتو راټولولو او تحلیل باندې ښه وپوهېږي.

د مرکې په واسطه د لومړنۍ سرچینې معلومات مخاطب ته انتقالېدلی شي، چې دا لاسته راوړنه په علمي- تحقیقي او تاریخي برخه کې هم ډېر د قدر وړ لاس ته راوړنه ګڼل کېږي.

د علم، ساینس او تکنالوژۍ په برخه کې د ډېرو مخترعینو، تیوریسنانو، مبتکرینو، څېړونکو، ښوونکو، لیکوالانو، شاعرانو او داسې نورو علمي شخصیتونو سره مرکې او د هغوی د لاسته راوړنو معرفي او تقدیرول د دې سبب کېږي چې هغه شخصیت لا نور ډېر خدمت ته هڅول کېږي او له بلې خوا د هغه لاسته راوړنه خلکو ته معرفي کېږي تر څو په ښه توګه ترې ګټه واخلي چې دا په حقیقت کې د علم، ښوونې او روزنې د پرمختیا په برخه کې پیاوړې اغېزې ګڼل کېږي.

علمي څېړنیزې مرکې په ټولنه کې علم، پوهه، حکمت، استدلال، تخصص او تجربه حاکموي او یوه داسې باعظمته علمي فضا رامنځته کوي چې د مطالعې، پوهې او څېړنې فرهنګ په کې عامېږي، صبر، حوصله، منطق او استدلال په کې وده کوي، اصلاحي نقد او علمي آثارو او لاسته راوړنو څخه علمي دفاع په یو منل شوي فرهنګ بدلېږي چې دا د علمي مرکزونو او علمي ټولنو تر ټولو لوړ علمي پرمختګ ګڼل کېږي.

په ښوونیز ډګر کې د مرکې له ژانر څخه ډېره ګټه اخیستل کېږي، د نصاب په ډېرو کتابونو کې ځینې درسونه، لنډې کیسې او محاورې د سوال او ځواب او مرکو د ژانر په توګه شاګردانو ته رسول کېږي، حتی ځینې بشپړ کتابونه د سوال او ځواب په بڼه لیکل شوي دي، دا ځکه چې سوال د زده کوونکي او زده کړیالانو پام ښه را جذبولی او د ځواب د پیدا کولو په موخه یې مطالعې، څېړنې، تفکر او پلټنې ته هڅولی شي.

په ښوونیز ډګر کې آزموینې ستر ارزښت لري چې زده کوونکي له ازموینې څخه مخکې، د ازموینې په جریان کې او له ازموینې څخه وروسته زده کړې، مطالعې، تفکر، لیکنې او وینا ته اړ کوي او ازموینو کې سوالونه ځوابونه او مرکې خپل ځانګړی ځای لري چې دا هم په ښوونیز ډګر کې د مرکو یا پوښتنو ځوابونو اغېزناک رول ځرګندوي.

په روزنیزه برخه کې د ماشومانو، ځوانانو او د ټولنې د بېلابېلو وګړو د خبرو اترو، تفاهم، سوال او ځواب، تفکر، غور نیولو، مخاطب ته د پیغام رسولو، قناعت کولو، قناعت ورکولو، فصاحت، بلاغت، وضاحت، دقت، رښتینولۍ، متقابل احترام، ښې ملګرتیا او ښه ژوند کولو ورتیا ته لا پیاوړتیا وربښي، دغو خصلتونو او اعمالو ته یې لا ښه روزنه ورکوي او د پوخوالي او ګټورتوب په لور یې بیایي چې په پایله کې یې د ټولنې روزنیزه برخه وده کوي او ټولنې ته په یادو موضوعاتو کې پاخه روزل شوي شخصیتونه وړاندې کېږي.

د مرکو په واسطه د نوي نسل د لا ښه روزلو لپاره په کورونو، ښوونیزو مرکزونو او رسنیو کې ماشومان او ځوانان د لوبو او سرګرمیو په پلمه یو له بل سره تمثیلي او واقعي مرکې وکړي، یو د ژورنالیست او بل لوری د یو معلم، وزیر، معین، استاد، متخصص، ویاند، امیر، ولسمشر، د پارلمان یا ملی شورا رئیس...کرکټر ولوبوي، په دې توګه به نه یوازې دوی د ښو مرکه کوونکو او مرکه کېدوونکو په حیث وروزل شي، بلکې له هغوی سره به له همدې ماشومتوب او ځوانۍ څخه لوړ فکرونه، د ښې ادارې وړتیا او ولس ته د سترو

خدمتونو آرمانونه وروزل شي او هغه به په کې پاخه شي، نو د زده کړو له ډګر څخه وروسته به د ژوند عملي ډګر ته ښه پاخه روزل شوي علمي کادرونه ټولنې ته د خدمت لپاره وړاندې کېږي.

۳- د اسلامي دعوت او تبليغ په برخه کې د مرکې رول

د اسلامي دعوت او تبليغ په ډګر کې په ډېر حکمت سره له ديني عالمانو، پوهانو، دعوتګرانو سره د ټاکلو مهمو علمي، ديني او دعوتي مسايلو په اړه د پياوړي ايمان او اعتماد په خوږه فضا کې مرکې ترسره کول د ټولنې په اصلاح او د خير ښېګڼو په خپرولو کې ډېرې اغېزناکې پايلې لري.

د قرآن کريم ډېر آيتونه او د رسول الله ص احاديث، سيرت او د صحابه وو په اقوالواو سيرت کې مرکې څخه ډېره اعظمي استفاده شوې ده.

د اسلامي شريعت په تطبيق کې له ډېرو حکومتي الزامونو څخه دعوتي حکمتونه ډېر اغېزناک وي، هغه هم د مرکې د ژانر له لارې يې اغېزې لا څو چنده زياتېږي.

د مرکو بېلابېل ډولونه د ټولنې د علمي، ښوونيزې او روزنيزې برخې په وده کې اغېزناک رول لري، خو د مرکو په ضمن کې ذاتي مرکې او معنوي مرکې هغه دي چې که په سمه توګه وکارول شي نو د انسان د شخصيت، علميت او تربيت په برخو کې يې اغېزې ډېرې چټکې، پياوړې او بې لګښته وي.

همدارنګه د اسلامي دعوت او تبليغ په ډګر کې د مرکو د نورو ډولونو په څنګ کې له ذاتي او معنوي مرکو څخه ډېره زياته ګټه کېږي چې له همدې کبله يې اغېزې هم پياوړې او دوامداره وي او خلک د اوږد وخت لپاره له خپل ځان او له خپل خالق سره د ذاتي او معنوي اړيکو او مرکو په ليکو کې ساتي چې په ترڅ کې يې انسانان او ټول بشريت روزل کېداى شي او په خپل ځان باندې په مجموعه او يواځېتوب کې د خپل وجدان او الله تعالى څارنه او محاسبه حاکمه ګڼي. دانسان په وجود کې د وجدان او د سبحان محکمه د

ایمان په رښا او شتون کې فعالېدلی شي چې دا د بشریت لپاره ډېر د قدر وړ ارزښت او لوړ اهداف حاصلوي.

۴- د ټولنیزې برخې په پرمختیا کې د مرکې رول

مرکه د ټولنې د بېلابېلو ستونزو د حل او د پرمختګونو په لاره کې د یو لارښود او اغېزناک رول لرونکی ښه مشاور ژانر دی. « ټولنه او رسنۍ یو پر بل باندې د اغېزو او یو له بل څخه د اغېزمنتوب صلاحیت لري.»(۱۱: ۱۲۱مخ)

مرکه په مستقیمه توګه د ټولنې د پیوند حیثیت لري، چې د ټولنې د عامو وګړو...غږ چارواکو او د چارواکو غږ خلکو ته رسوي او د ستونزو په حل کې ورسره مرسته کوي او په اړه یې طرحې او مشورې ورته راټولوي. مرکه چې د رسنیو د اطلاعاتو را ټولولو او خپرولو یو مهم ژانر ګڼل کېږي د ټولنې په بېلابېلو اړخونو کې یې خپلې اغېزې جوتې کړې دي، د بیرزیت د پوهنتون د ژورنالیزم د پوهنځي یو استاد په دې نظر دی چې: د رسنیو اصلاح د ټولنې نیمه اصلاح ده.(۳: ۷مخ)

معیاري مرکې په ټولنه کې خلک سره معرفي کوي، استعدادونه څلوي، زړونه سره نیږدې کوي، په ټولنه کې مناسب افراد مناسبو پوستونو او کارونو لپاره چارواکو ته ورپېژني، د ټولنې د پرمختیا لپاره د خلکو له افکارو څخه ګټورې طرحې او پلانونه خپروي، د وړ او هڅاندو مبتکرو شخصیتونو قدرداني په کې کېږي او هغوی لا تشویقېږي، په ټولنه کې د جوړوونکي نقد یا کره کتنې لپاره حوصلې لوړوي.

د مرکو موخې د رسنیو له عمومي موخو سره سم مسیر مومي او په هماغه لور په مخاطبینو خپلې اغېزې شیندي. مرکې د یو فشار په توګه د ټولنې

افکارو او اعمالو ته جهت ټاکي او ټولنه د خپلو اهدافو تحقق ته اړباسي. له همدې کبله رسنۍ د ځينو پوهانو په اند د څلورم قوت په نوم پېژندل شوي، دا ځکه چې د تقنيني، قضايي او تنفيذي قوتونو په څنګ کې د مطلوبو افکارو او چارو د تحقق په لاره کې يې د يو ډېر فشار راوړونکي، هڅوونکي او وېروونکي قوت په توګه خپل ځان ثابت کړی دی.

که په ټولنه کې رسنۍ، ژورناليستان او په ځانګړې توګه پوښتنه کوونکي ژورناليستان(مرکيالان) خپله دنده په سمه توګه اداء کړي، خپلو مسؤوليتونو ته متوجه شي او په جرأت، چټکتيا (سرعت) او ځيرکتيا (دقت) سره ځان ورته ورسوي، حقايق رابرسېره او فعال خدمتګاران د ټولنې مطرح کړي، ويې ستايي او لا زيات خدمت ته يې وهڅوي، نو بې له شکه چې مثبت او اغېزناک رول يې په ټولنې څرګندېږي.

که په ټولنه کې ژورناليستيک درک او حواس فعال وي او مرکې هم د دې فعالو حواسو د پوهې او انګېزې په رڼا کې په پوره آزادۍ او جرأت سره ترسره شي نو ټولنې ته به سم او دقيق معلومات انتقال شي. څرګنده ده چې انسان ته معلومات د هغه د پنځه ګونو يا شپږ ګونو حواسو له لارې انتقالېږي؛ همدغسې رسنۍ هم د ټولنې د حواسو په څېر هغوی ته معلومات ورلېږي، نو د سالمو او آزادو حواسو په صورت کې ټولنې ته سالم او دقيق معلومات لېږل کېږي چې سالم معلومات د ټولنې وګړي په سالم لور سوقوي او رول يې په ټولنه کې مثبت، ګټور او اغېزناک ثابتېږي.

له پورتنۍ تشبيه سره سم که رسنۍ او مرکيالان په هره ټولنه، هېواد او زمان کې چې فعاليت کوي د خپل ټولنيز مکانت او مسؤوليت د اداء په موخه د ناخوالو په مخنيوي کې کوښښ وکړي او خپلو خلکو او چارواکو ته د پرمختګونو لارې چارې روښانه کړي او د خير ښېګڼو په چارو کې ورسره مرسته وکړي او لا يې وهڅوي، نو هرو مرو به په داسې حالت کې رسنۍ د هر اړخيزو پرمختګونو په برخه کې خپل رول جوت کړي. د بېلګې په توګه که د يو هېواد

يا ټولنې رسنۍ د خپل پوښښ لاندې سيمه کې د قاچاقو، فسادونو، بداخلاقيو، تاريخ تېرو درملو، تاريخ تېرو غذايي توکو، په محکمو کې رشوتونو، د لوړ پوړو چارواکو د تېروتنو او بې قانونه فعاليتونو، د خصوصي سکټور او ځينو کمپنيو او فابريکو له لوري د ناسمو توليداتو، په سترو قراردادونو کې د ملي ګټو خلاف مادو او فعاليتونو، د ماسټرۍ او دکتورا په کچه زده کړو ته نه پاملرنې، د برېښنا ستونزو، د څښاک او کرنيزو اوبو پر کموالي، د سوالګرۍ ستونزو، بېوزلۍ، بېکارۍ، ښاري او کليوالو ستونزو، کونډو او يتيمانو ته نه رسېدنې، د متقاعدينو ستونزو، د تاجرانو ستونزو، نا امنيو، د جګړو عواملو، د سولې په لارو کې خنډونو، د بهرنيو هېوادونو لاسوهنو، جنګي جرمونو، ظلمونو، له زندانيانو سره ناوړه چلند، د قانون نه پلي کېدلو او له قانون څخه سرغړونو، قانوني خلاوو او ستونزو، د ماشومانو او ځوانانو دستونزو، د مېرمنو د تعليم او تربيې په مخ کې پرتو خنډونو، د روغتونونو او ناروغانو ستونزو، په نشه يي توکو د روږدي کېدو عواملو، د هغو حل لارو او داسې نورو ډېرو موضوعاتو په اړه په پوره بېطرفۍ او جرأت سره اغېزناکې مرکې او مناسبې پوښتنې مطرح او خپرې کړي، نو خامخا اړوند لوري او چارواکي له خوبه راويښوي، له بدو يې پښېمانه کوي، وينه يې په وجود کې ګرموي، خولې پرې راولي، خپلو مسؤوليتونو ته يې پام اړوي او دښېګڼو او خدمتونو په لور يې هڅوي. چې دا ټول د مرکو او پياوړو مسلکي پوښتنو اغېزې دي چې د ټولنې په هرې برخې کې په څرګند ډول تر سترګو کېږي.

دغه شان په مثبت مسير، وياړونو، شخصيت جوړولو، ملي وحدت، ملت روزنې، برياوو، لاس ته راوړنو، علمونو او پرېمانه علمي مسايلو په اړه هم د ټولنې د بېلابېلو اړخونو او موضوعاتو اړوند په لوړو موخو ولاړو او مسلکي مرکو ترسره کول د بشري ټولنې د ودې او پرمختيا په ډګر کې غوره او پياوړې اغېزې لري چې ټولنه هر اړخيزو پرمختګونو او نېکمرغيو ته رسوي.

مرکه له هر څه وړاندې په مرکه کوونکي او مرکه کېدونکي، ورپسې په تخنیکي کارکوونکو او خپرووونکو او بیا په مخاطبینو او ټولنې خپلې اغېزې شیندي او مطلوب لور ته یې سوقوي؛ مرکې د هغوی علمي، فرهنګي، فکري او تحلیلي کچې لوړوي، د مطالعې فرهنګ بنستیز کوي او ټولنه له انزوا څخه ژغوري.

مرکې د ټولنې وګړي کار او فعالیت ته هڅوي، تنبلي له منځه وړي، کاري ماهوي انرژي په عملي شکلي پرمختګونو بدلوي.

د څېړنې په رڼا کې د مرکې د اغېزو د لا ښه څرګندولو په موخه لاندې موډیل وړاندې کېږي چې: معیاري او مسلکي مرکې ټولنې ته د ژوند په

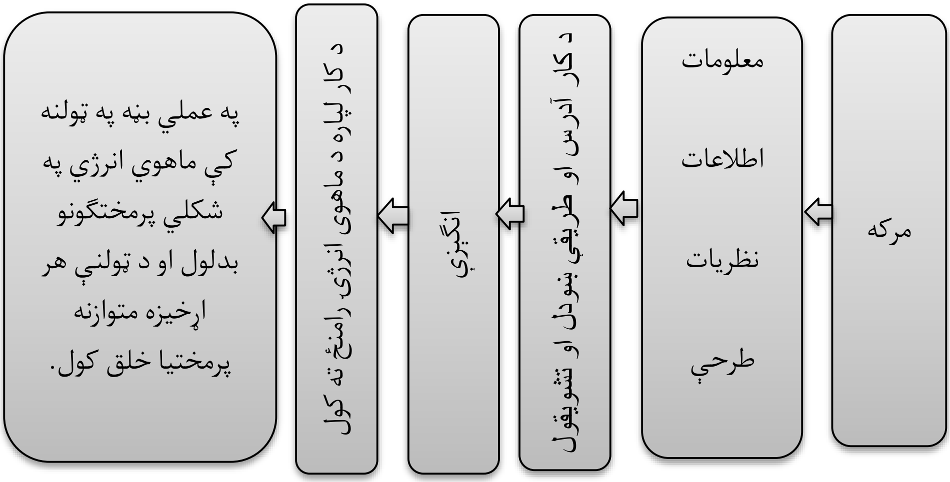

بېلابېلو برخو کې معلومات، اطلاعات، نظریات، طرحې او مشورې وړاندې کوي چې د هغو په نتیجه کې خلکو ته د کارونو آدرسونه ورکول کېږي، د مختلفو کارونو د ترسره کولو لارې چارې هم وربښودل کېږي او د هغو پلي کولو ته هڅول کېږي چې له همدې سببه په خلکو کې د کار کولو او پرمختګ لپاره انګېزې را پاروول کېږي او د کار لپاره ماهوي انرژي د خلکو په فکرونو او جسمونو کې منځ ته راځي، بالآخره په عملي بڼه په ټولنه کې ماهوي انرژي په شکلي پرمختګونو اوړي او د ټولنې هر اړخیزه متوازنه پرمختیا راجوتېږي.

نو د مرکو د داسې پیاوړو اغېزو له امله په کار ده چې د ټولنې د متوازن پرمختګ او پورته یادو شوو ګټو د لاس ته راوړلو لپاره باید په بېلابېلو ډګرونو کې له مناسبو افرادو سره معیاري، مسلکي او ګټورې مرکې ترسره او خپرې شي.

مرکې که په سمه توګه معیاري ترسره شي، نو په ټولنه کې د ستونزو د حل لپاره د جګړې پر ځای د خبرو اترو انرژي، استدلال او منطقي لارې چارې غښتلې کوي؛ جګړه ییزه انرژي په منطقي انرژي بدلوي، د تاوتریخوالي انګېزې، مفکورې او اعمال په سوله ییزو انګېزو، مفکورو او اعمالو بدلوي؛ په مرکه ییزه او استدلالي ټولنه کې د تورو پر ځای ژبې چلېږي، له ژبو هم د ترخو پر ځای خوږې او پستې خپرېږي، چې په دې توګه په ټولنه کې فکري، عقلي او کلامي پرمختیا او پوخوالی رامنځ ته کېږي او وګړي په هرې برخې حتی د ستونزو په حلولو کې هم عقلاني او علمي فکر کوي، نه جنګي او احساساتي. دا موضوعات د مرکو ډېرې پیاوړې او ګټورې اغېزې ګڼل کېدای شي چې د ټولنې د هر اړخیزې فرهنګي بډاینې سبب کېږي .

۵- د سیاسي ډګر په پرمختیا کې د مرکې اغېزې

رسنۍ او سیاست دومره سره تړلي دي چې د رسنیو د مرکو او خبرونو عمده برخه سیاسي مسایل، اطلاعات او د هېوادونو تر منځ اړیکې، سیاسي سفرونه، مطبوعاتي کنفرانسونه، د سیاسي مشرانو ویناوې، تبصرې، نظریات او د هغوی اړوند خبرونه جوړوي.

همدارنګه په عامه توګه رسنۍ او په ځانګړې توګه مرکې او ګردي مېزونه په سیاسي برخه کې داسې یو ځواک ګڼل کېږي چې سیاسیون په رسنیزه برخه کې خپل بری په حقیقت کې په سیاسي برخه کې خپل بری ګڼي او کوښښ کوي چې په بېلابېلو رسنیو کې مرکو او ګردیو مېزونو ته حاضر شي او له دې لارې خپله تګلاره، موخې او پیغام مخاطبینو ته ورسوي. سیاسیون له رسنیو سره په اړیکو کې ډېر محتاط وي او کوښښ کوي چې له هغوی سره دوستانه

اړیکې وساتي، کله چې مرکیالان د مرکو او معلوماتو ترلاسه کولو لپاره ورځي د یو ډېر خوږ مېلمه په حیث یې استقبال کوي او داسې چلند ورسره کوي لکه له ډېرو کلونو یې چې سره پېژندل، ځکه په دې ښه باور لري چې له رسنیو سره په مرکه کې بریا، دوستانه فضا، او بشاشه څېره په سیاسي ډګر کې د هغه د بریا زېری دی.

سیاسي ارګانونه، سیاسي حزبونه، سیاسي شخصیتونه او د نړۍ په کچه سیاسي ځانګې له رسنیو سره د اړیکو او مرکو لپاره ځانګړي منظم دفترونه لري او د کار یوه مهمه برخه او وخت یې رسنیو ته وقف کړی وي، وخت په وخت د هغوی پوښتنو ته ځوابونه وايي او ورسره مرکې کوي، ګردیو مېزونو ته حاضرېږي حتی د دې هڅه کوي چې په رسنیو باندې خپل نفوذ وساتي هغوی ته د مرکو او ګردیو مېزونو لپاره سوژې ورکړي او مناسب افراد ورته د مرکو لپاره په ګوته کړي، ترڅو د رسنیو د مرکو او پروګرامونو له لارې د ټولنې فکري قیادت په خپله خوښه روان کړي او عامه ذهنیت د ځان په ګټه را واړوي.

مرکه او سیاست دومره ټینګې اړیکې سره لري چې یوه ښه او پیاوړې مرکه د ولسمشرۍ یو کاندید برلاسی کوي او بل په ناسمې او کمزورې مرکې د ولسمشرۍ له مقام څخه را غورځولی شي.

مرکې تر ډېره په هغو سیاسي موضوعاتو باندې ډېرې کېږي چې هغه په ټولنه کې خبرسازه شي او د رسنیو سرخط ته راشي، نو ګڼ شمېر مرکې د سیاسیونو او سیاسي مسایلو په اړه ترسره کېږي، همدارنګه د سیاسي خبرونو او ګزارشونو د بشپړولو لپاره هم د مرکې ژانر خپل ځانګړی ارزښت جوتوي.

مرکه نه یواځې په رسنیو او ژورنالیزم کې، بلکې د ژوند د بېلابېلو ډګرونو د ښېرازۍ او په هغو برخو کې د ستونزو د لرې کولو او مخنیوي په څېر په سیاسي ډګر کې هم خپل ارزښت دومره جوت کړی چې سیاست بې له رسنیزو مرکو او مرکې بې له سیاست څخه خپل ارزښت راکموي، نو له دې

کبله مرکه په سیاسي ډګر او سیاست په مرکو کې ډېر اغېزناک او ډک له ځواکه وي.

له افرادو او کورنیو څخه نیولې د یو هېواد د جمهوري ریاست، امارت... او سترو نړیوالو مسایلو تر کچې پورې مرکې خپل هر اړخیز ارزښت او اغېزې جوتې کړي دي. ښه پیاوړې مرکه د جمهوري ریاست یا پارلمان...د کاندید دبریالیتوب سبب کېږي، خو کمزورې مرکه د ناکامۍ سبب کېږي، په ځانګړې توګه د کاندیدانو تر منځ تلویزیوني او راډیویي مناظرې د ټولنې په عامه ذهنیت باندې دومره پیاوړې اغېزې لري چې د کاندیدانو په اړه سرنوشت ټاکونکې وي، د دې بېلګې د ډېرو هېوادونو په انتخاباتي کمپاینونو کې په څرګنده لیدل کېږي چې ټول ملت د کاندیدانو مرکې او مناظرې د رسنیو له لارې په څومره لېوالتیا ګوري او له هغې وروسته په ټولټاکنو کې د خپلې رایې د کارولو په اړه تصمیم نیسي. په افغانستان کې هم له دوو لسیزو راهیسې ټولټاکنو او رسنیو خپل تړاو جوت کړی او په ترڅ کې یې مرکو او ټاکنیزو مناظرو د ټولنې د وګړو په تصمیم نیولو باندې خپله اغېزناکي ثابته کړې ده.(۱۱: ۱۲۲مخ)

د اسلامي امارت په منځته راتګ سره که د انتخاباتي مرکو او مناظرو څه څرک نه تر سترګو کېږي، خو د سیاسیونو او چارواکو مرکو ته عام ولس ډېر سترګې په لار وي او په خورا لېوالتیا یې په دې موخه تعقیبوي چې له هغوی څخه زړه ټکوروونکي پیغامونه، د پرمختګونو خبرونه او د خلکو د ژوند د ښه کېدو زېري واوري.

که چېرې مرکې په مسلکي، معیاري او غوره ستراتېژۍ سره وکارول شي، نو بې له شکه چې په مرکو باندې هېواد له سیاسي او ټولنیز بحران څخه راویستل کېدای، د ټول ملت زړونه ګټل کېدای او په ربښتینې توګه د خلکو یووالی د همدې مرکو په واسطه سره منځ ته راتللای شي، لکه د ملي تلوېزیون... له لارې د هېواد با نفوذه شخصیتونه مطرح کول، له هغوی سره د

يو منظم پلان له مخې په اغېزناکو مسايلو مرکې کول، هغوی ته قدر ورکول په حقیقت کې د زرگونو حتی میلیونونو زړونو لاس ته راوړل دي چې د داسې مرکو په واسطه ټول ملت سره يو موټی کېدلی شي او په پايله کې يې د هېواد د سياسي ډگر پياوړتيا، د ولس اعتماد او د نړۍ لېوالتيا رامنځته کوي چې همدا نکته د هېواد د سياسي ډگر د برياليتوب راز او رمز گڼل کېږي.

٦- د اقتصادي ډگر په پرمختيا کې د مرکې رول

عملاً په ټولنه کې وينو چې د مرکو له ترسره کولو، د هغو لپاره د لازمو تدابيرو له برابرولو، تخنيکي چارو، خپرولو او داسې نورو اړوندو عملي چارو څخه يې ډېر خلک په کار بوخت دي او له همدې لارې څخه روزي خوري، نو له دې څخه جوتېږي چې د مرکو عملي او شکلي ترسره کولو هم د کار بازار کې خپل اغېز ثابت کړی دی.

د اعلاناتو په برخه کې هم ډېر داسې اعلانونه شته چې د مرکې د ژانر په حيث د سوال او ځواب په توگه ترتيب او خپرېږي چې پخپله اعلانات هم د اقتصادي ډگر په پرمختيا کې ستر رول لري چې د خپرولو وسايل يې همدا رسنۍ دي. له بلې خوا همدا اعلانات د رسنيو د اقتصادي بنسټ د پياوړتيا او د رسنيو په خپلواکۍ او ځان بسياينه کې مهم رول لري. همدارنگه ډېر داسې اجناس شته چې د هغو په پېژندلو او ترويج کې د هغو له مخترع، جوړوونکو، کارگرانو، تاجرانو او داسې نورو اړوندو خلکو سره له مرکو څخه کار اخيستل کېږي. «مرکه نه يواځې په رسنيو او ژورناليزم کې، بلکې د ژوند د بېلابېلو ډگرونو د ښېرازۍ او ستونزو حلولو لپاره ډېر کاربېدونکی او مهم ژانر دی.»(١١: ١٢٢مخ) چې په اقتصادي ډکر باندې ډېره اغېزه کوي.

د سوداگريزو توکو په اړه مرکې ډېرې اغېزناکې وي او د مخاطب زړه په ځانگړي هنر راښکاږي. د ځينو فابريکو، شرکتونو او ماشين آلاتو د توليداتو د کيفيت په اړه له خلکو څخه پوښتنه کول، د هغوی عکس العملونه او د رضايت او نه رضايت کچه معلومول د مرکو په وسيله ترلاسه کېږي چې ډېرې تجارتي

کمپنۍ د عامه اړیکو، ارتباطاتو او خپرونو ځانګړې برخه لري او ډېر کسان یې په کې د ټاکلو تجارتي موخو د پلي کولو لپاره استخدام کړي وي چې د هغوی د کار ډېره برخه مرکې او خبرې اترې جوړوي کوم چې د اقتصادي او تجارتي چارو اړوند له بېلابېلو لورو سره اړیکې نیسي، میداني څېړنې او سروې ګانې ترسره کوي او پایلې یې بېرته خپل تجارتي مرکز ته راوړي تر څو د هغو مطابق په راتلونکي کې خپله اقتصادي او سوداګریزه تګلاره لا غوره او اغېزناکه جوړه کړي.

په اقتصاد او تجارت کې له وفا او رښتېنولۍ ډکې خبرې اترې تاجر ته د اعتماد پانګه ور په برخه کوي او پېرودونکي یې زیاتوي، چې په پایله کې یې ټولنیز اقتصاد په حرکت راځي او د اقتصادي ښېرازۍ لاره هوارېږي.

په اقتصادي ډګر او سوداګرۍ باندې د مرکې بله مهمه اغېزه دا ده چې د اقتصاد د علم او د یو هېواد، سیمې او نړۍ د اقتصادي وضعیت د بهبود یا د اقتصادي ستونزو د مخنیوي او د مناسبو حل لارو پیدا کولو په اړه د بېلابېلو رسنیو له خوا له اقتصادي کارپوهانو، تاجرانو د خامو توکو تولیدونکو، دولتي چارواکو، د خصوصي سکتور له فعالانو او داسې نورو اشخاصو سره ځانګړې مرکې، ګردي مېزونه او حتی مناظرې جوړوي او خپروي چې د هغو په پایله کې خلکو ته د اقتصادي وضعیت د لا ښه کولو او د سوداګرۍ د ښېرازۍ لارې چارې ورښیي، د اقتصاد او سوداګرۍ په لاره کې د شته ستونزو د څرګندولو او مخنیوي سبب کېږي، د اقتصاد او سوداګرۍ د ودې په اړه د قدر وړ نظریات را مطرح کېږي، ټولنې ته د اقتصاد او سوداګرۍ د برخې ستر پوهان، متخصص او با تجربه شخصیتونه معرفي کېږي چې له هغوی څخه په راتلونکي کې نظام او خلک مناسبه ګټه اخیستلای شي، همدارنګه د مرکو له لارې په اقتصادي ډګر کې د احتمالي خطرونو، شته ستونزو او ناخوالو د مخنیوی او حل لارو په اړه د پام وړ نظریات له اړوندو ادارو او افرادو سره شریکېدلی، د هغوی پام ورته رااړول کېدلی او عملاً د هغو مخنیوی کېدلی

شي. د دې ټولو لاسته راوړنو په نتیجه کې د هېواد اقتصادي بنسټ په ځان بسیا او پیاوړی کېږي او همدارنګه په ټولنه کې د اقتصاد او سوداګرۍ علم او کار او بار وده کوي.

۷- د جرمونو د مخنیوي او حقوقي ډګر په پرمختیا کې د مرکو رول

له هر څه وړاندې چې د مرکو په برابرولو، ترسره کولو، خپرولو او د ګڼ شمېر مخاطبینو له لوري د هغو په لوستلو، اورېدلو او کتلو باندې کوم وخت مصرفېږي د دې سبب کېږي چې د جرمونو تر سره کولو ته وخت پاتې نه شي او خلک په مثبتو چارو او سرګرمیو اخته وي.

که څه هم د رسنیو په وسیله په عامه توګه هم د جرمونو د مخنیوي، د مجرمینو د اصلاح، روزنې او د ټولنې غښتلې کېدو ته یې د صالحو انسانانو په توګه د راګرځولو په لاره کې اغېزناکه مبارزه کېدلی شي.(۱۲: ۱۶۳مخ) خو په ځانګړې توګه د مرکې د ژانر په وسیله د جرمونو د مخنیوي په اړه له قاضیانو، حقوقي کارپوهانو، مجرمینو، د زندانونو له مسؤولانو، د زندانیانو له کورنیو، د مجرمینو د اعتراف او پښېمانیو د هغوی د جرمونو د انګېزو او عواملو په اړه د مرکو ترسره کول او خپرول د دې سبب کېږي چې په ټولنه کې د جرمونو مخه ونیول شي، جرمي استعدادونه وځپل شي او انسانان له جرمونو او ګناهونو څخه د اصلاح او توبې په لور وهڅول شي، په دې توګه مرکې د جرمونو په مخنیوي او د ټولنې په اصلاح کې ډېرې اغېزناکې واقع کېدلی شي.

همدارنګه که رسنۍ او ژورنالیستان په خورا جرأت سره د مسلکي مرکو او مناسبو سوالونو د مطرح کولو په ترڅ کې د ټولنې د اصلاح، پرمختګ او سوکالۍ لپاره د جرمونو، فسادونو او ناوړو کړو وړو او فکرونو مخه ونیسي، د اصلاح په نیت او حکمت یې د اسلامي شریعت او قوانینو په رڼا کې افشاء کړي او د مسؤولو چارواکو او عامو وګړو ورته پام ور واړوي چې هر یو یې په اړه خپل مسؤولیت احساس او مناسب فعالیت اداء کړي، نو په دې صورت کې

هم د مرکو له لارې د جرمونو مخنيوی کېږي او د مخاطبينو د حقوقي پوهاوي سبب کېږي.

ډېرې رسنۍ د خپلو مرکو له لارې د جرمونو په تعقيب او د مجرمينو او د هغوی د شبکو، موقعيت، پلانونو ا و دسيسو په افشاء کولو کې له عدلي او قضايي ارگانونو سره ښه مرسته کولی شي او څارنوالانو، پوليسو او قاضيانو ته د جرم د درې گونو رکنونو په اثبات کې کافي اسناد او شواهد په لاس کې ورکولی شي، ډېر وخت رسنۍ د مشهودو جرمونو په صورت کې له هغوی څخه ژوندي اسناد ترلاسه کوي د هغوی د جرمونو په اړه د عيني شاهدانو شاهدۍ او مرکې خپروي چې د رسنيو دغه مرکې او اسناد د جرم د اثبات سبب کېږي او دا کار په ټولنه کې د نورو جرمونو د تکرار مخنيوی کوي او جرمي انگېزې او د جرم عوامل له منځه وړلی شي، خو په دې شرط چې د جرمونو د مخنيوي روحيه ولري او که د جرمونو د لا خپراوي او بداړخۍ نيت ولري بيا خو همدا جرمي پيښې او د هغو مغرضانه پوښښ د جرمونو د لا زياتوالي سبب کېږي.

د حقوقو ډېر درسونه، موضوعات، د قوانينو د تعديل اړتياوې، د قوانينو تفسير، تطبيقي بحثونه، د قراردادونو...حقوقي اړخونه او داسې نور پېچلي حقوقي مسايل د بېلابېلو رسنيو د مرکو او گرديو مېزونو په ترځ کې روښانه کېږي او په اړه يې متخصص او با تجربه شخصيتونه خپل حقوقي نظريات، وړاندوينې او معلومات څرگندوي. همدارنگه په يو هېواد کې د جرم او جزا د تناسب په اړه مرکې، د عدالت د تأمين، د هېواد د عدلي او قضايي سيستم د نواقصو، رشوت، د لوړو مالياتو د وضع کولو، د خلکو تر منځ د حقوقي ستونزو او د هغو د حلولو او داسې نورو ډېرو حقوقي موضوعاتو او مسايلو په اړه مرکې ترسره کول او خپرول د دې سبب کېږي چې په ټولنه کې د حقوقي ډگر د علمي بډاينې او پرمختيا لاره هواره او په پايله کې يې د خلکو د پوهاوي او د جرمونو د مخنيوي سبب شي.

۸- د پوځي برخې په پرمختيا، لوړ مورال او برى کې د مرکې رول

په پوځي برخه کې د مرکو اغېزې لا نورې هم ښې جوتېدلاى شي، پياوړې پوځي مرکې د پوځ او ټول ملت د مورال لوړولو او بري په برخه کې پرېکنده رول لوبوي، که يو پوځي افسر په خپلې مرکې کې ووايي چې د ښار امنيتي کمربند د دښمن له لوري مات شو او د دښمن پوځونه ښار ته د ننوتو په حال کې دي، نو سم دلاسه دا مرکه په نورو قطعاتو او عامه ذهنيت د هغوی د مورال د کمزورتيا اغېزې خپروي او نور ټول قطعات او پوځيان په خپله خپلې مرچلې پرېږدي، يا تسليمېږي او يا له سيمې څخه په تېښتې بريالي کېږي. برعکس که يو پوځي افسر په لوړ مورال د کلک مقاومت، پرمختګ او فتوحاتو مرکه وکړي نو ټول قطعات مورا ل اخلي او کلک مقاومت کوي، حتی د همدې مرکې له لارې پوځيان له خپل افسر څخه فرمان او قومانده ترلاسه کوي او د هغې پر بنسټ خپل عملياتونه ترسره کوي.(۱۱: ۱۲۲مخ)

همدارنګه د يو هېواد او نظام له بانفوذه او لوړپوړو چارواکو سره داسې مرکه او د رسنيو له لارې يې خپرول چې د لوړو اهدافو، آرمانونو، برې، پياوړتيا، صبر، استقامت او د دښمن د ماتولو په اړه موثقې او باوري خبرې په کې وشي دومره پياوړې اغېزې کوي چې د ټول پوځ او ولس مورال لوړېږي او د دښمن پر وړاندې کلک مقاومت کوي او کېداى شي همدا مرکه يې د بري سبب شي.

دمرکو او د ژورناليستانو د پوښتنو ګروپېږنو له کبله په پوځي ډګر کې جنګي جرمونه او ظلمونه را کمېدلی شي، ځکه نظامي افسران او پوځيان هم د رسنيو او مرکو له پوښتنو څخه د وېرې احساس کوي او د خپل نوم د ساتلو لپاره هم کوښښ کوي له ظلمونو او د ملکي خلکو له ځوړولو او د عامه تأسيساتو او شتمنيو له ورانولو او لوټولو څخه تر ممکنه حده ډډه وکړي.

په پوځي ډګر کې د مرکو لويه ګټه دا ده چې جګړې په مرکو او سوله بدلوي، د ډېرو جګړو پاى مرکې او خبرې اترې وي چې دواړه رقيبې ډلې د

استدلال او تفاهم په مېز سره راټولوي او د جګړو سخت سنګرونه او حالتونه په همدې مرکو او خبرواترو سره پای مومي.

۹- د طبابت او روغتیا ډګر په پرمختیا کې د مرکې رول

ډېر روغتونونه، کلینیکونه، درملتونونه او ډاکټران له خپلو طبي خدمتونو څخه د مرکو له لارې خلک خبروي، همدارنګه د مرکو په ډول خپل اعلانات خپروي او د خپلو درمل شوو مراجعینو خبرې اترې د نورو د اعتماد د راجذبولو لپاره د رسنیو له لارې خپروي.

ډېر روغتیایي مرکزونه د عامې روغتیا وزارت، نړیوال روغتیایي بنسټونه او داسې نور رضاکار روغتیایي خدمتګاران خلکو ته د مرکو له لارې روغتیایي معلومات خپروي، له ناروغیو څخه د ځان او نورو د ژغورلو لارې چارې ورښیي، د نوو رامنځ ته شوو ساري او غیر ساري ناروغیو د عواملو او علایمو او مخنیوي په اړه له رسنیو سره مرکې کوي او په دې اړه د مرکو له لارې د خلکو د پوهاوي کچه لوړوي، لکه د آشنا راډیو څخه د سترګو د ناروغیو د درملنې، وقایې او ساتنې په اړه له یو ډاکټر سره ژوندۍ مرکه چې مخاطبینو هم د ټېلېفون او ټولنیزو رسنیو له لارې خپل سوالونه مطرح کولی شول او په ژوندۍ بڼه یې خپل ځوابونه ترلاسه کول.(۲:رادیویي خپرونه) چې دا په روغتیایي ډګر کې له مرکې یوه اغېزناکه ګټه ده او د روغتیایي ډګر د پرمختیا او د خلکو د روغتیا سبب کېږي. همدارنګه له دې څو کلونو راهیسې په نړۍ کې د کرونا وبا د خپرېدو او ډېرو نورو ناروغیو د درملنې او وقایې په موخه د بېلابېلو رسنیو له لارې د ډېرو مرکو د ترسره کېدو او خپرېدو شاهدان یو.

همدارنګه په طبابت او درملنه کې د یو ډاکټر د ښې بالیني مرکې له امله یو ناهیلی ناروغ رک روغ شي یا د درملو له اغېز سره د ناروغ په روغتیا کې مرسته وکړي.

بالیني یا د درملنې مرکه هغه مرکه ده چې د یو رواني یا جسمي ناروغ د درملنې لپاره کارول کېږي. (د درملنې مرکې څخه یوه مهمه موخه په رواني

اختلالاتو باندې اخته انسان سره د رواني مرستې لپاره د مرکې په جریان کې د هغه د ستونزو د ماهیت د شدت تشخیصول او د هغه د ماضي او حال په اړه د مناسبو معلوماتو لاس ته راوړل دي، چې د هغو په رڼا کې له رواني ناروغ سره مناسبه مرسته وکړای شي)(٦: ٢٣٥مخ) یا مناسبه مشوره ورکړی شي او په پایله کې د هغه د رواني سلامتیا او روغتیا سبب شي. له بالیني مرکو څخه د رواني او عقلي درملنو طبیبان، د کورنیو مشران، د ټولنې با نفوذه او اصلاح غوښتونکي شخصیتونه د ټولنې د وګړو د ناروغیو په درملنه کې ډېره ګټه اخلي؛ د جسمي ناروغیو طبیبان یې هم ډېره کاروي او خپل مریض سره مرکه کې هغه ته د روغتیا ډاډ ورکوي چې دا دومره زیات مرض نه دی، له دې دوا سره به جوړ شې، داسې ناروغان ډېر دلته راغلي جوړ تیار شوي دي. (١١: ١١٢مخ)

ځینې رسنۍ د خپلو مخاطبینو د تداوۍ او یا هغوی ته د روغتیایي خدمتونو، معلوماتو او د پوهاوي د کچې لوړولو په موخه یو یا څو متخصصین خپلو رسنیو ته رامېلمه کوي او د ژوندۍ مرکې په بڼه خلک د تیلیفون یا بلې هرې وسیلې له لارې خپلې ستونزې، دردونه او ناروغۍ ورسره شریکوي او د همدې ژوندۍ مرکې له لارې هغوی ته روغتیایي مشوره ورکول کېږي، نسخه ورکوي او درملنه یې کېږي، له دې کبله چې په ژوندۍ او تکراري بڼې له عامه رسنیو څخه خپرېږي، نو نه یواځې د یو تن بلکې د نورو ورته ناروغانو په درملنې، د نورو روغتیا پالانو د روزلو، هغوی سره د نظریاتو د شریکولو او د عامو وګړو د روغتیا او د پوهاوي د کچې د لوړوالي سبب کېږي.

ډېرې رسنۍ د روغتیا په برخه کې د بېلابېلو موضوعاتو او ناروغیو په اړه ځانګړې طبي مرکې او ګردي مېزونه جوړوي او متخصص، باتجربه او مشهور ډاکټران ورته رابلي چې په ترڅ کې یې د هغې موضوع په اړه ډېر معلومات او د قدر وړ نظریات خپرېږي او د علمي او مسلکي پرمختیا سبب کېږي.

۱۰- د اداري ډګر په پرمختياکې د مرکې رول

ډېرې اداري او بنسټونه د خپلو چارو د پرمخ بيولو او د خدماتو د وړاندې کولو لپاره د رسنيزو مرکو له لارې مناسب او وړ کسان پېژني او هغوی مناسبو کارونو ته ګماري.

دغسې ډېر شخصيتونه د خپلو مرکو له لارې ټولنې او چارواکو ته خپل استعدادونه ثرګندوي، د خلکو اعتماد ترلاسه کوي او له همدې لارې ډېرو سترو دندو ته رسېږي.

په اداري برخه کې يوه پياوړې استخدامي مرکه د دې سبب کېږي چې يوې لوړې دندې ته له لسګونو مرکه کېدونکو څخه يو تن بريالی اعلانوي دې ته استخدامي مرکې هم ويل کېږي « دا ډول مرکې د دولتي او غير دولتي ادارو او مؤسسو له خوا د کاري پرسونل د جذب او استخدام په موخه کارول کېږي چې د هغو په ترڅ کې غوره او کاري کسان پېژندل کېږي او د مناسبو پوستونو لپاره په دندو ګمارل کېږي.»(۱۱: ۱۰۲مخ) محمود ساعتچي د استخدامي مرکې په اړه ليکي چې (همدا ډول مرکه د يوې مؤسسې يا اداري د اعلان شوې دندې لپاره د مناسب تن د ګمارلو په موخه د شخصيت ارزولو او تصميم نيولو غوره شيوه ګڼل کېږي.)(۷: ۴-۵مخونه) ځکه چې تر ټولو وړ، با تجربه او متخصص کارمند د اداري د لا غوره خدماتو د وړاندې کولو لپاره د همدې مرکې له لارې له پېژندلو وروسته استخداموي، چې دا کار د اداري د پرمختګ او د اهدافو د تحقق سبب کېږي.

۱۱- دسپورټي ډګر په پرمختيا کې د مرکې رول

په سپورټي، په زړه پورې جذبه او په هماغسې جامو، خبرو او څېره د سپورټ او بدني روزنې په اړه مرکې جوړول او خپرول، سپورټي ستوري معرفي کول، د هغوی په اړه د نورو نظريات راټولول او خپرول، د سپورټ له ستورو سره مرکې کول، د سپورټ د روغتيايي، رواني، بدني، فرهنګي، ګرځندوی او اقتصادي ګټو په اړه مرکې جوړول او خپرول، همدارنګه له اسلامي ليدلوري څخه

سپورټ او بدني روزنې ته د مسلمانانو هڅول او په دې اړه له ديني عالمانو سره ځانګړې مرکې ترسره کول په هېواد کې د سپورټ او بدني روزنې د ودې سبب کېږي او د سپورټي برخې په پرمختيا کې اغېزناک رول لوبوي.

۱۲- د فرهنګي ډګر په پرمختيا کې د مرکې رول

ښه مرکه يو فرد پياوړی او د لوړ شخصيت لرونکی ښيي. په رسنيو او ورځني ژوند کې د ښو مرکو کېدل د ټولنې فرهنګ لوړ او له وياړونو ډک ځلوي او د ټولنې په ټولو برخو کې خپلې ټوليزې او ځانګړې اغېزې جوتوي.

غوره مرکې ذهنيتونه روښانوي، شخصيتونه جوړوي، پوهاوی زياتوي، علمي-فرهنګي او تربيتي کچه لوړوي، د ټولنې د وګړو تر منځ د مرستو، اعتماد، زړه سوي او لورينې روحيه راژوندی کوي، مثبتې انګېزې خپروي، د وګړو تر منځ پېژندګلوي زياتوي، پټ استعدادونه را برسېره کوي، ناويلې خبرې او موضوعات څرګندوي، د وګړو تر منځ اړيکې ټينګوي، چارواکو ته د دندو لپاره وړ او لوړ شخصيتونه ورپېژني، د کار انرژي ډېروي، د کسب او کار لارې او آدرسونه خلکو ته ورښيي، د رسنيو اعتماد او د خلکو د باور کچه لوړوي، له نويو اکتشافاتو او نظرياتو څخه خلک خبروي، د اقتصاد کچه لوړوي، د بېلابېلو نظرياتو شريکولو او خپرولو ته لاره هواروي، رسنيو ته غوره مطالب په واک کې ورکوي، خبرونه مستند او پياوړي کوي، د څېړنې او حقيقت پيدا کولو مسير ګړندی کوي، د خلکو غږ چارواکو او د چارواکو پيغامونه خلکو ته په مستقيمه توګه رسوي په دې معنی چې د ملت او دولت تر منځ د يو ارتباطي پُل په حيث خپله دنده او اغېزناک رول اثباتوي، ستر شخصيتونه لا نور هم په ګټورو مطالبو مشغول او مصروفوي، په ټولنه کې د مطالعې فرهنګ بنسټيز کوي، د ټولنې د هر قشر د خبرو اترو او نظرياتو شريکولو فرهنګ پياوړی کوي، د وګړو تر منځ د افهام او تفهيم لپاره علمي او منطقي فضا ايجادوي او بالآخره دا ډول غوره اسلوب د ټولنې په دود او فرهنګ بدلوي؛ چې په دې توګه بيا هم ثابتېږي چې غوره، مسلکي او معياري مرکې د ټولنې

د هر اړخيز متوازن پرمختګ او سوکالۍ سبب کېږي او دا ټول غوره اسلوب او پرمختګونه د ټولنې د لوړ فرهنګ نماينده ګي کوي.

د څېړنې د پای خبرې

د دې بحث په پای کې تأکيد کوم چې مرکې بايد په لوړو موخو او مسلکي اخلاقياتو ولاړې وي. مرکې دې په داسې ګټورو او اغېزناکو اصلاحي او پرمختيايي موخو استوارې شي چې ټولنې او وګړو ته يې ګټې ورسېږي، حقايق څرګند او معلومات پراخ کړي، د پوهې کچه لوړه، ذهنيتونه روښانه، وګړي اصلاح او ټولنې ته واقعي پرمختګونه او نېکمرغۍ ډالۍ کړي. په منفي يا چپ جهت کې هم بايد مرکې د فسادونو، جرمونو، ګناهونو، نفاق، جهالت، تعصبونو، شيطاني فکرونو، وسوسو، اوهامو، شايعاتو او جرمي انګېزو مخنيوی وکړي. که مرکيالان او رسنۍ د مرکو له لارې په ټولنه کې خپلې دغه دندې په ښه توګه اداء کړي، نو په زغرده ويلای شو چې په ټولنه يې مثبتې اغېزې تضمينېږي، په دې صورت کې اطلاق کولی شو چې رسنيو د مرکې ژانر له لارې خپل مسؤوليت اداء کړی دی.

رسنيو او مرکيالانو ته په کار ده چې د ټولنې له غوښتنو، پوښتنو، اړتياوو، باورونو، ارزښتونو او فرهنګ سره متناسب څه وړاندې کړي تر څو د ټولنې غوره نماينده ګي او د وګړو د زړونو ترجماني وکړي چې په دې توګه به رسنۍ د خلکو په زړونو او ذهنيتونو کې ځای ونيسي او د اعتماد کچه به يې ډېره لوړه او اغېزې به يې لا پسې پياوړې شي. لکه يو شاعر چې وايي.

«برادر یک نظر فرما که این میهن چه میخواهد

ز فکر تو چه میجوید ز طبع من چه میخواهد»(۴:اصلاح راډیو)

په افغانستان کې مطبوعاتو د پيل په لومړنيو لسيزو کې د خپلو ټولو پيغامونو، مرکو او نورو ژانرونو او پروګرامونو له لارې په ټولنې پياوړې اغېزې درلودې او په مطبوعاتو کې د خپرېدونکو ژانرونو او مطالبو هم ځانګړی مقام او پياوړې اغېزې محسوسېدلې، له همدې کبله د مطبوعاتو چلوونکي او

فعالان هم د ټولنوالو له خوا لکه د خپلو کورنیو د غړو په څېر پېژندل کېدل او له هغوی سره یې بې کچې مینه کوله او د هغوی د حقونو د تلف کېدو په صورت کې به یې له هغوی څخه په ټینګه دفاع کوله. اوسنۍ رسنۍ، مرکې او نور ژانرونه که د هغوی په پل باندې پل کېږدي نو همغسې به په ټولنه کې د اعتماداو باور سرچینې وګرځي.

پایله

۱- مرکه د بشري ټولنې د هر ډګر په پرمختیا کې اغېزناک او د پیاوړي ځواک رول لري.

۲- په هغه صورت کې چې مرکې د منل شوو معیارونو پر بنسټ، د مسلکي تدابیرو په مټ او د لوړو آرمانونو د پلي کېدو په موخه له علمي او عملي واقعیتونو سره سم وکارول شي د ټولنې په مادي او معنوي پرمختګونو او ودې کې ډېر رغنده رول لوبولای شي.

۳- مرکه د څېړنې لپاره هم د فاکټونو او حقایقو د ترلاسه کولو او مستند کولو په برخه کې ډېر اهمیت لري، څېړونکو ته خام مواد برابروي او ډېر معلومات، احصائیې او ارقام په واک کې ورکوي.

وړاندیزونه

۱- د حکومت هر ارګان، ډلې او رسنۍ باید د مرکو ترسره کولو ته د ټولنې د هراړخیزې پرمختیا په موخه، په معلوماتو، تخصص، تجربې، تحلیل، حوصلې، فصاحت، بلاغت، عصري علومو او تکنولوژۍ باندې سمبال خلک وګماري.

۲- رسنۍ او ټول اړوند لوري باید د مرکې د معیارونو او تدابیرو په رعایت سره د لوړو آرمانونو د تحقق په موخه مرکې تر سره کړي، تر څو د مرکو د اغېزو په ترڅ کې با فرهنګه نسل، متحد ملت او د سوکاله ژوند لرونکې، پرمختللې او نېکمرغه ټولنه را منځته شي.

۳- په کورونو، تعلیمي مرکزونو او رسنیو کې باید د مرکې له ژانر څخه د نوي نسل په روزنه کې په ښه توګه استفاده وشي.

۴- د اطلاعاتو او فرهنګ وزارت او رسنۍ دې د معياري، مسلکي، اغېزناکو او ګټورو مرکو د ښه تفهيم لپاره په لوړه کچه ورکشاپونه، سيمينارونه او ښونيز پروګرامونه داير کړي او ژورناليستان دې د هر اړخيزې پرمختيا د رامنځته کېدو په موخه سره همغږي وروزي.

مأخذونه

۱- القرآن الکريم

۲- آشنا راډيو، «د سترګو د ناروغيو، وقايې او درملنې لارې چارې»، د ماخستن ۱۰:۳۰بجو خپرونه، چهارشنبه ۱۴۰۱/۳/۱۱هـ ل.

۳- الأصفر، عماد. اجراء المقابلات و ادارة الحوار للبرامج والأخبار، مرکز تطوير الاعلام-جامعة بيرزيت: فلسطين، ۲۰۰۷م.

۴- اصلاح راډيو، ۱۳۹۱ کال، د ترانو او نعتونو برنامه.

۵- بديعی، نعيم؛ حسين قندی. روزنامه نگاری نوين، چاپ چهارم، انتشارات دانشگاه علامه طباطبايی: مکتبۀ علم و فرهنگ محلۀ جنگی، پشاور،۱۳۸۳هـ ل کال.

٦- ساعتچی، محمود. اصول و فنون اجراي مصاحبۀ استخدامی، ارزشيابی و بالينی، چاپ دوم، مؤسسۀ انتشارات امير کبير: تهران، ۱۳۸۸هـ ش.

۷- ساعتچی، محمود. چگونه مصاحبه کنيم؟ چگونه مصاحبه شويم؟، نشر ويرايش: تهران، ۱۳۸۷هـ ش.

۸- عميد، حسن. فرهنگ عميد، چاپ سوم، مؤسسۀ انتشارات امير کبير: تهران، ۱۳٦۹هـ ش.

۹- مدکور، ابراهيم. المعجم الوجيز، مجمع اللغة العربية: مطابع شرکة الاعلانات الشرقية دارالتحرير للطبع و النشر، مصر،۱۹۸۰م.

۱۰- مشواڼی، عبدالقيوم زاهد. زاهد پښتو- پښتو سيند، د افغانستان د علومو د اکاډمۍ د پښتو څېړنو نړيوال مرکز: د چاپ چارې: دانش خپرندويه ټولنه، پېښور، ۱۳۸۵هـ ل.

۱۱- ناظم، محمد داود. مرکه او په تولنه یې اغېزې، اصلاح افکار خپرندویه اداره: کابل، ۱۴۰۰هـ ل.

۱۲- ناظم، محمد داود ناظم. جرایم رسانه یی در حقوق جزای افغانستان، جامعة المصطفی العالمیة: چاپ حامد رسالت، کابل، ۱۳۹٦هـ ش.

13- Jahan, Shawkat. "Effectiveness of interviews", http://hrmpractice.com, [accessed 12 september 2020].

14- Pushkalavati, Inam ur Rahman. Journalism, University Book Ajancy: Peshawar, 2006.

معاون سر محقق غلام نبی حنیفی

اهمیت تحقیقات علمی در جهان معاصر

The importance of scientific research in the contemporary world

Associate professor Gholam Nabi Hanifi

Abstract

Scientific research has continuously evolved from ancient times to the present day and each civilization building upon the knowledge of its predecessors. Islamic civilization played a significant role in advancing science by absorbing, developing, and innovating upon the knowledge of ancient civilizations and subsequently passing this knowledge to the West and other societies. In today's world, scientific research holds critical importance as we transition from the Industrial Revolution to the Digital Revolution, marked by the age of information and communication. In this era, research forms the foundation of all scientific, industrial, and technological advancements, making true self-sufficiency and genuine development impossible without it. The purpose of this study is to elucidate the importance of scientific research in the modern world, especially emphasizing its necessity for Afghanistan under current conditions. This research begins with the fundamental question: What role does

scientific research play in today’s world? It also emphasizes the hypothesis that scientific research has been a primary driver in humanity's transition from the Industrial to the Digital Age. Findings indicate that substantial investments in scientific research are made not only by governments but also by private and commercial institutions, attracting talented and creative individuals to this field. In today's world, knowledge is power, and the strength of nations depends on their scientific capabilities. A country’s ability to produce knowledge and capital is fundamental to its success, and without scientific research, achieving economic development and social welfare is unattainable.

خلاصه

تحقیقات علمی از دوران باستان تا به امروز به‌طور پیوسته تکامل یافته و تمدن‌ها هرکدام بر دانش گذشتگان خود افزوده‌اند. تمدن اسلامی با جذب و توسعه دانش تمدن‌های باستانی و ایجاد نوآوری‌ها نقش مهمی در پیشرفت علمی داشته و دانش را به غرب و تمدن‌های دیگر انتقال داده است. در جهان امروز، تحقیقات علمی اهمیت حیاتی دارد، زیرا که عصر ما عبور از انقلاب صنعتی به انقلاب دیجیتلی و عصر اطلاعات و ارتباطات است. در این عصر، پژوهش پایه اصلی تمام پیشرفت‌ها و انکشافات علمی، صنعتی و تکنولوژیکی است و بدون تحقیق، رسیدن به خودکفایی و توسعه واقعی غیرممکن است. هدف این تحقیق، تبیین اهمیت پژوهش‌های علمی در جهان معاصر و تأکید بر ضرورت آن برای افغانستان در شرایط کنونی است. پژوهش با این پرسش اساسی آغاز می‌شود که تحقیقات علمی چه نقشی در دنیای امروز دارند و بر این فرضیه تأکید می‌کند که پژوهش‌های علمی عامل اصلی گذر از انقلاب صنعتی به عصر دیجیتل بوده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهند که نه تنها دولت‌ها بلکه نهادهای خصوصی و تجاری نیز سرمایه‌گذاری هنگفتی در تحقیقات

علمی می‌کنند و افراد نخبه و خلاق را به این حوزه جذب نموده و می‌نمایند. در جهان امروز، دانش قدرت است و برتری ملت‌ها به ظرفیت علمی آن‌ها وابسته است. توانمندی یک کشور به قابلیت تولید دانش و سرمایه بستگی دارد، و بدون پژوهش علمی، دست‌یابی به توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی ناممکن خواهد بود.

مقدمه

تحقیقات علمی بنیاد انکشافات علمی جهان معاصر است. تمام پیشرفت‌های علمی جهان معاصر در واقع محصولی تحقیقات علمی دانشمندانی است که در عرصه‌های مختلف انجام داده‌اند. بشر امروز از برکت تحقیقات و در نتیجهٔ انکشافات علمی به جای رسیده که نسل‌های گذشته اصلاً فکرش را نکرده بودند. سرعت تبادلهٔ اطلاعات در واحد زمانی حتا کمتر از ثانیه قابل پیمایش است. سرعت نقل و انتقالات و حجم بار قابل انتقال با وسایط حمل و نقل عصری نسبت به گذشته‌های حتا یک قرن پیش کاملاً متفاوت و شگفت آور است. انجام کار با ماشین، تسهیلات تخنیکی و فناوری برای اجرای تعاملات یومیه زندگی در حدی رسیده که برای نسل‌های چند دهه پیش از ما باور نکردنی بوده است. تکنولوژی هوشمند عرصه‌های مختلف اعم نظامی و ملکی را درنوردیده و با گذشت زمان دقت عمل آن بیشتر و ساحهٔ پوشش آن گسترده‌تر می‌گردد. امروز بهترین و منطقی‌ترین روش برای حل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و غیره استفاده از تحقیقات علمی است. بشر امروز با آنکه مسایل و معضلات زیادی را حل کرده و تسهیلات زیادی را فراهم کرده است، اما این به معنای آن نیست که دیگر سوالی برای بشریت باقی نمانده و دیگر مشکلی هم در سر راه آن قرار ندارد. هر قدر که علم و دانش توسعه یافته و تکنولوژی پیشرفته‌تر شده به همان اندازه زندگی بشری پیچیده‌تر و بیشتر وابسته به تکنولوژی روز گردیده است، این وابستگی در ضمن همه سهولت‌های که برای انسان معاصر ایجاد کرده است، یک سلسله مشکلاتی را هم پیدا کرده که نیاز به حل دارد و هزاران سوال جدید

را نیز برای بشر ایجاد کرده است، لذا با توسعهٔ علم و دانش و تکنولوژی نیاز به تحقیقات علمی نیز افزایش یافته و دامنهٔ تحقیقات علمی نیز گسترده‌تر گردیده‌است.

بیان مسأله

امروزه، عصر علم و فناوری است و ارزشمندترین دارایی کشورها، دانش و تحقیق است. کشورهایی که به دانش اهمیت داده و در تحقیقات علمی سرمایه‌گذاری کرده‌اند، به قدرت و پیشرفت دست یافته‌اند و در تکنولوژی و اقتصاد پیشرو هستند. اما کشورهایی که از این مسیر دور مانده‌اند، در تأمین نیازهای اولیه شهروندان خود با مشکل مواجه‌اند. در افغانستان، با توجه به کمبود سواد عمومی و ضعف در تولید علم، ضرورت ترویج تحقیق و جلب توجه مسئولان و تحصیل‌کردگان به اهمیت دانش و تحقیق بیش از پیش احساس می‌شود. این تلاش‌ها می‌تواند راه‌حلی برای چالش‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور باشد و به رشد و بهبود شرایط زندگی مردم کمک کند.

اهمیت و ضرورت تحقیق

افغانستان با مشکلات گسترده و چالش‌های فراوانی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روبه‌روست؛ مشکلاتی که جامعه را بیمار کرده و نیازمند راه‌حل‌های علمی است. بررسی اهمیت تحقیقات علمی در این زمینه، فرصتی است برای درک نقش تحقیقات علمی در حل مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور. با افزایش آگاهی دربارهٔ اهمیت تحقیقات علمی، می‌توان توجه جامعهٔ علمی افغانستان را به سوی استفاده از روش‌های علمی برای بهبود شرایط جلب کرد.

اهداف تحقیق

تحقیق حاضر در پی آن است تا اهمیت تحقیقات علمی در جهان امروز را روشن ساخته و ضرورت توجه ویژه به تحقیقات علمی را در شرایط کنونی افغانستان تبیین کند. افغانستان با انبوهی از مشکلات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و

فرهنگی مواجه است که حل مؤثر آن‌ها مستلزم به‌کارگیری روش‌های علمی و تحقیقات دقیق است. در حال حاضر، برخوردهای احساسی و غیرعلمی به مشکلات بیشتر دیده می‌شود که خود مشکلات جدیدی را به همراه دارد و نشان‌دهندهٔ کمبود درک اهمیت تحقیق در این جامعه است.

هدف اصلی این مقاله، افزایش آگاهی نسبت به نقش تحقیقات علمی در توسعه و پیشرفت کشورهاست. با تحلیل و توضیح اینکه چگونه کشورهای دیگر با تکیه بر تحقیقات علمی به توسعه دست یافته‌اند، این پژوهش تلاش دارد تا نشان دهد که ارتقای ظرفیت علمی و تولید دانش در افغانستان می‌تواند زمینه‌ساز پیشرفت در عرصه‌های مختلف باشد.

همچنین، مقاله به اهمیت ارج‌گذاری به تلاش‌های علمی و نقش کلیدی اساتید و پژوهشگران اشاره دارد. با توجه به بی‌سوادی گسترده در افغانستان و درک اندک جامعه نسبت به اهمیت دانش، مقالاتی از این دست می‌تواند به ارتقای جایگاه تحقیقات علمی و بالا بردن درک عمومی کمک کند.

از اهداف دیگر این تحقیق، جلب توجه مسئولان و نهادهای علمی به ضرورت سرمایه‌گذاری در تحقیقات علمی و ایجاد انگیزه برای اساتید و دانشجویان است تا گامی به سوی بهبود شرایط علمی و توسعه پایدار افغانستان برداشته شود.

سوالات تحقیق و فرضیه‌ها

سوال اصلی

تحقیقات علمی در جهان معاصر از چه اهمیت و جایگاه برخوردار است؟

سوالات فرعی

- تحقیقات علمی در جهان معاصر چه نقشی در انکشاف و ترقی کشورها و حل مسایل در زمینه‌های مختلف ایفاء می‌کند؟
- تحقیقات علمی چگونه در تولید علم و ارتقای ظرفیت علمی جامعه علمی و شهروندان کمک می‌نماید؟

فرضیه اصلی

تحقیقات علمی در جهان معاصر در واقع نقش عامل اصلی گذر جامعهٔ بشری از عصر انقلاب صنعتی و ورود به عصر انقلاب دیجیتلی و علمی را ایفاء کرده است.

فرضیه‌های فرعی

- ترقی و انکشاف کشورها در جهان معاصر مرهون توسعهٔ تحقیقات علمی در آنها بوده و از تحقیقات علمی در حل مسایل عرصه‌های مختلف به صورت گسترده استفاده می گردد.

- تحقیقات علمی در جهان معاصر کارگاه اصلی تولید علم و دانش است و از طریق به اشتراک گذاشتن نتایج تحقیق به ارتقای ظرفیت علمی جامعه علمی و شهروندان کمک می گردد.

پیشینه تحقیق

این یک امر طبیعی است که تا اهمیت علم و دانش و اهمیت تحقیقات علمی در یک جامعه بر جسته نگردد، توجه شهروندان آن جامعه به علم و دانش و تحقیقات علمی نیز افزایش نمی‌یابد، بنابرآن هیچ جای تردید نیست که در کشورهای توسعه یافته که از طریق توسعهٔ علمی و انکشاف تحقیقات علمی به پیشرفت و ترقی رسیده‌اند، برای تبیین اهمیت تحقیقات به اندازه کافی پرداخته شده تا بستر تحقیقات علمی به صورت گسترده در آن کشورها فراهم گردیده است، اما در افغانستان، چنانکه شواهد گواه است، تلاش‌های لازم برای فراهم ساختن بستر مناسب و شایسته برای تحقیقات علمی فراهم نگردیده است.

روش تحقیق و روش گردآوری اطلاعات

در تحقیق حاضر با توجه به عنوان و اهداف تعیین شده از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. مسأله آنچنان که بوده تبیین و توصیف و تحلیل گردیده تا به سوالات مطرح شده پاسخ ارایه گردد. روش گردآوری اطلاعات در

این تحقیق کتابخانه‌ای است.

ساختار ابتدایی (تصنیف موضوع)

در تحقیق حاضر برای تبیین اهمیت و جایگاه تحقیقات علمی در جهان معاصر، نخست برخی مفاهیم و سپس به ترتیب سیر تحول و تکامل تحقیقات علمی در جهان، آمار و ارقامی از تحقیقات علمی که سالانه در سطح جهان اجرا می‌گردد، آمار و ارقامی از نهادهای علمی- تحقیقی و نیروی بشری شاغل به تحقیقات علمی در آنها، آمار و ارقام هزینه‌های تحقیقاتی کشورها، بررسی خواهد شد.

همچنان نقش تحقیقات علمی در جهان معاصر در انکشاف و ترقی کشورها، در حل مسایل در زمینه‌های مختلف، در تولید علم و ارتقای ظرفیت علمی جامعه علمی و شهروندان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در اخیر به جایگاه کنونی تحقیقات علمی در افغانستان و نقش آن در انکشاف، ترقی، حل مسایل و تولید علم و دانش به صورت مختصر بررسی خواهد گردید.

۱- تعریف برخی از مفاهیم

پیش از اینکه به اصل مطالب پرداخته شود، نیاز است که در قدم نخست برخی از مفاهیم که در این تحقیق به کار رفته است، مورد بررسی قرار گیرند، زیرا بحث کردن پیرامون اهمیت تحقیقات علمی در جهان معاصر، در صورتی که منظور از اهمیت، تحقیق علمی و جهانی معاصر مشخص نگردد، در واقع دایرۀ بحث از نظر مفهومی مجهول باقی می‌ماند و این امر معقول و منطقی نیست، لذا مطالعه «اهمیت تحقیقات علمی در جهان معاصر » زمانی می‌تواند به صورت قابل توجه مثمر و مفید باشد که حدود مفاهیم استفاده شده در عنوان واضح شده باشند.

۱)**مفهوم اَهَمِّیَّت:** اَهَمِّیَّت واژه و مصدر جعلی عربی مستعمل در زبان فارسی است که از واژۀ «أهمية» مأخوذ از ریشۀ اهتمام، در زبان عربی به مفهوم

اهمیت، قدر، اعتبار، نفوذ، شان، تقاضا و ابرام آمده است(۲۲: انترنت). در زبان فارسی در لغت به معنای ابهت، ارج، ارزش، شکوه، قدر، تأثیر، بایستگی، مهم بودن، بایسته بودن، لزوم، وجوب و احتیاج آمده است(۱۰: ص ۳٦۷۰).

در اینجا چون واژۀ اهمیت به عنوان یک اصطلاح علمی در میتودولوژی تحقیق به کار نرفته، همان مفهوم لغوی کلمه مراد است و معنایی لغوی کلمه می‌تواند در عنوان تحقیق نیز قابل انطباق باشد؛ زیرا در بررسی اهمیت تحقیقات علمی در واقع به مهم بودن، بایستگی، لزوم، ارزش، وجوب و احتیاج به تحقیقات علمی پرداخته می‌شود به این معنا که تحقیقات علمی در جهان معاصر چقدر مهم، ضروری و حتمی بوده و در زندگی امروز انسان چقدر ارزش و تأثیر دارد؟ وقتی به ارتباط اهمیت تحقیقات علمی بحث می گردد، دقیقاً لازم بودن، ارزش و منزلت تحقیق در جهان معاصر در ذهن انسان متبادر گردیده و در این تحقیق نیز همین مفهوم منظور است.

2) **مفهوم تحقیق:** از آنجایی که واژۀ تحقیقات به حیث یک اصطلاح در زبان فارسی به دو مفهوم تحقیقات علمی و تحقیقات جنایی یا دستگاه‌های عدلی و قضایی هردو به کار می‌رود، منظور از تحقیقات در اینجا تحقیقات به همان مفهوم علمی و اکادمیک آن است نه تحقیقات جنایی و نه هم تحقیق به مفهوم جستجوی حقایق به شیوه‌ها و روش‌های غیر علمی آن است؛ زیرا واژۀ تحقیق نیز مصدر عربی است و به معانی پژوهش، بازجوی کردن، حقیقت جویی، حقیقت و راست و درست کردن، به کنه مطلب رسیدن و واقع چیزی را به دست آوردن، آمده است(11: ص6485).

با توجه به توضیحات فوق می‌توان گفت که معنای لغوی تحقیق در معنای اصطلاحی آن نیز به صورت برجسته به ملاحظه می‌رسد؛ زیرا تنها معنای که از جمله معانی لغوی آن در اینجا نمی‌تواند منظور باشد، بازجویی کردن است که در تحقیقات جنایی قابل استفاده است، اما به صورت کل تحقیق در اینجا به همان مفهوم پژوهش به حیث یک اصطلاح علمی بکار رفته است که در ادامه

مطلب از لحاظ علمی تعریف و توضیح می‌گردد.

در کل تحقیقات علمی به عنوان یک فرایند منظم علمی برای رسیدن به اهداف علمی و نتایج و یا هم یافتن پاسخ به سوالات علمی به ارتباط مسألهٔ تحقیق مطرح است، اما تعریف دقیقتر از آن قرار ذیل است:

➢ **تعریف تحقیق علمی:** اکثر آراء و نظریات پیرامون تعریف تحقیق علمی مبتنی بر این دیدگاه است که تحقیق علمی عبارت از روش علمی معطوف به بررسی حقایق مشخصی متکی بر فرضیه‌های منطقی به منظور دستیابی به راه حل‌های عینی برای مشکل خاصی در جهت رسیدن به اهداف علمی مطلوب است.

در یک تعریف دیگر از تحقیق علمی به ملاحظه می رسد که تحقیق عبارت از روش جستجوی حقایق علمی برای پرداختن به یک مشکل اجتناب ناپذیر است که از فرضیه‌های مشخصی برای دستیابی به نتایج تثبیت کنندهٔ اهداف عینی آغاز می گردد(۲۰: صص۳-٤).

از مطالعه و تدقیق تعاریف فوق می‌توان استنباط نمود که تحقیق علمی دارای برخی از عناصر است که بدون آن‌ها نمی‌تواند یک تحقیق علمی اساساً شکل بگیرد. این عناصر اساسی در واقع بیانگر ارکان تحقیق بوده که بدون آنها مفهوم واقعی تحقیق نمی‌تواند تحقق یابد، بنابرآن در ادامه مطلب به ارکان تحقیق پرداخته می‌شود.

➢ **ارکان تحقیق:** از تعریفات فوق الذکر چنین فهمیده می شود که تحقیقات علمی دارای مجموعه ارکانی است که اساسات قابل اعتمادی را در نوشتن تحقیقات علمی ارایه می‌دارند و در عین حال اخلاقیاتی را انعکاس می‌دهند که محقق و تحقیق علمی باید به آن آراسته باشند و این ارکان عبارت اند از:

۱- تحقیق علمی روش علمی پذیرفته شده است: به این معنا که در نگارش تحقیق علمی یک روش و رویکرد تأیید شده‌ای وجود دارد که با یک طرح علمی

مشخص کنندۀ موضوعاتی که تسلسل منطقی وقایع را بیان می‌کند، تمثیل و با عمومیات پدیدۀ مورد مطالعه آغاز و با ویژگی‌های آن به پایان می رسد تا از طریق آن آراء و اندیشه‌های مختلف مرتبط به موضوع مورد مطالعه، تحلیل و تجزیه گردد.

در کل منابع، به شش روش تحقیق علمی اشاره می‌کنند که روش‌های نوشتن تحقیق علمی را ارایه می‌کنند و آنها عبارت‌اند از:روش شناسی توصیفی، روش شناسی تجربی، روش شناسی موردی، روش شناسی شهودی، روش شناسی قیاسی و روش شناسی استقرائی.

۲- تحقیق علمی متکی بر فرضیه‌هاست:لازم است که تحقیق علمی دارای فرضیه یا مجموعه‌ای از فرضیه‌های باشد که محقق وجود آن‌ها را فرض نموده و برای اثبات یا ابطال آن‌ها تلاش می‌نماید.

۳- تحقیق علمی دارای یک مسأله یا مشکل خاصی است که به مطالعه آن می‌پردازد: مسألۀ تحقیق اصلی‌ترین عاملی است که از طریق آن ایده‌های علمی تحقیق مطرح می‌شود، زیرا مسألۀ تحقیق باید به صورت دقیق بر اساس گردآوری، تحلیل و تجزیه داده‌ها و معلومات مربوط به پدیدۀ مورد مطالعه و بررسی کلیه حقایق مرتبط تعریف و به گونه‌ای سازمان‌دهی شود که به وضوح کمبود و یا شگافی را که پدیده از آن رنج می‌برد نشان دهد، تا به عنوان یک مسأله یا مشکل تحقیق تشخیص داده شود.

۴- تحقیق علمی دارای اهدافی است که محقق به دنبال دستیابی به آن است: تحقیق علمی از جهات مختلف نظری و عملی(کاربردی) دارای اهداف مشخصی است که از مسأله تحقیق نشأت می‌کند، زیرا اهداف تحقیق علمی معرف راه حل‌هایی است که برای مسأله مورد مطالعه پیشنهاد می‌گردد و این راه حل‌ها اهدافی هستند که تحقیق به دنبال دستیابی به آن هاست.(۲۰: صص۳-٤).

بنابرآن اهداف تحقیق علمی بخش جدایی ناپذیر از ارکان اساسی

تحقیق(مسأله و فرضیه) است که به طور کلی در مدار عنوان تحقیق می‌چرخد، چون اهداف تحقیق عبارت از سخن گفتن به عنوان آن است.

۳- مفهوم اهمیت تحقیق: بررسی «اهمیت تحقیق» به صورت یک ترکیب اضافی به مفهوم مهم بودن و لازمی بودن تحقیق است. ترکیب اضافی فوق الذکر به این مفهوم است که پرداختن به تحقیقات علمی در جهان معاصر تا چه اندازه مهم و ضروری است و در انکشاف علمی کشورها چقدر تأثیر گذار است و تا چه اندازه برای جامعه و توسعه کشور در ابعاد مختلف، سیاسی، اقتصادی ، اجتماعی، فرهنگی و غیره ارزش و تأثیر دارد و چه نقشی می‌توانند در حل مشکلات جامعه در ابعاد مختلف ایفاء نماید.

همچنان پرداختن به تحقیقات علمی به مفهوم بررسی اهمیت و مؤثریت تحقیق در ارتقای ظرفیت اساتید و مؤسسات تحصیلات عالی می‌باشند.(۲۰: ص ٤). چون تحقیق یکی از وظایف اساسی اساتید در دانشگاه‌ها در جهان معاصر است، بررسی اهمیت تحقیق در جهان معاصر در واقع به مفهوم بررسی اهمیت کار اساتید دانشگاه‌ها در این زمینه است.

۴- مفهوم جهان معاصر: در این تحقیق جهان معاصر به مفهوم جهان هم عصر کنونی بشر به کار رفته است، جهانی که انقلاب صنعتی را پشت سر گذاشته و با انقلاب الکترونیکی هم عصر است. جهان معاصر به مفهوم جهانی است که نسل ما در آن زندگی می کند، جهانی که یکی از ویژگی‌های اصلی و اساسی آن توسعه شگفت آور ارتباطات است. انسان معاصر به برکت تکنولوژی معاصر در هر قسمتی از کرۀ خاکی که زندگی کند با کوتاه ترین زمان از اخبار مختلفی که در گوشه و کنار جهان اتفاق می‌افتد با خبر می شود، جهان امروز از نظر اطلاعات واقعاً به یک دهکدۀ کوچک تبدیل شده است. جهان معاصر به مفهوم جهانی دارای ارزش‌های جهانی و عصر جهانی شدن است.(۳۱: انترنت). تحقیق حاضر، با مفهوم فوق از جهان معاصر به دنبال جستجوی این حقیقت است که در چنین جهانی که اطلاعات فی ثانیه به اقصی نقاط آن قابل

انتقال است و به یک دهکدهٔ جهانی تبدیل شده، ارزش‌های جهانی در آن رشد کرده، اقتصاد و سیاست به سمت جهانی شدن در حرکت است، جهانی که سالانه میلیون‌ها اختراعات جدید را به ثبت می‌رساند(۱۲: انترنت). در چنین جهانی که با گذشت هر روز تکنولوژی مورد استفاده در آن پیچیده تر و شگفت انگیز تر می‌شود، در جهانی که انسان به کمک دانش و تکنولوژی از قعر دریا تا اوج کهکشان‌ها را تسخیرنموده، در چنین جهانی تحقیقات علمی از چه اهمیتی برخوردار است، آیا تحقیقات علمی همچنان ضرورت اساسی انسان معاصر است و بدون آن هزاران چالش لاینحل و هزاران سوال بی‌پاسخ خواهد ماند؟ و در جهانی که ساکنانش تکسی‌های پرنده و طیارات بی سرنشین را تجربه می‌کند، تحقیقات علمی از چه اهمیتی برخوردار است.

۲- سیر تحول و تکامل تحقیقات علمی در جهان

سیر تحول و تکامل تحقیقات علمی در جهان در واقع همان سیر پیدایش و تکامل علم است که به صورت ناگهانی و در مدت کوتاهی اتفاق نیافتاده بلکه به مرور زمان به تکامل رسیده است.

تحقیقات علمی یکی از ارکان اساسی دانش انسانی در تمام عرصه‌هاست، اهمیت تحقیقات علمی به این بر می‌گردد که ملت‌ها درک کرده‌اند که عظمت و برتری آن‌ها وابسته به ظرفیت‌های علمی و فکری فرزندان آن هاست(۱: انترنت). به این معنا که ملت‌ها در جهان معاصر به درستی به اهمیت تحقیقات علمی پی برده و به این مسأله توجه می‌نمایند.

سیر تحول و تکامل تحقیقات علمی نشان می‌دهد که تحقیقات علمی در طول تاریخ بشریت به گونهٔ مستمر و دوامدار پیشرفت نموده است، در زمانه‌های قدیم و باستانی مصریان باستان، بابلیان، یونانیان و رومیان زندگی می‌کردند. دیدگاه فکری نزد مصریان باستان دیدگاه عملی و کاربردی بوده است(۲۱: ص١٦)، زیرا ایشان در مومیایی کردن، برنامه ریزی، هندسه، طب، نجوم و زراعت از دیگران برتری و پیشی گرفته بودند، چنانکه مصریان باستان تمدن

علمی را در دواسازی و کیمیا بنیان گذاری کردند در این زمینه گابین مؤرخ مشهور چنین ابراز نظر می‌نماید:«بدون تردید مصریان ستاره شناس بودند و مصریان باستان به مواد مخدر و ویژگی های آن دست یافته بودند که در کارهای دیسکوریدس و بلینی و غیره از آن‌ها یاد گردیده است. یونیان باستان به تحقیقات علمی توجه ویژه داشته‌اند، چنانکه بر تأمل و دیدگاه عقلی صرف اعتماد داشته‌اند، طوری که ارسطو قواعد روش قیاسی و استدلالی را در تفکر علمی بنیان گذاری می کند همان طوری که در استقراء نیز با هوش است و طبیعت متفکرانه در تفکر وی غالب است، همچنان یونانی‌ها در ساختار علمی شان بر اکتشافات سابقه که مصری‌ها و بابلی‌ها به ثبت رسانده بودند اعتماد داشتند، از برجسته‌ترین دانشمندان آنها در زمینه فیثاغورث در جغرافیه، ریاضیات و فلسفه(٦٠٠ ق. م) و دیمکراطس کسی که نظریه تدافع اتمی را برای تشریح ترکیب ماده مطرح کرد(٤٠٠ ق. م) و بطلیموس کسی که اولین بار نظریه مناسب از حرکت ستاره را در قرن دوم میلادی ارایه کرد»(١: انترنت).

رومی‌ها وارثان دانش یونانی پنداشته شده و تمرکز اشتراک شان در تمرینات علمی بیشتر از دنباله‌روی از دانش یونانی‌ها بود، اکثر قانونگذاران و مهندسان شان از میان متفکران و اندیشمندان بودند.

در قرون وسطی که در آن تمدن اسلامی شگوفا می‌شود و دورۀ وقفۀ بیداری در اروپا است و این وقفه تا حدود قرن شانزدهم میلادی ادامه می‌یابد، در این دوره مسلمانان از علوم گذشته مصریان باستان یونانی‌ها و رومی‌ها استفاده کردند و تمدن اسلامی حلقه وصل بین تمدن‌ها باستانی مصر، اغریق و یونان و روم و تمدن‌های بعدی عصر بیداری جدید است، مسلمانان تنها به انتقال تمدن‌های قبلی خود اکتفا نکردند بلکه علوم و فنونی دارای ممیزات اصیل علمی را بر آنها افزودند، بنابرآن تفکر اسلامی از دایرۀ شکلی منطق ارسطویی عبور نمود، یعنی عرب‌ها(مسلمانان) با روش قیاسی مقابله نموده و از چارچوب آن خارج و به مشاهده و تجربه به حیث منبع تحقیقات علمی اعتبار بخشیدند.

چنانکه عرب‌ها(مسلمانان) در نتیجه‌گیری‌های علمی شان از روش‌های ابتکاری در تحقیقات علمی پیروی کردند و بر روش استقراء، مشاهده و تجربیات علمی و یاری جستن از ابزارهای قیاس برای رسیدن به نتایج علمی استناد و اتکاء نمودند و بسیاری از دانشمند اسلامی مانند حسن بن هیثم، جابر بین حیان، خوارزمی، البیرونی، ابن سینا و غیره در عرصهٔ تحقیقات الگو و نمونه شدند و بر الگو بودن دانشمندان عرب(مسلمان) در این زمینه بسیاری از نمایندگان رنسانس اروپایی و دانشمندان منصف غربی گواهی داده‌اند مانند: دانشمند امریکایی "جورج سارتون" کسی که گفت عرب‌ها (مسلمانان) بزرگترین آموزگاران جهان در قرون وسطی‌اند هرگاه عرب‌ها گنج‌های حکمت یونانی را انتقال نمی کردند حرکت مدنیت برای چندین قرن توقف می‌کرد، پس عرب‌ها با تولیدات علمی شان در پیشرفت تمدن نقش ایفاء کردند، همچنان در بنیان گذاری روش استقراء سهم گرفتند و مشاهده و تجربه را اساس تحقیقات علمی قرار دادند، هرآینه فرستادگان بیداری اروپائی از علوم و دانش عربی و اسلامی که به آنها بر جا گذاشتند استفاده کردند و در ساختن اساسات تمدن جدید اروپایی بر آن اتکاء نمودند.

علیرغم آن بازمانده تمدن عربی و اسلامی و نقش همیشگی آن در خدمت گذاری به تمدن جهانی، همواره به صورت مناسب معرفی نگردیده است و این مسأله به دلایل مختلفی بر می‌گردد که مهمترین آن ها عبارت‌اند از:کمبود شدید آگاهی محققین با این میراث تمدنی، بسیاری از آثار خطی علمی عربی که بسیاری از عرصه های علم و دانش را پوشش می‌دهند، همچنان در تاقچه‌های کتابخانه‌ها و غیره در شرق و غرب به صورت برابر مدفون مانده‌اند، علاوه برآنکه محققین این عرصه از دشواری‌های دسترسی به این آثار خطی جهت اجرای مطالعات به ارتباط آنها رنج می‌برند؛ علاوه بر اینکه غارت مغول، تاتار، ترک و استعمار در نابودی بخش از این میراث تمدنی تأثیرات آشکار کمی نداشته اند، همچنان می‌یابیم آنچه را که از میراث تمدنی به اروپا از طریق

جنگ های صلیبی و نهضت ترجمه در سیسل و اندلس(اسپانیای امروزی) و جعل هویت توسط مترجمین که بسیاری از مصادر تمدنی مسلمانان را به خود نسبت داده و به صاحبان آن انتساب نکرده اند. در مجموع تمام این دلایل و اسباب نقش اساسی در ناشناخته ماندن نقش میراث تمدنی عربی و اسلامی در تمدن بشری گردیده است. و در این جا لازم است برخی از حقایق را به قرار ذیل بیان نماییم.

۱- اگر علم طبیعی در اروپا به دست (گالیه ١٦۴٢) و (نیوتن ١٧٢٧) تأسیس شده باشد، بدون شک که عرب‌ها (مسلمانان) در علم نورشناسی١٢٠٩م از آن‌ها پیشی گرفته بودند.

۲- اگر تأسیس علم کیمیا در اروپا به (لاوازیه ١٧٩۴) بر می‌گردد، هرآینه در ابداع آن پیر کیمیادانان مسلمان جابر بن حیان(٨١٣) از آنها پیشی گرفته بود.

۳- اگر تأسین علم اناتومی در اروپا به (وزالیوس١٥٦۴) نسبت داده می‌شود و علم طب به (پاراسلوس ١٥۴١م) و علم زیست شناسی به (کلود برنارد١٨٧٨م) نسبت داده می‌شوند، بدون شک اساسات این علوم در نزد مسلمانان شناخته شده بوند و بگونۀ مثال از (ابی بکر رازی٩٣٣) که به جالینوس و (ابن سینا(١٠٣٧م) پزشک مسلمان و بزرگترین جراح مسلمانان (ابو قاسم زهراوی١٠١٣م) و کاشف دوران خون (ابن نفیس ١٢٨٨م) به عنوان نمونه‌های از دانشمندان این عرصه می‌توان نام گرفت.

۴- اگر اولین پیشگام علم نجوم در غرب (کوپرنیک ١٥۴٣) سپس (گالیله ١٦۴٢م) است، بدون شک تأسیس علم نجوم به حیث یک علم تجربی به دانشمندان مسلمان از جمله(ابی معشر البلخی ٥٩٥م) و (ابن یونس مصری ١٠٠٨م) و (البیرونی ١٠۴٨) و دیگران نسبت داده می‌شوند که درخشان ترین نام ها در تاریخ علوم تجربی به شمار می‌روند.

در عصر جدید از آغاز قرن ١٧م تا زمان حاضر پایه‌های تفکر علمی در اروپا و امریکا به تکامل رسیده و بر کرسی پیشرفت علمی و تکنولوژیکی

نشسته‌اند(همان).

از سابقه تاریخی تحقیقات علمی به خوبی روشن می گردد که پایه گذاری اساس علوم و تحقیقات در زمینه های مختلف دارای پیشینه بسیار طولانی است و در این زمینه تمدن‌های باستانی نقش غیر قابل انکاری داشته‌اند. پس از آن مسلمانان میراث تمدن‌ها باستانی را در خود جذب و هضم نموده و در انکشاف و انتقال آن به تمدن‌های معاصر نقش اساسی ایفاء می‌کنند. مسلمانان در واقع حلقهٔ وصل تمدن‌های باستانی و عصر بیداری جدید قرار گرفتند، مسلمانان علاوه بر اتصال این تمدن‌ها علوم و فنون دارای ممیزات اصیل علمی را بر میراث گذشته گان افزودند و یک میراث تمدنی غنی را از خود به جا گذاشتند که تا هنوز به دلایل مختلف به صورت دقیق به معرفی گرفته نشده است. غربی‌ها بسیاری از دستاوردهای علمی مسلمانان را گرفتند، اما به خود انتساب نمودند و یک بخش عظیم از این میراث تمدنی در لابلای نسخه‌های خطی در سراسر جهان پراکنده است که تا هنوز به معرفی گرفته نشده است.

۳- آمار نهادهای علمی- تحقیقی در سطح جهان

یکی از فکتورهای که بر اساس آن می‌توان به اهمیت تحقیقات علمی در جهان معاصر پی برد، آمار نهادهای تحقیقاتی در سطح جهان است. بابررسی آمار و ارقام نهادهای تحقیقاتی در سطح جهان و افزایش روز افزون این آمار حکایت از آن می نماید که اهمیت تحقیقات علمی در جهان معاصر با گذشت هر روز برجسته می‌گردد.

بررسی دقیق آمار نهادهای علمی- تحقیقی و تشخیص تعداد دقیق آنها کار بسی مشکل است و به یک تحقیق جداگانه نیاز دارد، اما به طور نسبی می‌توان بر اساس آمار نهادهای علمی که در درجه‌بندی برخی نهادهای تحقیقاتی و دانشگاه‌ها در سال ۲۰۲۲ شامل شده‌اند، تا اندازهٔ بر آمار مورد نظر پی برد. بر اساس درجه بندی مؤسسهٔ SCIMAGO Institutions Rankings از نهادهای

تحقیقاتی به تعداد 1745 نهاد تحقیقات علمی دولتی به صورت مقایسه‌یی انتخاب و شامل این درجه بندی می‌گردد(35: انترنت). و در درجه بندی عمومی از نهادهای تحقییقاتی 4364 نهاد تحقیقاتی مورد مقایسه قرار می گیرد(همان). این درجه بندی تنها از نهادهای تحقیقات علمی دولتی صورت گرفته است که بر اساس معیارهای مشخصی در رتبه بندی مؤسسه مذکور شامل شده‌اند، در پهلوی نهادهای دولتی نهادهای خصوصی هم بسیار فراوانند که به تحقیقات علمی مصروف هستند، همچنان مراکز تحقیق و توسعه سازمان‌ها، نهادهای مالی، شرکت‌های تولیدی، صنعتی و تجارتی نیز از جمله نهادهای تحقیقاتی هستند که آمار شان فراوانند. همچنان تعداد دانشگاه‌ها نیز در درجه بندی فوق الذکر شامل نیستند، اما از جمله نهادهای تحقیقاتی به حساب می‌آیند. به همین ترتیب در یک درجه بندی جهانی انجام شده بر اساس چندین شاخص مانند تدریس، تحقیق و انتقال دانش و غیره توسط مؤسه Times Highher Education با اشتراک مؤسسه معتبر بین المللی Alzver در سال 2023م انجام شده است به تعداد 1799 دانشگاه در درجه بندی یاد شده شامل شده‌اند(36: انترنت).

از دو نمونهٔ فوق الذکر می‌توان نتیجه گرفت که در سطح جهان به هزاران هزار نهاد و مرکز تحقیقاتی، نهادهای تحقیق و توسعه و مراکز علمی و دانشگاه وجود دارد که به تحقیقات علمی می‌پردازند؛ زیرا در این دو نمونه تنها نهادهای دولتی و دانشگاه‌های برتر بادر نظرداشت چندین معیار شامل درجه بندی شده‌اند و نهادها و دانشگاه‌های که در این درجه بندی شامل نشده‌اند به مراتب بیشتر از تعداد شامل شده‌گان در این درجه بندی‌هاست.

این همه نهادهای متعدد تحقیقاتی در عرصه‌های مختلف نشان دهندهٔ آن است که دولت‌ها و ملت‌های مختلف تحقیقات علمی را بخشی از نیازهای حیات امروز بشر دانسته و از تحقیقات علمی به حیث ابزار بسیار مهم برای بهبود و توسعهٔ صنعت و تکنولوژی و ارایهٔ خدمات و تسهیلات بهتر استفاده به

عمل می‌آورند.

تحقیقات علمی در جهان معاصر از چنان اهمیتی برخوردار است که امروز بسیاری از شرکت‌های تولیدی در کشورهای پیشرفته از تولید موتر گرفته تا تولید مواد آرایشی- بهداشتی یک مرکز تحقیقاتی وابسته به خود را دارند. تحقیقات علمی در این مراکز باتوجه به این نکته انجام می‌شود که در یک محصول چه عامل‌های را می‌توان تغییر داد تا اینکه محصول بازار بهتری پیدا کند. از جمله این شرکت‌ها می‌توان دایملر- کرایسلر را نام گرفته که از جمله مطرح ترین تولید کنندگان موتر در سطح جهان به شمار می‌رود. همچنان به ارتباط مراکز تولیدی، شرکت‌های تحقیقاتی وجود دارند که فعالیت آن‌ها صرفاً تحقیقاتی و از طریق فروش علم کسب درآمد می‌نمایند، به طور مثال بنیاد تحقیقاتی اسکریپس از این قسم شرکت‌ها است که از سال ۱۹۲۴م شروع به کار کرده و اکنون با بیش از ۲۷۰ استاد تمام، ۸۰۰ محقق پسا دکتری و ۱۵۰۰ نفر تکنسین در زمینه‌های مختلف علمی فعالیت می‌نماید.

مراکز تحقیق و توسعه در جاپان یک امر بدیهی است و جاپانی‌ها در حال تقویت مراکز تحقیق و توسعهٔ خود با هدف بنا نهادن صنعت خود بر پایهٔ تولید و فروش فناوری هستند. آلمان مؤسسه‌ای ماکس پلانک را در سال ۱۹۴۸م را با هدف ایجاد پیشرفت در علوم پایه تأسیس نموده که بیش از ۸۰ بنگاه تحقیقاتی و با بیش از ۱۳۰۰۰ متخصص در سرار المان است. در سال ۲۰۰۶م بودجه آن در حدود ۱,۶ بیلیون یورو بوده است که تا حال ۱۷ نفر از آن موفق به اخذ جایزه نوبل شده‌اند. به همین ترتیب موسسهٔ استرا- زنیکا در انگلستان و دو- پونت در فرانسه از مؤسسات برتر تحقیقاتی در سطح جهان هستند(16: صص30-31).

در کل آمارهای موجود از نهادهای تحقیقاتی برتر و دانشگاه‌های که بر اساس معیارهای گوناگون از اعتبار بین المللی برخوردارند، حکایت از آن دارد که انکشافات علمی دنیای کنونی به این سادگی به دست نیامده بلکه هزاران

نهاد و هزاردان دانشگاه با هزاران کادر علمی دارای بالاترین درجات علمی زحمات خستگی ناپذیری را متحمل شده‌اند.

٤- آمار و ارقام تحقیقات علمی در سطح جهان

یکی از دیگر از فکتورهای که اهمیت تحقیقات علمی را برجسته می‌سازد آمار و ارقام تحقیقات علمی است که سالانه در مناطق و در کشورهای مختلف انجام می‌شود. بررسی آمار و ارقام تحقیقات علمی همه مناطق و کشورهای مختلف جهان یک امر بسیار دشوار است و نیازمند یک تحقیقات گسترده و مستقل می‌باشد، اما چند نمونه از آمار تحقیقات علمی به گونۀ مثال مورد بررسی قرار می گیرد.

به طور نمونه افزایش آمار تحقیقات علمی کشورهای عربی که یکی از مناطق نزدیک به ما و دارای شباهت‌ها و اشتراکات با کشور ما هستند، حکایت از توجه روز افزون این کشورها به تحقیقات علمی و رشد چشم گیری تحقیقات علمی در این کشورها را نشان می‌دهد.

به صورت نمونه، آمار و معلومات اختصاصی عرصه تحقیقات علمی در کشورهای عربی نشان می‌دهد که تولیدات علمی و اجرای تحقیقات علمی در بین سال‌ها ١٩٦٧- ١٩٩٥م در این کشورها سیر صعودی داشته است. در کل تولیدات علمی کشورهای عربی در سال ١٩٩٥م در حدود شش هزار تحقیق علمی یوده است. این آما از بیشتر از ١٧٥ دانشگاه و بیشتر از ١٠٠٠ مرکز تحقیق و توسعه از کل کشورهای عربی جمع آوری شده بود. در بین سال‌های ١٩٦٧- ١٩٩٥م تغییرات در عرصۀ تحقیقات علمی تا اندازۀ توجه بر انگیز بوده است. در این میان سهم مصر همواره نسبت به میزان نفوس آن از سهم سایر کشورهای عربی بیشتر بوده است. شاخص تعداد محققین در کشورهای عربی از سال ١٩٧٠م از ١٢۴نفر در یک میلیون نفوس به ٣٦٣ نفر در سال ١٩٩٠م افزایش می‌یابد(١٨: ص٢٠٣). دیده می‌شود که شاخص تحقیقات علمی از نظر تعداد محققین در این کشورها نیز افزایش می‌یابد.

تازه‌ترین آمار تحقیقات علمی کشور مصر حکایت از تفاوت بسیار فاحشی از سال ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۲۲م را نشان می‌دهد.

به طور مثال دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقات علمی مصر در سال ۲۰۱۹م در حدود ۲۵ هزار تحقیقات علمی را در مجلات علمی معتبر بین المللی به نشر رسانده‌اند(۲: انترنت)، اما در سال ۲۰۲۱م در حدود ۳۸۷۹۸ تحقیقات علمی یا مقالات علمی بین المللی را به نشر رسانده است و تعداد محققین که به نشر تحقیقات علمی بین المللی پرداخته‌اند به تعداد ۵۲۵۱۱ نفر محقق بوده است و در کل ۷۰۷۰۷ بار به تحقیقات علمی نشر شدۀ کشور مصر در جریان سال ۲۰۲۱م استناد شده است. همچنان کشور مصر در در سال ۲۰۲۲م یک جهش بزرگ به نسبت ٪۵۷٫۱ در عرصۀ انتشار تحقیقات علمی در طول این سال داشته است(۱۷: انترنت).

با دقت در آمار فوق می‌بینیم که در سال ۱۹۹۵م مجموع تحقیقات علمی در تمام کشورهای در حدود شش هزار تحقیق است، اما در سال ۲۰۲۱ تنها کشور مصر بیشتر از ۳۸ هزار تحقیق را در مجلات بین المللی به نشر می‌رساند. درخود کشور مصر در دو سال آمار تحقیقات علمی آن در حدود بیشتر ۱۳ هزار تحقیق افزایش می‌یابد. به همین ترتیب آمارهای تحقیقات علمی در سایر کشورهای عربی در سال‌های اخیر افزایش فوق العاده را نسبت به گذشته نشان می‌دهد.

یکی از سوالات مطرح شده به ارتباط تحقیقات علمی در جهان امروز این است که کدام کشور در امر تحقیقات علمی در صدرکشورهای جهان قرار دارد؟ یا به عبارت دیگر کدام کشور با نشر بیشترین تحقیقات علمی در واقع رهبری تحقیقات علمی درجهان را عهده دار است؟

پاسخی واضحی که به سرعت به ذهنی بسیاری از مردم می‌رسد، ممکن است این باشد: ایالات متحده امریکا، اما واقعیت سال‌های اخیر بیانگر برخی تغییرات در این زمینه است. ایالات متحده در سال ۲۰۱۸م با نشر حدود

۴۲۲۸۰۸ مقاله، رتبه دوم را در تحقیقات علمی در جهان کسب می‌کند، این درحالی است که چین در سال ۲۰۱۸م با تولید حدود 528263 مقاله علمی در تحقیقات علمی در سطح جهان پیشتاز می‌گردد.

در یک مقایسه ساده، در سال ۲۰۰۸م ایالات متحده امریکا با نشر ۳۹۴۹۷۹ مقاله در زمینه علوم و مهندسی در مقام اول قرارداشت در حالی که در همان سال چین در حدود ۲۴۹۰۴۹ مقاله علمی داشت.

اما از لحاظ مجموع مقالات منتشر شده در سال ۲۰۱۸م، اتحادیه اروپا با نشر ۶۲۲۰۰۰ مقاله در صدر جدول قرار می‌گیرد و چین به تنهایی ۵۲۸۲۶۳ مقاله ایالات متحده امریکا ۴۲۲۸۰۸مقاله و هند ۱۳۵۷۸۸مقاله آلمان۱۰۴۳۹۶ مقاله جاپان۹۸۷۹۳ مقاله انگلستان ۹۷۶۸۱مقاله روسیه ۸۱۵۷۹ مقاله و ایتالیا۷۱۲۴۰ مقاله در مرتبه‌های بعدی قرار می گیرند(۳۲: انترنت).

در کل آمار و ارقام تحقیقات علمی نشان دهندۀ آن است که سالانه به میلیون‌ها تحقیق علمی انجام و میلیون‌ها مقاله علمی در نتیجه این تحقیقات در سطح جهان به نشر می‌رسند.

۵- نیروی بشری شاغل در بخش تحقیقات علمی

یکی دیگر از شاخص های که به اهمیت تحقیقات علمی در جهان معاصر دلالت دارد، تعداد افراد شاغل در این زمینه است. نیروی بشری شاغل در بخش تحقیقات علمی شامل محققین، کارشناسان تحقیق، کارمندان تخنیکی و کارکنان اداری و خدماتی همه را شامل می‌شود، اما هدف ما در اینجا از نیروی بشری شاغل در بخش تحقیقات علمی تنها محققین است و آمار و ارقامی که ارایه می‌گردد نیز مربوط به محققین است نه مجموع افرادی که در ادارات تحقیقاتی ایفای وظیفه می‌کنند. پیش از اینکه آمار و ارقام مربوط به محققان مورد بررسی قرار گیرد، خوب است که در آغاز به تعریف محقق نیز اشاره گردد.

بر اساس یک تعریف، «محقق فردی است که بیشتر وقت خود را صرف

پژوهش‌های علمی و فنی می‌کند و فعالیت‌های علمی پژوهشی را اجرا یا مدیریت می‌کند و دست کم مدرک کارشناسی ارشد یا معادل آن را از دوره‌های غیر دانشگاهی دارد یا به صورت معادل، تجربه عملی کافی دارد»(۱۵: ص۲۱). براساس این تعریف محقق شخصی است که به تحقیقات علمی می‌پردازد و تحقیقات علمی را مدیریت می‌کند و از لحاظ تحصیل حد اقل دارای درجه تحصیل ماستری از دانشگاه و یا معادل آن از دوره‌های غیر دانشگاهی و یاهم تجربه کافی در زمینه داشته باشد.

به هر صورت آمار یک ارزیابی علم و فن در سال ۱۳۸۵ در ایران نشان می‌دهد که در این کشور در برابر هر یک میلیون جمعیت به تعداد ۱،۲۸۲ نفر محقق مصروف تحقیقات علمی در این کشور بوده است(همان: ص۲۲). و آمار تحقیق مذکور نشان دهندهٔ آن است که از سال ۱۳۸۳- ۱۳۸۵ در مدت ۲ سال تعداد محققین در این کشور ۱۲ درصد افزایش داشته است(همان: ص۲۳). همچنان تحقیق مذکور نشان می‌دهد که بخش‌های آموزشی و تحقیقاتی به ترتیب ۴۹ و ۳۴ فیصد و در بخش صنعتی فقط ۱۷ فیصد از نیروی بشری آن ها مصروف تحقیق بوده‌اند و بر اساس تحقیق یاد شده شاغلان در بخش صنعتی صرف ۲ واحد افزایش داشته است(همان: ص۲۸). بر اساس تحقیق مذکور تنها ۲۳ درصد از شاغلان تحقیقاتی در بخش خصوصی و خصوصی غیر انتفاعی به تحقیقات علمی مصروف هستند.

یکی از شاخص‌های مهم ارزیابی نیروی انسانی در یک کشور، شاخص تعداد محققان در یک میلیون نفر جمعیت است. به هر اندازه که شاخص تعداد محققان به نسبت میلیون در یک کشور افزایش را نشان دهد، به همان اندازه بیانگر تقویت ترکیب جمعیتی کشور در تحقیق و توسعه است و توان بالقوه کشور برای پیشرفت‌های علمی و فناوری افزایش می‌یابد و شاخص توسعه انسانی کشور افزایش می‌یابد(همان: ص۳۰). در کل در کشور ایران در سال ۱۳۸۵ به تعداد ۵۸،۳۰۹ نفر محقق در این کشور مصروف تحقیق

بوده‌اند(همان: ص۳۱).

در یک تحقیق مقایسه‌یی که در سال ۲۰۰٦م بین آمار شاغلان در یک میلیون نفر در کشورهای مختلف صورت گرفته نشان می‌دهد که کشور فنلاند با داشتن ۱۱،۰٦۲ نفر در صدر قرار گرفته و جاپان با داشتن۷،۳۲۰ نفر و سنگاپور با داشتن ٦،۸۴۵ به ترتیب دوم و سوم و ایران با داشتن ۱،۲۸۲ نفر در مرحله ۱۳ قرار می‌گیرد(همان: ص۳٦). همچنان مقایسه آمار محققان در کشورهای مختلف نیز حکایت از اهمیت تحقیقات علمی در پیشرفت کشورها دارد، به طور مثال تا سال های 2006 م تعداد محققان در کشورهای پیشرفته 25000 نفر در یک میلیون و در کشورهای توسعه یافته 1000 نفر در یک میلیون در کشورهای در حال توسعه 500 نفر و در کشوها عقب مانده 200 نفر محقق در یک نفر نشان داده شده است(24: ص8). بر اساس آمار ارایه شده در مورد نیروهای بشری شاغل در عرصهٔ تحقیقات علمی نشان می‌دهد که رابطهٔ بین میزان توسعه یافتگی و تعداد محققان به نسبت یک میلیون در یک کشور بسیار معنا داراست، نسبت تعداد محققان در یک میلیون در کشورهای پیشرفته بیشتر از تعداد کشورهای کمتر توسعه یافته یا عقب مانده است.

٦- آمار و ارقام هزینه‌های تحقیقاتی کشورها

بر اساس گزارش‌ها و آمار ارقارم ارایه شده از طرف بانک‌جهانی از سال ۱۹۹٦ تا ۲۰۲۰م اوسط فیصدی هزینه‌های تحقیق و توسعه کل کشورهای جهان نسبت به تولید ناخالص کل جهان با آنکه فراز و نشیب‌های را پیموده اما در کل سیر صعودی داشته است. به طور مثال در سال ۱۹۹٦م، کل جهان ۱٫۹۸ فیصد از مجموع تولید ناخالص خویش را در عرصهٔ تحقیق و توسعه هزینه کرده بوده است، اما در سال ۱۹۹۹م، این رقم به ۲٫۰۵ می‌رسد. در سال ۲۰۰۷ دو باره سیر نزولی را پیموده به ۱٫۹۴ فیصد می‌رسد، اما در سال ۲۰۰۹ دو باره سیر صعودی را پیموده به ۲٫۰۳ می‌رسد، اما بار دیگر در سال ۲۰۱۳م بازهم سیر نزولی داشته و به ۱٫۹۹ می‌رسد، لیکن از سال ۲۰۱۳م به این طرف همواره

هزینه‌های تحقیق و توسعه کل جهان سیر صعودی را پیموده تا اینکه در سال ۲۰۲۰م به ۲,٦۳ فیصد می‌رسد(23: انترنت).

در سال ۲۰۱٦م ٪۲,۱ از کل تولید ناخالص جهان در عرصه تحقیقات علمی به مصرف می‌رسد. در همان سال مجموع هزینه‌های تمام کشورهای جهان در عرصهٔ تحقیقات علمی در حدود ۵۳٦ میلیارد دالر بوده که در کل جهان تعداد محققان در آن زمان در حدود(۳,۴) میلیون محقق نفر تخمین شده بود که در برابر هر هزار نفر نیروی کاری در سطح جهان ۱,۳ نفر به تحقیقات علمی مصروف بوده است. هزینهٔ تحقیقاتی ایالات متحده در همان سال ۱٦۸ میلیارد دالر در حدود ٪۳۲ هزینه تحقیقاتی کل جهان و بعد از آن جاپان هزینه تحقیقاتی آن در حدود ۱۳۰ میلیارد دالر تقریباً ٪۲۴ از هزینهٔ تحقیقات کل جهان و پس از آن آلمان، فرانسه، بریتانیا، ایتالیا و کانادا و در مجموع هزینه تحقیقاتی هفت کشور متذکره در حدود ۴۲۰ میلیارد دالر بوده و در مجموع این هفت کشور دو میلیون و دو صدو شصت و پنج هزار محقق داشته اند که در حدود ٪٦٦ کل محققین دنیا را در خود احتوا کرده بودند و اوسط هزینهٔ سالانه هر محقق در آن کشورها ۱۸۵هزار دالر بوده است(18: ص202). و در این میان امریکای شمالی در سال ۲۰۲۰م ۳,۳۲ فیصد از تولید ناخالص ملی خود را در بخش تحقیق و توسعه به مصرف رسانده کشور سویس با رقم ۳,۱۵ در سال ۲۰۱۹م و جمهوری کوریای جنوبی با رقم ۴,۸۱ و ایالات متحده امریکا ۳,۴۵ و کشور جاپان۳,۲٦ و سویدن با رقم ۳,۵۳ و اسرائیل با رقم ۵,۴۴ و کشور آلمان با رقم ۳,۱۴ فیصد نیز در جمله کشورهای قرار می‌گیرد که در سال ۲۰۲۰م بیشتر از ٪۳ از مجموع تولید ناخالص ملی خویش را در عرصه تحقیقات علی به مصرف رسانیده است. اما در این جدول سهم افغانستان در زمینه ٪۰ فیصد نشان داده است(23: انترنت).

چین در سال ۲۰۲۱م به مبلغ ۴۴۱ میلیارد دالر بودجه در عرصه تحقیق و توسعه اختصاص داده بود. خبرگزاری شین هوا به تاریخ ۲٦ جنوری چنین

خبری را به نشر رساند که چین در سال ۲۰۲۱م رکارد جدیدی را برای هزینه‌های تحقیق و توسعه خود را به ثبت رسانده که شامل ۲,۴۴ فیصد از تولید ناخالص کشور را در عرصه تحقیق و توسعه اختصاص داده است که نسبت به یک سال پیش از آن ۰,۰۳ فیصد افزایش داشته است. که در مجموع ۴۴۱,۱۳ میلیارد دالر امریکایی می‌رسد(33: انترنت).

بر اساس گزارش اطاق محاسبات روسیه، دولت منبع اصلی تأمین منابع مالی ٦٠ تا ۷۰ فیصد هزینه‌های علمی در روسیه است و روسیه از نظر سهم دولت در تأمین فعالیت‌های تحقیقات علمی و ابتکارات در رتبه اول در جهان قرار دارد. بودجه علمی در روسیه از ۱,۲ میلیارد دالر در سال ۲۰۰۰م به ۱۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دالر در بین سالهای ۲۰۱۸-۲۰۲۰م رسیده است، با این حال نویسندگان در این تصریح کرده‌اند که تا هنوز بخش علمی در روسیه از نظر تولید پاسخگوی نیازهای اقتصاد و جامعه روسیه نمی‌باشد(3: انترنت). به همین ترتیب هزینه تحقیقات و توسعه کشور ترکیه در سال ۲۰۱۹م در حدود ۹۳۱,۸ میلیون دالر بوده است که در حدود ٪۱,۰۳ از تولید ناخالص ملی آن کشور را تشکیل می‌دهد(4: انترنت).

یکی از معیارهای ها و شاخص های که بر اساس آن دانشگاه‌ها درجه بندی می‌شوند، میزان سرمایه گذاری آنها در عرصۀ تحقیقات علمی است، همانطوری که گستردگی توجهات سیاسی به حمایت و پیشرفت تحصیلات عالی و تحقیقات علمی نسبت به عدم آن و تنوع منابع تمویل تحقیقات علمی و چگونگی انکشاف آن در سکتور عمومی نظر به میزان هزینۀ تحقیقات علمی نسبت به بودجه ملی کشورهای گستردگی حمایت های سیاسی و عدم آن را در جهت کمک و پیشرفت تحصیلات عالی و تحقیقات را انعکاس می دهد. چنانکه در یک تحقیق علمی به ارتباط کشورهای غربی جهان عرب انجام شده به استناد جدول نشان دهندۀ میزان سرمایه گذاری این کشورها را یکی از دلایل عدم توسعه تحقیقات علمی پایین بودن میزان سرمایه گذاری این

کشورها در عرصهٔ تحقیقات علمی شمرده است. جدول میزان سرمایه گذارشی کشورهای غربی جهان عرب قرار ذیل است:

معلومات و آمار این جدول از طریق قانون بودجه سال مالی این کشورها که در ویب سایت‌های وزارت های اقتصاد و مالیهٔ این کشورها به نشر رسیده جمع آوری گردیده است:

دولت	سال مالی	مقدار هزینهٔ دولت	سکتور تحصیلات عالی	میزان فی صدی
موریتانی	۲۰۲۲م	۲,٤٥ میلیارد دالر	۱,٥٢٦٤٧٢٧۰ اوقید جدید	۱,۷۲% نسبت تحقیق علمی از آن به ۰,۹۰% نمی رسد.
المغرب	۲۰۲۲م	٥۱۹ میلیار درهم مغربی معادل ٥٥,۹۸ میلیارد دالر	۱٤ میلیارد درهم مغربی	٦۹/۲% سهم تحقیق علمی به ۱% هم نمی رسد
الجزایر	۲۰۲۲م	۷٤ میلیارد دالر	٤۰,۰٥۱ میلیارد دینار جزایری	۳,۸٦% سهم تحقیقات علمی از آن به ۱,۰۱% نمی رسد
تونس	۲۰۲۲م	۱۹,۸۹ میلیارد دالر	۲۱۰ میلیون دینار تونسی	۳,٦٦% سهم تحقیق علمی از آن به ۱,٦% نمی رسد
لیبیا	۲۰۲۱م	۱۹ میلیارد دالر	۲۱۳ میلیون دینار لیبی	۲,٤۷% نسبت تحقیقات علمی از آن به ۰,۹٥% نمی رسد

از دقت در نسبت فی صدی‌های جدول فوق واضح می گردد که هزینهٔ دولتی سکتور دولتی به صورت عام در عرصهٔ تحصیلات عالی و هزینهٔ تحقیقات علمی به صورت خاص نهایت فقیر است وکمتر از آن سطحی است که از تحقیقات علمی به حیث ابزاری در تحقق اهداف توسعه پایدار استفاده شود،

از مجموع ۱۷۱٫۳۲ میلیارد دالر بودجه تمام ۵ کشور عربی در سال ۲۰۲۲ م سهم سکتور تحصیلات عالی به صورت کل به شمول تحقیقات علمی در حدود ۱٤% فی‌صد را تشکیل می‌دهد. اگر این هزینه را با هزینه سکتور تحصیلات عالی کشورهای به اهداف بزرگ در زمینه توسعه پایدار رسیده‌اند، مقایسه نماییم، تفاوت آن نهایت زیاد است و یک درصد بسیار پایین را نشان می‌دهد، به طور مثال هزینۀ کشور جاپان در عرصۀ تحقیقات علوم و تکنولوژی در سال ۲۰۱۷م در حدود ۱۹٫۰۵ تریلیون ین جاپانی بوده است. هزینه تحقیقات آن کشور نسبت به تولید ناخالص ملی آن کشور به ۳٫٤۸ فیصد در سال مذکور بوده است. هزینۀ تحقیقات علمی شرکت ها در کشور مذکور ۱۳٫۷۹ تریلیون می رسد که ۷۰% از مجموعه کل هزینه تحقیقاتی را تشکیل می دهد در حالی هزینۀ تحقیقات اکادمیک ۳٫٦٤ تریلیون ین می‌رسد و هزینۀ تحقیقات مؤسسات عامه غیر انتفاعی ۱٫٦ تریلیون ین جاپانی می‌رسد(۳۰: ص۱۸۷).

در یک تحقیقی که به ارتباط مقایسه‌ای کشورهای در حالی توسعه و عربی با کشورهای پیشرفته در زمینۀ تحقیقات علمی و توسعه انجام شده نشان دهندۀ آن است که درکشورهای عربی در کل در آن زمان تنها نهادهای دولتی اعم از دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقی بوده‌اند که تلاش‌های شان متمرکز بر تحقیق و توسعه بوده است، نقش سکتور خصوصی در این عرصه به ویژه در فرایند تحقیق و توسعه و تمویل این بخش قابل مشاهده نبوده است، همچنان سرمایه گذاری‌های که انجام شده‌اند و در کل هزینه‌های که در تحقیق و توسعه در کشورهای عربی به مصرف می‌رسیدند کمتر از ۱٪ از تولید نا خالص ملی میزان مناسب و پذیرفته شده جهانی بوده است. این مسأله حکایت از فراهم نبودن زیر ساخت‌های لازم تحقیق و توسعه و تولیدات علمی در کشورهای عربی دارد. در آن زمان در توصیف وضعیت تحقیقات علمی و توسعه در کشورهای پیشرفته ابراز نظر می‌نماید که این کشورها دریافته‌اند که کامیابی، سربلندی و عظمت کشورها و برتری آنها به ظرفیت علمی، فکری و رفتاری فرزندان آن‌ها وابسته

است. در آن زمان هزینه‌های ایالات متحده، جاپان، چین، مالیزیا و اتحادیه اروپا در عرصهٔ تحقیقات علمی در حدود ۴۱۷ میلیارد دالر سنجیده شده است، چیزی بیشتر از ۳ بر ۴ کل هزینه‌های تمام کشورهای جهان در عرصه تحقیقات علمی آن زمان بوده است(۱۸: ص۱۹۹).

در کنار دولت‌ها و نهادهای تحقیقات در عرصهٔ تحقیقات علمی هزینه می‌کنند، برخی از شرکت‌های تولیدی و تجارتی نیز در این زمینه سرمایه گذاری می‌نمایند. در ادامه مطالبی هزینه‌های تحقیقاتی برخی از این شرکت‌ها را یاد آور می‌شویم.

شرکت‌های که بیشترین هزینه را در سال ۲۰۲۰م در عرصهٔ تحقیقات به مصرف رسانیده‌اند: در سال ۲۰۲۰م شرکت امازون لقب بزرگترین شرکت از لحاظ سرمایه گذاری در عرصهٔ تحقیق و توسعه را از آن خود نمود که در در حدود ٤۳ میلیارد دالر در حدود ۱۱% از کل درآمد خود را در عرصهٔ تحقیقات علمی به مصرف رسانیده است. به همین ترتیب شرکت الفابیت و هواوی هرکدام به ترتیب ۲۷,٦ و ۲۲ میلیارد دالر و هرکدام به ترتیب در حدود ۱۵ و ۱٦ فیصد و مایکروسافت ۱۹,۳ در حدود ۱۳ فیصد اپل ۱۸,۸ میلیارد دالر در حدود ٪۷ و سمسونگ با ۱۸,۸ ملیارد دالر ٪۹ از درآمد خود را در عرصهٔ تحقیق و توسعه به مصرف رسانده‌اند. شرکت میتا در حدود ۱۸,۵ میلیارد دالر در حدود ٪۲۱ فیصد از درآمد خود را در تحقیق و توسعه هزینه کرده بودند.

به همین ترتیب کشورهای که بیشترین مصارف در عرصه تحقیقات علمی هزینه کرده بودند عبارت اند از : ایالات متحده امریکا با سرمایه ٦٥٦ میلیارد دالر در حدود ٪۲۷ هزینه تحقیقات کل جهان را به مصرف رسانیده و چین با سرمایهٔ ٥۲٦ میلیارد دالر ٪۲۲ از هزینه کل تحقیقاتی جهانی را تشکیل می‌دهد که در سال ۲۰۱۹م در صدر کشورهای جهان از نظر مصرف در عرصهٔ تحقیقات علمی قرار گرفته اند(34: انترنت).

به این ترتیب ملاحظه می‌گردد که دولت‌ها، نهادها و شرکت‌ها به تحقیقات

علمی اهمیت خاص قایل‌اند و بر اساس این اهمیت مبالغ هنگفتی را در زمینه هزینه می‌نمایند.

۷- نقش تحقیقات علمی در تولید علم و ارتقای ظرفیت علمی جامعه علمی

ارزش تحقیقات علمی در واقع از طریق افکار، اندیشه ها، آراء و نظریات، داده ها و اطلاعاتی آشکار می‌گردد که در خدمت جامعه و دولت قرارگرفته و منجر به تولید یا ایجاد محصول جدید یا بهبود کیفیت یک محصول خاص در مؤسسات صنعتی اعم از سکتور دولتی و خصوصی می‌گردد. یا اینکه تحقیق سبب تولید و افزایش دانش و اطلاعات جدید به ارتباط پدیده‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود که به مقامات اجرایی و تصمیم گیرنده در اجراآت عملی سنجیده شده‌ای کمک می‌کند که در دستیابی به نرخ بالای از شاخص‌های توسعهٔ پایدار یاری می‌رساند(۲۰: ص۱).

به باور حمید عمار متفکر عرب، «ما در زمانی زندگی می‌کنیم -هر نامی که داشته باشد- که در آن عناصر بقاء و برتری با قدرت سلاح و یا داشتن ثروت تعیین نمی‌شود، بلکه با در اختیار داشتن کلیدهای دانش، توانایی تولید دانش و قدرت تولید سرمایه تعیین می‌گردد، بدون تردید که دانش به قدرت تبدیل شده و امروز دانش قدرت است و معیار پیشرفت واقعی در پایداری و رسیدن به خود کفایی با توجه به معیار رشد تولید ناخالص داخلی نیست که از نظر اقتصادی دنبال می‌شود، بلکه معیار اساسی برتری و تمایز کشورها در تحقیق، یا ذخایر ملی دانش و رشد آن، شناخته می‌شود.»(٦: انترنت)

در کل تحقیقات علمی اهدافی را دنبال می‌کند که در نهایت هدف غایی و نهایی آن ایفای نقش در تولید و انکشاف علم و دانش بوده و رشد و انکشاف اقتصادی و فرهنگی را در پی دارد.

برخی از نویسندگان اهمیت تحقیقات علمی برای جامعه را در اهداف آتی تحقیقات علمی برجسته ساخته‌اند:

۱- استفاده از تحقیقات علمی در مسایل انکشافی.
۲- احراز صلاحیت کادرهای محلی از لحاظ عملی به حیث محققان و معاونان محقق.
۳- جذب محققان نخبه از طریق بالا بردن شهرت جهانی دانشگاه‌ها.
٤- جذب منابع مالی خارجی برای تحقیقات از طریق قابلیت‌های تحقیقات بازاریابی.
٥- ایجاد پل‌های همکاری با نهادهای داخلی و بین المللی در قالب قرارداد، مشاورۀ تحقیقاتی و خدمات هنری(۲۰: ص٤).

همانطوری که ثابت شده است، سرمایه گذاری در تحقیقات علمی یکی از مؤفقترین انواع سرمایه گذاری و دارای بالاترین بازده است. یکی از مطالعات اقتصادی اخیر نشان می‌دهد که سودآوری تحقیقات علمی بسیار زیاد است و اهمیت سرمایه گذاری در تحقیقات علمی کمتر از سرمایه گذاری در هیچ زمینه‌ای دیگری نیست.

علم و دانش و نوآوری‌های آن به عنصر اساسی در حمایت از اقتصاد ملی تبدیل شده است، زیرا میزان توسعۀ فنی حاصل از تحقیقات علمی کاربردی در رشد محصول ملی و بهبود استاندرد زندگی بین ٦۰ تا ۸۰ فیصد در حال تغییر است و این فیصدی زیادی است که بازده آن برابر بازده سایر عناصر سرمایه گذاری تخمین می‌گردد(همان: ص٥). در جهان امروز فناوری و تکنولوژی با ارزش‌ترین کالای است که کشورها تلاش دارند که از طریق فروش‌آن بیشترین درآمد را از آن خود نمایند. تولید علمی به مفهوم ارایه دانش و یافته‌های جدید اعم از نظری و عملی است که قبلاً در متون علمی گذارش نشده باشد و فنآوری عبارت از به کار گیری علم و دانش در جهت تولید محصول می‌باشد، به همین دلیل دانشی که به فن آوری تبدیل شود زمینه را برای هزینه نمودن مراکز صنعتی و حتا دولت‌ها در خصوص توسعه آن فراهم می‌نماید(١٦: ص۳۲).

از توضیحات فوق به خوبی واضح می‌گردد که تولید دانش بستر مناسب فناوری را فراهم می‌نماید، زیرا تا دانشی تولید نگردد فناوری شکل نمی‌گیرد و تا فنآوری به کار نیافتد محصولی تولید نمی‌شود و تا محصولی تولید نشود رشد اقتصادی و خود کفایی به میان نمی‌آید. لذا گفته می‌شود که کشوری می‌تواند در زمینهٔ اقتصادی به خود کفایی برسد که در زمینهٔ تولید اطلاعات خود کفا باشد و قادر به تهیه اطلاعات لازم و ضروری برای تمام زیر ساخت‌های اقتصادی، اجتماعی، دولتی و آموزشی باشد(همان).

در کل از مجموع توضیحات ارایه شده می‌توان درک نمود که نقش تحقیقات علمی بسیار برجسته و مهم است؛ زیرا تحقیقات علمی در واقع همان منبع اساسی در تولید علم است و بر اساس تحقیقات علمی است که دیتا یا معلومات از طرق مختلف جمع آوری و مورد تحلیل و تجزیه قرار گرفته و به دانش تبدیل می‌شود. بنابرآن تا تحقیق صورت نگیرد دانش تولید نمی‌شود و تا دانش تولید نگردد نمی‌توان انتظار حل پرابلم های علمی، اجتماعی و اقتصادی و غیره را به گونهٔ اساسی داشته باشیم.

در زمان حاضر علاقه‌مندی، اهتمام و توجه به تحقیقات علمی اقبال عام یافته و گرایش عمومی را شکل داده و کشورهای پیشرفته در مقیاس گسترده از آن استفاده نموده و به آن می‌پردازند؛ کشورهای در حال انکشاف نیز سعی می‌کنند برای رویاروی با مشکلات خود و پاسخگویی به آنها در زمینه‌های مختلف و برای پیشرفت و انکشاف اوضاع اقتصادی و اجتماعی به تحقیقات علمی متوسل شوند. علاقه فزاینده به تحقیقات علمی، بر اساس اینکه انسان منبع قدرت و پیشرفت در هر جامعه است و تعلیم و تربیه عبارت از کاربرد اساسی برای دستیابی به قدرت ذاتی و شخصی همه افراد جامعه است و اینکه تحقیق علمی همان وسیله‌ای مهم برای آموزش و بهبود روش‌های آن است، پیشرفت و ترقی آیندهٔ تعلیم و تربیه و مقابله با مقتضیات متعددی که بر آن تحمیل می‌گردد، به عنوان بخش از این اقبال و گرایش عمومی به تحقیقات

علمی و تعبیری از آن ارایه گردیده است(۱۹: ص۲۱). از مجموع بررسی‌های فوق به خوبی واضح گردید که نقش تحقیقات علمی در تولید علم و دانش و در نتیجه رشد و انکشاف فناوری و پیشرفت اقتصادی نهایت مهم است و بدون تحقیقات دانش لازم در یک جامعه تولید نگردیده و انکشاف علمی و اقتصادی نیز به وجود نخواهد آمد.

۸- نقش تحقیقات علمی در حل مسایل در زمینه‌های مختلف

اهمیت مطالعه و تحقیق دقیقاً وابسته به نقش فعال تحقیقات علمی در یافتن راه حل‌ها و پیشنهادهای مناسب برای حل بسیاری از مشکلاتی است که جامعه از آن رنج می برد. همچنان نقش تحقیقات علمی در تسریع گام‌های رشد و توسعۀ اقتصادی و اجتماعی کشورها بسیار برجسته است به شرط آن که نیازهای اساسی و لازم برای اجرای تحقیقات علمی فراهم باشد.

به ارتباط اهمیت تحقیقات علمی در حل مسایل مختلف این نکته قابل تذکر است که مدیریت سالم جامعه وابسته به سیاستی است که از طرف رهبران در جامعه اعمال می‌شود، «سیاست‌ها تابع اصول و مبادی علمی می‌باشند و بی شک، استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام تحقیقات علمی و بهره‌مندی از نتایج آن‌ها است. از این منظر پیشگامان عرصۀ علم و پژوهش، رهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی محسوب می‌شوند و نمی‌توان آیندۀ درخشانی را بدون توجه به این حوزه در نظر داشت»(۱۵: ص١٤)

با توجه به توضیحات فوق می‌توان گفت که نتیجۀ تحقیقات علمی در فرایند طبیعی به تصامیم سیاسی و اجرایی مملکت تبدیل و در حل مسایل مختلف نقش ایفاء می‌نماید.

هم چنان از تعریف تحقیق علمی نیز می دانیم که حل مسأله یا یک مشکل یکی از ارکان اساسی تحقیق علمی است که تحقیق علمی در محور آن چرخیده و در واقع به حل آن می‌پردازد. و به نسبت اینکه هر تحقیق علمی

دارای یک مسأله یا یک مشکلی است که باید به آن پرداخته شود، مسأله یا مشکل تحقیق علمی در واقع عامل اصلی است که افکار علمی تحقیق از آن نشأت می‌کند، زیرا لازم است که مسألهٔ تحقیق دقیقاً بر اساس جمع آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات مشخص کنندهٔ پدیدهٔ مورد مطالعه و بررسی کلیهٔ حقایق مرتبط با آن و سازماندهی آن به نحوی که به صورت واضح کمبود یا شگافی که پدیده مورد نظر از آن رنج می برد، تعریف شود تا به عنوان یک مشکل برای مطالعه تشخیص داده شود(۲۰: ص٤). با توجه به توضیحات فوق اهمیت تحقیق در حل مشکلات و یا مسایل اجتماعی از طریق تحقیقات علمی آنقدر برجسته است که تحقیقات علمی اساساً برای ارایه راه حل به مشکلاتی است که در اصل انگیزه تحقیق را تشکیل و محرک اصلی انجام تحقیقات علمی است. مسأله یا مشکلی که تحقیق باید به آن بپردازد، رکن تحقیق است، تحقیق از مشکل و مسأله آغاز می‌شود، لذا اهمیت تحقیقات در حل مشکلات جامعه بسیار مهم است و هرجامعه‌ای که بخواهد مشکلاتش را به صورت بنیادی و اساسی حل کند، باید آن مشکلات را از طریق تحقیقات علمی حل و راه حل اساسی آنرا از طریق تحقیقات علمی ریشه یابی و جستجو کند.

دلیل دیگر بر اینکه نقش تحقیقات علمی در حل مشکلات جامعه بسیار برجسته است، اهداف تحقیق است، تحقیقات علمی با توجه به دیدگاها نظری و علمی دارای انگیزه ها و اهداف غایی مشخصی است که از مشکل تحقیق منشأ می‌گیرد، تحقیقات علمی در واقع همان راه حل‌ها مطرح برای مسألهٔ تحقیق را انعکاس می دهد و این راه حل‌ها همان مقاصد و اهداف نهایی است که تحقیقات علمی برای رسیدن به آن تلاش می ورزد. به این ترتیب اهداف تحقیق بخش جدایی ناپذیر از ارکان و عناصر اساسی تحقیق است از جمله مسأله و فرضیهٔ تحقیق است که در محور عنوان تحقیق می چرخد، زیرا هدف تحقیق آواز رسای عنوان تحقیق است.

تحقیق علمی به هدف دستیابی به راه حل مشکلات حال و آیندهٔ جامعه در

همه عرصه‌های مختلف زندگی و ابداع روش‌ها و ابزارهای جدیدی است که کار افراد جامعه را از طریق پیشرفت‌های علمی و تخنیکی تسهیل می‌کند، بنابرآن توانای دولت در زمینه‌های مختلف تحقیقات علمی و به کارگیری نتایج آن‌ها را می‌توان ملاک پیشرفت اقتصادی و رفاه اجتماعی آن قرارد داد، بگونه‌ای که اهتمام و توجه به تحقیقات علمی و ابزارهای تولید دانش به یکی از ویژگی‌های دولت‌های پیشرفته و توسعه یافته تبدیل گردیده است، زیرا پیشرفت تخنیکی و نوع آوری از مهم‌ترین عوامل رشد اقتصادی و استندرد بالای سطح زندگی است و حدود نیمی از نرخ رشد درآمد سرانه در کشورهای پیشرفته صنعتی را شامل می‌شود و پیشرفت سریع در علوم و فناوری با نوآوری‌ها و اختراعات بیشتری که به بخشی جدایی ناپذیر از هر فرایند تولید تبدیل شده، انجام می‌شود(همان).

از مجموع نقش آفرینی‌های تحقیقات علمی در عرصه‌های مختلف اجتماعی می‌توان به خوبی درک نمود که اهمیت تحقیقات علمی در جهان معاصر از آن جهت برجسته است که تحقیقات علمی یکی از ابزارهای اساسی در حل مشکلات عرصه های مختلف جامعه است.

۹- نقش تحقیقات علمی در جهان معاصر در انکشاف و ترقی کشورها

یکی دیگر از فکتورهای که اهمیت تحقیقات علمی در جهان معاصر را برجسته می‌سازد همانا نقشی است که تحقیقات علمی در انکشاف و پیشرفت و ترقی کشورها ایفاء می‌نماید.

امروزه علوم و فناوری نقش و اهمیت روزافزونی در توسعه جوامع بشری داشته و جهان به سمت اقتصاد مبتنی بر دانش به پیش می‌رود. توسعهٔ پایدار و همه جانبه بیشتر مبتنی بر توسعهٔ فناوری است و توسعه فناوری نیز بر پایهٔ خلاقیت و نوآوری و توسعه علمی انجام می شود و دستیابی به توسعهٔ علمی نیز از طریق مطالعه و پژوهش میسر می گردد(۱٤: انترنت). همچنان این یک مسأله مبرهن است که تحقیقات علمی رکن اساسی رشد، توسعه و پیشرفت اقتصادی است و

مجموعۀ از عناصر مهم در تبلور افکار علمی و انتقال آن به عرصۀ عمل را دنبال می‌کند، زیرا تحقیقات علمی استوار و پایدار که نظریات علمی کاربردی عرصه‌های مختلف زندگی را منسجم و چکیده آن‌ها را به نفع مادی و معنوی جامعه استخراج می‌کند، همانا مقصد نهایی است که عقل و خرد بشری که الله عز و جل برای انسان ارزانی فرموده، برای آن مسخر گردیده است(24: ص8).

در جهان معاصر فعالیت مربوط به تحقیقات علمی و توسعه به ویژه در کشورهای صنعتی از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است به ویژه در عرصۀ پیشرفت تکنولوژی، زیرا تحقیقات علمی وسیلۀ اساسی توسعۀ دانشی مربوط به تکنولوژیی است، حتا نوآوری این عرصه وابسته به تحقیقات علمی است و از همین جهت است که سرمایه گذاری هنگفت در این عرصه صورت می‌گیرد و نیروی بشری زیادی به این زمینه سوق داده می‌شوند(13: ص6). تحقیقات علمی در پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و حتا سیاسی و نظامی تأثیر گذار است، توسعه و تکامل آن به صورت مؤثر در بلند بردن منزلت و اهمیت تحقیق علمی کمک می‌کند و مجموعه از گزینه‌ها را برای ارتقاء و در نتیجه عملی ساختن آن‌ها فراهم می‌سازد، زیرا تحقیقات علمی در زمینه‌های گوناگون تخصصی و روش‌های انجام آن جزء مهمی از مؤلفه‌ها توسعه همه جانبه است که بر آن تأثیر می‌گذارد و از آن تأثیر می‌پذیرد. همچنان تحقیقات علمی در مقام یکی از اولویت‌های بسیار مهم در پیشرفت جامعه قرار می‌گیرد و برای نیل به این هدف چارۀ جز آن نیست که این تحقیقات باید به مجموعه ابزارهای اعتماد کند که خود در عین زمان نیازهای اساسی برای برنامه ریزی و تنظیم فعالیت نهادهای رهبری کننده این تحقیقات به ویژه دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقی و مطالعاتی تابع آنها را تشکیل می‌دهد، زیرا نتیجه‌ای این تحقیقات است که به تصامیم و پلان‌های قابل تطبیق در سکتورها و فعالیت های اقتصادی تبدیل می شوند(20: ص2). بنابرآن تحقیقات علمی در رشد و ترقی کشور از آن جهت بسیار برجسته است که تحقیقات علمی هستۀ اساسی حرکت

به سمت رشد اقتصادی را تشکیل می‌دهد.

این تحقیقات علمی است که دانش لازم در عرصه‌های مختلف زندگی و سکتورهای مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را تولید می کند، این دانش تولید شده و نتایج تحقیقات علمی در یک فرایند طبیعی به تصامیم و برنامه‌ها در سکتورهای مختلف اقتصادی و غیره تبدیل و عملی شدن این برنامه هاست که به پیشرفت اقتصادی می‌انجامد. هرگاه تحقیقات علمی انجام نشود و به وسیلۀ تحقیقات علمی راه حل مشکلات ارایه نگردد و به وسیله تحقیقات علمی دانش بومی مناسب به شرایط زمان و مکان یک جامعه تولید نگردد، برنامه های مناسب پلان نخواهد شد و تصامیم مناسب گرفته نخواهد شد و در نتیجه هیچ پیشرفتی متحقق نخواهد شد.

همچنان برخی از اندیشمندان اجرای تحقیقات و ارایۀ مقالات علمی را از جمله نشانه‌های اعتلای هر فعالیتی در سطح جهان و یکی از عوامل توسعه محسوب کرده‌اند و از فرایندهای اجرای تحقیقات به عنوان عامل تصمیم ساز یاد کرده و از این جهت هر اندازه که تحقیقات علمی از جامعیت، دقت و سرعت بیشتری برخوردار باشد، خروجی مناسبتری را در پی خواهد داشت.

همچنان برای درک بیشتر و بهتری اهمیت تحقیق با توجه به رویکردهای آتی باید به مسأله نگاه شود که جایگاه و اهمیت تحقیق را برجسته می سازد: رویکرد اول اقتصادی است، تحقیقات نشان داده است که به ازای هر واحد پولی که در تحقیق سرمایه گذاری می شود معادل 30 واحد سود به دست می‌آید. رویکرد دوم امنیتی است، تهیه و به کار گیری فن آوری‌های هوشمند در دفاع از امنیت و استقلال کشور تنها از راه تحقیق و توسعه ممکن است و بس. رویکرد سوم فرهنگی است، مراکز و نهادهای تحقیقات علمی از جمله خاستگاه‌های فرهنگی بالنده و متعالی به شمار می روند(24: ص8). از مجموع بررسی‌های فوق دقیقاً این مطلب استنتاج شده می‌تواند که اهمیت تحقیق در پیشرفت و ترقی کشورها بسیار برجسته است تا جایی که اساس توسعه و هستۀ

بنیادین آن را انکشاف علمی و تحقیقات علمی تشکیل داده و بدون آن رسیدن به انکشاف و ترقی واقعی یک کشور ممکن نمی‌باشد.

۱۰- جایگاه کنونی تحقیقات علمی در افغانستان

پایین بودن سطح تحقیقات علمی و تعداد محققان، کمبود و یا حتا نبود بودجهٔ تحقیقاتی در کشور از مشکلات اساسی جامعهٔ علمی افغانستان است که با اندک مشاهدهٔ در وضعیت پوهنتون‌ها، مراکز علمی و نهادهای رهبری کننده تحقیقات علمی می‌توان درک نمود، زیرا کتاب‌های که در بازار نشر کتاب در اختیار مردم قرار می‌گیرد بی‌نهایت اندک و حتا در حد صفر است. با آنکه از لحاظ تعداد، پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی اعم از دولتی و غیر دولتی ارقام قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهند که از لحاظ داشتن تعداد اعضای کادر و رتب علمی و معیارهای اکادمیک ظاهراً چشم گیر است، اما وقتی بازار کتاب افغانستان را از نزدیک مشاهد نمایی کمتر نام نهادهای اکادمیک و تحقیقی افغانستان به مشاهده می‌رسد، حتا در مجموع ذخایر علمی که در طی دهه‌های متمادی در افغانستان به نشر رسیده است، بسیار اندک است.

در یک مثال واقعی تلاش می‌گردد که تصویر واقعی از وضعیت کنونی تحقیقات علمی در افغانستان ارایه گردد. با بررسی ویب‌سایت وزارت تحصیلات عالی تصویر واقعی تحقیقات علمی قابل مشاهده است. در مجموع لست مجله‌های علمی ثبت شده در این ویب سایت نشان می‌دهد که در کل افغانستان در حدود ۲۵ مجلهٔ علمی در ریاست تحقیق، تألیف و ترجمه به ثبت رسیده است(۲۵: انترنت). همچنان مجموعه مقالات تحقیقی که در لحظه نگارش این سطور در وبسایت وزارت تحصیلات عالی اعم از مقالات منتشره در مجله‌های علمی ملی و مجله های بین المللی به ثبت رسیده در حدود ۱۱۵۱۴ مقاله است(۲۶: انترنت). در مجموع لیست آثار علمی غیر ترفیعی که تا کنون در ویب سایت وزارت تحصیلات به ثبت رسیده رقم ۵۷۶ را نشان می دهد(۲۷: انترنت). درحالی که مجموع تعداد اعضای کادر علمی مجموع پوهنتون‌های

دولتی در حدود ٦٦١١ تن در ویب سایت مذکور به ثت رسیده است(۲۸: انترنت). و در مجموع ۵۳۵۱ جلد تیزس ماستری و دکتورا از اعضای کادر علمی در ویب سایت این وزارت ثبت گردیده است(۲۹: انترنت). این آمار و ارقام ارایه نتیجهٔ سال‌ها تلاش این وزارت با تمام پوهنتون‌های کشور است. این آمار و ارقام به نسبت یک کشور ٤٠ میلیونی که حد اقل در هر ولایت آن یک مؤسسهٔ تحصیلات و یا یک پوهنتون دولتی فعال است نهایت ناچیز و اندک است. در ضمن یکی از دانشگاه‌های کشور همسایه را با مجموع این آمار به مقایسه گرفته می‌شود.

دانشگاه فردوسی مشهد که یکی دانشگاه‌های شهر مشهد است، ۱۱۰۹ تن عضو کادر علمی دارد۷: انترنت). دانشگاه فردوسی مشهد در حدود ۵۱ نشریه علمی به زبان‌های انگلیسی و فارسی را به نشر می‌رساند(۸: انترنت). به طور مثال یکی از این مجله‌های علمی این دانشگاه که برای اولین بار در سال ۱۳۸٦ به نشر آغاز کرده به تعداد ۳۳۷ مقالهٔ علمی را پذیرفته و تعداد ۱۱٦٠ مقاله را رد کرده است(۸: انترنت). حال اگر رقم ۳۷۷ را ضرب ۵۱ نماییم رقم نزدیک به ۲۰ هزار مقاله علمی را نشان می‌دهد، این درحالی که مجله یاد شده به صورت تصادفی انتخاب شده که دارای سابقه در حدود ۱۵ ساله است، ولی مجموع مقالات مجله‌های علمی دارای سابقه ۵۰ سال و صد سال قطعاً قابل مقایسه با مجله‌های علمی ما نیست. بنابرآن برای درک تصویر واقعی وضعیت کنونی تحقیقات علمی افغانستان نیاز به تحقیق نیست، کافی است که به یک کتاب فروشی داخل شوید و ببینید به استثنای کتاب‌های درسی چند کتاب یا چند مجله علمی تخصصی را به دست آورده می‌توانید. این امر بیانگر آن است که یا تحقیقاتی علمی انجام نشده و مجلات علمی منتشر نشده‌اند و یا در اختیار جامعه قرار نگرفته‌اند، هرگاه نتیجهٔ تحقیقات علمی به نشر نرسد و در اختیار همگان قرار نگیرد و بر افکار عمومی جامعه اثر نداشته باشد و حاصل آن به پلان‌ها و تصامیم افراد جامعه و ادارات اجرایی و سکتوری تبدیل نگردد،

آندسته از تحقیقات از جملهٔ تحقیقات عقیم بوده و جز در ترفیعات علمی و اندکی در ظرفیت سازی اعضای کادر علمی دیگر تأثیری در انکشاف جامعه نخواهد داشت.

به هر صورت همانگونه که تحقیقات علمی در انکشاف علمی و ترقی کشورها، حل مسایل و مشکلات جامعه و تولید علم و دانش و پیشرفت و ترقی در سایر کشورها نقش ایفاء کرده است، در افغانستان نیز می‌تواند ایفاء کند؛ زیرا آنگونه که در مقولهٔ منسوب به کانت آمده است:«تجربه (عمل) کردن، بدون بهره گیری از نظریه کور است و نظریه پردازی بدون اتکاء بر تجربه تنها یک بازی ذهنی است»(۵: ص پنج)، برداشتن گام‌های عملی در عرصه‌های انکشافی بدون بهره گیری از نتایج تحقیقات علمی حرکتی کورکورانه خواهد بود و در نهایت آنگونه که تجربه نشان داده به سر منزل مقصود نمی‌رسد، به همین ترتیب تحقیقات علمی توسعوی بدون در نظرگرفتن واقعیت‌های عینی کشور نیز منتج به پیشرفت نخواهد گردید. بنابرآن نیاز است که به صورت مشخص بالای مشکلات عینی افغانستان تحقیقات علمی همه جانبه صورت گرفته و ادارات علمی و سکتوری در همکاری نزدیک به هم فعالیت نمایند.

۱۱- نتیجه گیری

از بررسی‌های انجام شده به نتایج آتی دست یافته‌ایم:

1- تحقیقات علمی دارای سابقه بسیار طولانی است که علماء و دانشمند از دوران باستان شروع تا زمان حاضر نظر به شرایط، ظروف، نیازها و معیارهای زمان خود به تحقیقات علمی پرداخته و در تولید دانش، حل مسایل اجتماعی و علمی، رفع مایحتاج جوامع خود و توسعه و انشکاف آن نقش ایفاء نموده‌اند.

2- ملت‌ها و جوامع انسانی به مرور زمان به اهمیت روز افزون تحقیقات علمی پی برده و به این درک رسیدند که دانش عنصر نهایت اساسی در پیشرفت، ترقی، استفاده از امکانات و منابع طبیعت و بهبود ابزارها و تسهیلات زندگی است. بنابرآن توجه به تحقیقات علمی نیز با گذشت زمان افزایش می‌یابد.

3- در تاریخ تحقیقات علمی و تحولات دانش در سطح جهان مسلمانان نقش مهمی را ایفاء کرده‌اند. مسلمانان حلقهٔ وصلی میان تمدن‌های باستانی و عصر بیداری و تمدن جدید بشریت بوده و به صورت مستمر و دوامدار دانشمندان مسلمانان در پخش و نشر علم و دانش نقش داشته‌اند. حتا در موارد زیادی بنیان‌گذار علوم جدید بوده‌اند. این میراث تمدنی مسلمانان بوده است که پس از انتقال به اروپا منتج به عصر بیداری و روشنگری در اروپا می‌گردد. نکتهٔ بسیار مهم در این زمینه آن است که غربی‌ها در کل بخش از علوم و دانش مسلمانان را پس از اخذ به خود انتساب نموده حقوق معنوی دانشمندان مسلمان را رعایت نکردند. همچنان بخش عظیمی از میراث فرهنگی و تمدنی مسلمانان به دلایل مختلف تا هنوز معرفی نگردیده است، تا بیشتر از پیش نقش مسلمانان در ترویج تحقیقات علمی و تولید دانش برجسته گردد.

4- در جهان معاصر یا زمان حاضر هزاران نهاد و دانشگاه دولتی و خصوصی موجود است که به تحقیقات علمی می‌پردازند، حتا در این عرصه رقابت بسیار شدید در عرصهٔ جهانی میان این نهادها وجود دارد که سالانه در این رقابت‌ها هزاران نهاد و دانشگاه اعم از دولتی و خصوصی اشتراک نموده و از طرف برخی نهادهای معتبر بین المللی درجه بندی می‌شوند. نهادهای اعتباردهی دانشگاه‌ها و نهادهای تحقیقاتی با توجه به معیارهای مختلف آنها را علم سنجی نموده و آنعده از دانشگاه و نهادهای تحقیقاتی در اعتبار دهی آنها شامل می‌شود که حد اقل معیارهای شمول در اعتباردهی آنها را حاصل نموده باشند. موجودیت تعداد قابل توجه از نهادهای تحقیقاتی و دانشگاها که به تحقیقات علمی می‌پردازند خود بیانگر اهمیت تحقیقات علمی در جهان معاصر است، زیرا همین نهادهای تحقیقاتی در سطح جهان است که اجرای تحقیقات علمی، سازماندهی و انسجام آنرا بر عهده دارند. افزایش روز افزون نهادهای علمی و تحقیقاتی در یک کشور خود بیانگرافزایش توجه آن کشور به تحقیقات علمی و افزایش اهمیت تحقیقات علمی در آن کشور است.

5- افزایش سالانۀ نشر تحقیقات علمی در زمان حاضر از طرف کشورها نیز بیانگر اهمیت روز افزون تحقیقات علمی در زمان حاضر است. به طور مثال تعداد تحقیقات علمی منتشر شده در تمام کشورهای عربی در سال 1995م با آنکه نسبت به گذشته سیر صعودی داشته، به شش هزار تحقیق می‌رسد، اما در سال 2019م تنها کشور مصر در حدود 25 هزار تحقیقات علمی در مجلات معتبر بین المللی به نشر رسیده است و در سال 2021م تنها دو سال بعد تعداد تحقیقات علمی کشور مصر در عرصۀ بین المللی به 38798 تحقیق علمی نشر شده می‌رسد. به همین منوال کشور چین در سال 2008م در حدود 249049 مقالۀ علمی را به نشر رسانده است، در حالی که در سال 2018م چین به تنهایی 528263 مقالۀ علمی را به نشر می‌رساند و از ایالات متحده امریکا پیشی می گیرد. به همین ترتیب اتحادیه اروپا 622000 مقالۀ علمی را به نشر می‌رساند. در کل آمار تعداد تحقیقات علمی منتشر شده از طرف کشورها در سال‌های اخیر نشان دهندۀ آن است که توجه به تحقیقات علمی به صورت قابل توجهی افزایش یافته است. افزایش توجه به تحقیقات علمی بیانگر آن است که با گذشت سال‌ها اهمیت تحقیقات علمی همچنان سیر صعودی داشته و کشورها بیشتر از هر زمان دیگر به تحقیقات علمی اهمیت می‌دهند.

6- تعداد محققان یا افراد شاغل به تحقیقات علمی در سطح جهان امر دیگری است که بر اهمیت تحقیقات علمی دلالت می‌نماید. امروز یکی از شاخص‌های که بر اساس آن پیشرفت‌های علمی و فناوری کشورها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد شاخص تعداد محققان کشورهاست که در عرصۀ تحقیقات علمی مصروف هستند. در یک آمار ارایه شده در سال 2006م میلادی نشان می‌دهد که تعداد محققان در کشورهای پیشرفته بیشتر از کشورهای توسعه یافته، در حال توسعه و یا عقب مانده است، به هراندازه که یک کشور پیشرفته باشد به همان اندازه تعداد محققان در آن کشور بیشتر است. به طور مثال در سال یاد شده تعداد محققان در کشورهای پیشرفته 25000 محقق در یک میلیون نفر

بوده و در کشورهای توسعه یافته 1000 نفر در یک میلیون و در کشورهای در حال توسعه 500 نفر محقق در یک میلیون و در کشورهای عقب مانده 200 نفر محقق در یک میلیون بوده است. در یک آمار ارایه شده در سال ۲۰۱۶م نشان می‌دهد که در کل ۳,۴ میلیون نفر محقق در کل جهان تخمین شده که در برابر هر هزار نفر نیروی کار کل جهان ۱,۳ نفر به تحقیقات علمی مصروف بوده‌اند.

7- هزینه‌های تحقیقاتی کشورهای از مهمترین فکتورهای تعیین کنندۀ اهمیت و توجه کشورها به تحقیقات علمی است. اوسط فیصدی هزینه تحقیقاتی کل جهان نسبت به تولید ناخالص آن در سال 2020م بر اساس گزارش بانک جهانی به 2.63% بوده است، در حالی که این فیصدی در سال 1996م 1.98% و کمتر از 2% بوده است و در سال ۲۰۱۶م هزینه تمام کشورهای جهان در حدود ۵۳٦ میلیار دالر بوده در حالی که در سال2019 هزینۀ تحقیقات ایالات متحده امریکا به تنهایی به 656 میلیارد دالر و در سال ۲۰۲۱م تنها هزینه تحقیقات علمی چین به 441.13 میلیارد دالر می رسد. به همین ترتیب هزینۀ تحقیقات علمی برخی از شرکت های غربی نشان می دهد که اهمیت تحقیقات علمی در کشورهای پیشرفته بی‌نهایت زیاد است. به طور مثال در کشور جاپان هزینۀ تحقیقات علمی آن کشور در سال 2017م در حدود 19.05 تریلیون ین چاپانی بوده که از جمله 70 فیصد آن مربوط به شرکت‌ها و سکتور خصوصی بوده است. به همین ترتیب در یک آمار ارایه شده در سال 2020 م هزینۀ تحقیقاتی شرکت امازون 43 میلیارد دالر، الفابیت 27.6 میلیارد، هواوی 22 میلیارد، مایکروسافت 19.3 میلیارد، اپل 18.8 میلیارد دالر و سامسونگ 18.8 میلیارد دالر بوده است. این ارقام خود از اهمیت تحقیقات علمی در جهان معاصر حرف می‌زنند.

8- نقش تحقیقات علمی در تولید علم و دانش و ارتقای ظرفیت علمی جامعه علمی یکی دیگر از فکتورهای اساسی است که اهمیت تحقیقات علمی را برجسته می‌سازد. آنچه که در جهان معاصر بیشتر از هرچیز دیگر اهمیت

تحقیقات علمی را بلند برده است، وابسته به همان نقش تحقیقات علمی در زمینۀ تولید علم و ارتقای سطح علمی جامعه است. امروز دولت‌ها و ملت‌ها به این درک رسیده‌اند که برتری و عظمت آن‌ها در سطح جهانی، همچنان رشد و انکشاف اقتصادی آن ها وابسته به ظرفیت علمی فرزندان آن ها است، امروز کشوری در جهان نقش برازنده را در تمام عرصه‌های ایفاء می‌کند که از طریق تحقیقات علمی در تولید علم و دانش و ارایۀ افکار و نظریات جدید در توسعۀ تکنولوژی به صورت برجسته سهم می‌گیرد. در واقع اهمیت و ارزش تحقیقات علمی از طریق افکار، اندیشه‌ها و نظریات حاصل از نتایج تحقیقات علمی برجسته می گردد که در خدمت و دولت قرار گرفته و منجر به ایجاد محصول جدید، یا بهبود کیفیت محصول خاصی در مؤسسات تولیدی دولتی و خصوصی می گردد؛ زیرا تحقیقات علمی سبب تولید و افزایش دانش و اطلاعات می‌گردد و این دانش باگذشت زمان در تصمیم گیری مقامات پالیسی ساز و اجرایی انعکاس یافته و سر انجام در توسعۀ پایدار در یک کشور کمک می کند. به باور محققان امروز عناصر بقاء و برتری کشورها با قدرت سلاح و داشتن ثروت تعیین نمی شود، بلکه با در اختیار داشتن کلیدهای دانش، توانایی‌های تولید دانش و قدرت تولید سرمایه تعیین می‌گردد. امروز دانش قدرت است و معیار واقعی پیشرفت و رسیدن به خود کفایی و توسعۀ پایدار بر اساس تمایز و برتری کشورها در تحقیق و داشتن ذخایر ملی دانش و رشد، سنجیده می‌شود.

9- نقش تحقیق در انکشاف و پیشرفت کشورها، یکی از دیگر از فکتورهای است که به تحقیقات علمی اهمیت و ارزش می‌دهد. استفاده از تحقیقات علمی در مسایل انکشافی در صدر همه مسایلی است به تحقیقات علمی اهمیت و جایگاه می بخشد. امروز علم و دانش و نوآوری‌های این عرصه عنصر اساسی حمایت از اقتصاد ملی کشورها به حساب می‌آید. سرمایۀ گذاری در این زمینه بازده کمتر از هیچ زمینه دیگر را ندارد. سرمایه گذاری در عرصۀ دانش، سرمایه

گذاری استراتژیک است و در دراز مدت تأثیرات آن بر انکشاف کشورها فوق العاده و بیشر از سایر عرصه هاست. تأثیر گذاری تحقیق در رشد محصولات ملی و بهبود استاندرد زندگی بین 60 تا 80 فیصد در حالت تغییر است.

10- نقش تحقیقات علمی در حل مسایل مختلف جامعه، یکی دیگر از فکتورهای اساسی است که اهمیت تحقیقات علمی را در سطح جوامع بالا می‌برد. امروز تحقیقات کاربردی و توسعوی بخش اعظم از تحقیقات انجام شده در سطح جهان را احتوا می‌کنند، این تحقیقات در کل در جهت حل مسایل در عرصه‌های گوناگون انجام و در حل مشکلات اجتماعی و توسعه و بهبود محصولات تولیدی کمک می‌نمایند. حل یک مسأله هدف اساسی هر تحقیق علمی است و انگیزهٔ اصلی که یک محقق را به انجام تحقیقات علمی وادار می‌سازد، نیز در نهایت حل یک مسأله است. بنابرآن اهمیت تحقیقات علمی در حل مسایل در زمینه‌های مختلف بسیار برجسته است یا به عبارت دیگر در واقع همان نقش تحقیقات علمی در حل مسایل است که به تحقیقات علمی جایگاه و اهمیت فوق العاده می‌بخشد. رویکرد امروز به اهمیت تحقیقات از جنبه‌های مختلف دارای اهمیت است. اول از نظر اقتصادی چنین برآورد گردیده است که در برابر سرمایه گذاری هر واحد پولی در عرصه تحقیقات علمی تا 30 واحد پولی مفاد را در پی خواهد داشت. دوم از نظر امنیتی تحقیقات علمی بیش از همه مورد توجه کشورها است، زیرا تهیه و به کارگیری فناوری‌های هوشمند در دفاع از امنیت و استقلال کشورها تنها از راه تحقیق و توسعه ممکن است و بس. سوم از نظر فرهنگی نیز مراکز تحقیقات علمی از جمله خاستگاه های اصلی بالندگی و تعالی فرهنگی به حساب می‌آیند.

۱۱- به ارتباط وضعیت کنونی افغانستان به این نتیجه می‌رسیم که در حال حاضر وضعیت تحقیقات علمی دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی افغانستان قابل مقایسه با هیچ کشور دنیا نیست. تعداد تحقیقات علمی منتشر شده در افغانستان دقیقاً تقرب به صفر دارد، تأثیرات نتیجهٔ تحقیقات علمی افغانستان

در بازار کار، کتاب و مطبوعات یا اصلاً قابل مشاهده نیست و یا هم به حدی اندک است که صفر شمرده می‌شود. چیزی به نام بودجۀ تحقیقات علمی در افغانستان قابل بحث نیست، فیصدی هزینۀ تحقیقات علمی افغانستان نسبت به تولید ناخالص ملی در ارقام ارایه شدۀ جهانی صفر است، حضور افغانستان در درجه بندی دانشگاه‌ها و نهادها تحقیقاتی ارایه شده از طرف مراجع علم سنجی قابل مشاهده نیست، تعداد اعضای علمی تمام نهادهای علمی افغانستان نسبت با سایر کشورها بسیار اندک است، حتا در حد کشورهای عقب مانده هم نیست، اگر مجموع اعضای کادر علمی تمام پوهنتون‌های کشور را محقق فرض کنیم(که نیستند)، بازهم نظر به نفوس افغانستان معیار کشورهای عقب مانده را حتا بر اساس معیار سال 2006 م که حد اقل 200 محقق در یک میلیون نفوس بوده است، را پوره نمی‌کند، این در حالی است که از سال 2006م تا کنون(2023) در زمینۀ آمار تحقیقات علمی در کشورها تفاوت بسیار چشم گیری به وجود آمده است، تنها تفاوت بین سال 2019 تا سال 2021م در کشور مصر، در تعداد نشر مقالات علمی بین المللی بیشتر از ده هزار مقاله بین المللی بوده است. بنابرآن وضعیت کنونی تحقیقات علمی در افغانستان فوق العاده وخیم است.

۱۲- پیشنهادها

با ملاحظه نتایج تحقیق و با توجه به وضعیت کنونی تحقیقات علمی در افغانستان، جهت بهبود و ضعیت تحقیقات علمی در این کشور پیشنهادات آتی به مراجع مربوطه تقدیم می‌گردد:

۱- به وزارت تحصیلات عالی و اکادمی علوم امارت اسلامی افغانستان پیشنهاد می‌گردد که بخش خاصی تحت عنوان:«تحقیق و توسعه» را در چارچوب دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقی خود ایجاد و از طریق این بخش تحقیقات علمی همه جانبه‌ای را به ارتباط وضعیت علمی گذشته و موجوده خود انجام دهند، نقاط ضعف و مشکلات خویش را برجسته ساخته و راه حل‌های علمی و معقولی

را با استفاده از تجارب سایر کشورها به دست آورند.

۲- به وزارت تحصیلات علمی و اکادمی علومی پیشنهاد می‌گردد که بخش علمی سنجی را نیز در چارچوب خود ایجاد نموده و سالانه تمام دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقات علمی کشور را مورد بررسی قرار داده و با در نظرداشت معیارهای گوناگون آنها را اعتباردهی و درجه بندی نموده و نتیجه آنرا به نشر بسپارند.

۳- به وزارت تحصیلات عالی و اکادمی علوم پیشنهاد می‌گردد که بانک اطلاعات تمام فعالیت‌های علمی خویش را ایجاد و تمام آثار علمی تمام دانشگاه‌ها و مراکز علمی خویش را دیجیتالی ساخته و در ویبسایت خود نمایه نمایند.

٤- به وزارت تحصیلات عالی پیشنهاد می‌گردد که بانک اطلاعات مونوگراف‌های لیسانس، تیزس‌های ماستری و رساله‌های علمی دکتورا را تهیه نموده و تمام عناوین آنها را از تمام فارغین گذشتۀ تمام دانشگاه‌های کشور را به ثبت رسانده و به صورت جدی و برای همیش باب سرقت‌های علمی را در افغانستان بسته نماید.

۵- به دولت امارت اسلامی پیشنهاد می‌گردد که برای عملی ساختن پیشنهادات فوق بودجه‌ای خاصی در نظر بگیرد، تا افغانستان از بحران موجود علمی آهسته آهسته بیرون شود.

همچنان به امارت اسلامی پیشنهاد می‌گردد که در دانشگاه‌های دولتی و اکادمی علوم بودجۀ خاصی برای تحقیقات علمی اختصاص دهد، تا کادرهای علمی کشور بتوانند در بخش‌های که نهایت ضروری است، تحقیقات علمی اساسی و کاربردی انجام دهند تا دولت امارت اسلامی بتواند با عملی ساختن نتایج این تحقیقات به سمت ترقی و پیشرفت گام بردارد.

مآخذ

١- أبوزيد، عبدالباقى. «البحث العلمى عبر العصور»، مجلة وضوح للتنمية، تاريخ النشر ١ مايو، ٢٠١٧م، تم الاطلاع عليه من رابط التالى: https://tinyurl.com/2nbtsjog [المراجعه: فى ١١ يناير ٢٠٢٣م].
٢- اسماعيل، أمل. «البحث العلمي أولوية الدول لتحقيق التنمية»، أرسل بريدا إلكترونيا، أكتوبر ٨ ,٢٠٢٠، تم الاطلاع عليها، من الرابط التالى : https://marsad.ecss.com.eg/41800/ [المراجعه: في١٦ جنورى ٢٠٢٣م].
٣- إلياس، سامر. «أبحاث روسيا... تراجع في التمويل وتناقص في العلماء»، العربية الجديد، موسكو، ٢٤ فبراير ٢٠٢٠، تم الاطلاع عليه من رابط التالى : [مراجعه: فى ٢٦ ديسمبر عام https://tinyurl.com/٢dop٤ovr٢٠٢٢م].
٤- ترک برس. «إنفاق تركيا على البحث والتطوير يبلغ أعلى مستوى له منذ عشر سنوات»، ٠١ نوفمبر ٢٠٢٠، ترک برس، تم الاطلاع عليه من رابط التالى: https://www.turkpress.com.tr/node/75202 [مراجعه: فى ٢٦ ديسمبر عام ٢٠٢٢م].
٥- خاكى، غلامرضا. روش تحقيق با رويكردى به پايان نامه نويسى، چاپ اول ، مركز تحقيقات علمى كشور[ايران] با همكارى كانون فرهنگى انتشاراتى درايت: تهران، ١٣٧٨.
٦- الخطيب، خليل محمد. «واقع البحث العلمي في الوطن العربي (٢٠٠٨-٢٠١٨)»، ٢٨ يونيو ٢٠٢٠، تم الاطلاع عليه متاح فى رابط التالى: https://arsco.org/article-detail-1656-8-0 [في ٢٦ ديسمبر ٢٠٢٢م].
٧- دانشگاه فردوسى مشهد. «اعضاى دانشگاه - اعضاى هيأت علمى ثبت شده»، دسترسى شده از: https://www.um.ac.ir/members/professors/list.html?fac=82 [مراجعه: ١٤٠١/١٠/١٠].

۸- دانشگاه فردوسی مشهد. «سامانه مدیریت نشریات علمی، همه نشریات علمی نمایه شده»، دسترسی شده از: https://jm.um.ac.ir/list_121.html [مراجعه: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰].

۹- دانشگاه فردوسی مشهد. «سامانه مدیریت نشریات علمی، مجله اقتصادی پولی، مالی(علمی پژوهشی) دانش و توسعه سابق» نمایه شده در وبسایت اقتصاد پولی، مالی علمی پژوهشی، دسترسی شده از: https://danesh24.um.ac.ir/ [مراجعه: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰].

۱۰- دهخدا، علی اکبر. لغتنامهٔ دهخدا، جلد سوم، چاپ دوم از دورهٔ جدید، تهران: موسسهٔ انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

۱۱- دهخدا، علی اکبر. لغتنامهٔ دهخدا، جلد پنجم، چاپ دوم از دورهٔ جدید، موسسهٔ انتشارات و چاپ دانشگاه تهران: تهران، ۱۳۷۷.

۱۲- رادیوی بین المللی چین (China Radio International CRI). آنلاین فارسی، «بیشترین حق ثبت اختراع سال ۲۰۲۱ برای چینی‌ها»، دسترسی شده از: https://tinyurl.com/2ej4lfqj، [۲۰۲۲/۱۱/۲۳م].

۱۳- شعیب، حورية. تسيير وظيفة البحث العلمي و التطوير في المؤسسة الصناعية: دراسة حالة: مجمع صيدال، تحت اشراف الدكتور: عبد الوهاب بن بريكة، جامعة محمد خيضر بسكرة الجزاير، ۲۰۱۴م.

۱۴- شکاری، دکتر غلامعباس. زواری، محمد ابراهیم. مهم ترین چالش پیش روی تحقیق: کمبود بودجه یا فرهنگ پژوهش کشور،2010-12-27م. دسترسی شده از:

https://profdoc.um.ac.ir/paper-abstract-۱۰۱۹۳۳۶.html [مراجعه: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰].

۱۵- شورای عالی انقلاب فرهنگی، هیأت نظارت و ارزیابی فرهنگی و علمی. ارزیابی علم و فناوری در جمهوری اسلامی ایران(چهارمین ارزیابی کلان)،

گردآوری آمار، محاسبه و بررسی شاخص‌ها و تهیه گزارش معاونت علم و فناوری، ۱۳۸۹.

۱۶- شیری، مرتضی. زلفی گل، محمد علی. «مراکز تحقیق و توسعه: پل موفقیت بین دانشگاه و صنعت»، فصلنامه انشاء علم، سال اول شماره ۱- دی ماه ۱۳۸۹.

۱۷- صدى البلد. «بنسبة ۵۷,۱%.. قفزة كبيرة في النشر الدولي للبحوث العلمية خلال ۲۰۲۲»، الإثنين ۱۲/دیسمبر/۲۰۲۲ - ۱۲:۴۱ م، تم الاطلاع علیها من الرابط التالی: https://www.elbalad.news/5564423 [۱۶جنوری ۲۰۲۳م].

۱۸- عبد اللطيف، خوشی عثمان. «واقع البحث العلمی في الدول النامية مقارنة بالدول المتقدمة فی توطين التكنولوجيا[الصين و الماليزيا و اليابان] انموزجاً»، مجلة كلية التربية الاساسية للعلوم التربوية و الانسانية/ جامعة بابل، العدد ۳۰، كانون اول ۲۰۱۶م.

۱۹- العزاوی، كرو. يونس، رحيم. «مقدمة فی منهج البحث العلمی»، دار دجلة: عمان ، ۲۰۰۷م.

۲۰- عودة، بشير هادی. فرحان الجوارين، عدنان. «عوائق البحث العلمی و متطلبات النهوض به فی الدول العربية»، قسم الاقتصاد، كلية الادارة و الاقتصاد- جامعة البصرة، ملخص الدراسة، بلا تاريخ.

۲۱- محمد، صادق. البحث العلمی بين المشرق العربی و العالم الغربی كيف نهضوا و لماذا تراجعنا، القاهرة، المجموعة العربية للتدريب و النشر، ۲۰۱۴م.

۲۲- المعانی. واژۀ «أَهَمِّيَّة»، فرهنگ لغت عربی- فارسی آنلاین المعانی، دسترسی شده به تاریخ ۱۴۰۱/۹/۱۴، از:

[بی‌تا]https://www.almaany.com/fa/dict/arfa/%D8%A3%D9%87%D9%85%D9%8A%D8%A9/

۲۳- معهد اليونسكو الإحصائی. «الإنفاق علی البحث والتطوير (% من إجمالي الناتج المحلي»، مجموعة البنک الدولی، تم الاطلاع عليه من الرابط التالی:
https://data.albankaldawli.org/indicator/GB.XPD.RSDV.GD.ZS
[مراجعه: فی ۲٦ دسامبر ۲۰۲۲م].

۲٤- نوری کوهانی، پرویز. «پژوهش؛ پیش نیاز توسعه کشورها پژوهش در صنعت نفت؛ بایدها و نبایدها»، اکتشاف و تولید، نشریه فنی تخصصی شرکت ملی نفت ایران، شماره ٥۳، دی ماه۱۳۹۸.

۲٥- وزارت تحصیلات عالی، ریاست تحقیق، تألیف و ترجمه. «لست مجله های علمی ثبت شده در وبسایت وزارت تحصیلات عالی»، دسترسی شده از:https://rctmis.mohe.gov.af/webpageregistred_journals [مراجعه: ۱٤۰۱/۱۰/۱۰].

۲٦- وزارت تحصیلات عالی، ریاست تحقیق، تألیف و ترجمه. «لست مقالات تحقیقی ثبت شده»، دسترسی شده به تاریخ ۱٤۰۱/۱۰/۱۰از : https://rctmis.mohe.gov.af/research_article/[مراجعه: ۱٤۰۱/۱۰/۱۰].

۲۷- وزارت تحصیلات عالی، ریاست تحقیق، تألیف و ترجمه. «لست آثار علمی غیر ترفیعی ثبت شده»، دسترسی شده از: https://rctmis.mohe.gov.af/author_books/authorbook[مراجعه: ۱٤۰۱/۱۰/۱۰].

۲۸- وزارت تحصیلات عالی، ریاست تحقیق، تألیف و ترجمه. «لست اعضای کادر علمی ثبت شده»، دسترسی شده از: https://rctmis.mohe.gov.af/author/author_web [مراجعه: ۱٤۰۱/۱۰/۱۰].

۲۹- وزارت تحصیلات عالی، ریاست تحقیق، تألیف و ترجمه «لست تیزس های ماستری و دکتورای اعضای کادر علمی ثبت شده»، دسترسی شده از: https://rctmis.mohe.gov.af/thesis/ [مراجعه: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰].

۳۰- ولد احمد، د. الطاهر - استاذ متعاون- جامعة انواکشوط العصرية- انواكشوط- موريتانيا، البحث العلمی فی دول المغرب العربی الواقع و التحديات أمام تحقيق تنمية مستدامة، المؤتمر الدولی للبحث العلمی و دوره فی تحقیق التنمية المستدامة للمجتماعت بالوطن العربی، خلال الفترة ۱۰-۱۲ رجب ۱۴۴۲ الموافق ۱۱-۱۲ فبراير ۲۰۲۲، ص۱۸۷.

۳۱- هادوی، حمید. به کوشش: محمد ابطحی/امین مقوم، ما و جهان معاصر؛ درگفتگویی بااستاد مهدی هادوی، مجله پرسمان دی ۱۳۸۱، شماره ٤، دسترسی شده از پایگاه اطلاع رسانی حوزه، به تاریخ ۱۴۰۱/۱۰/۱٤خورشیدی از https://tinyurl.com/2ej8lhpe :

۳۲- يورو نيوز العربی. «من هي الدول الرائدة عالمياً في مجال البحث العلمي؟ إليكم القائمة»، تم الاطلاع علیه من الرابط التالی:

https://arabic.euronews.com/2020/01/21/here-are-countries-leading-scientific-research-world-china-us-germany [مراجعه: فی ۲٦ دسامبر ۲۰۲۲م].

۳۳- Statista ARABIC.NEWS.CN. «الصين تنفق ٤٤١ مليار دولار على البحث والتطوير في عام ۲۰۲۱»، تاریخ الانتشار۲٦/۱/ ۲۰۲۲، تم الاطلاع علیه، من رابط التالی:-http://arabic.news.cn/2022-01/26/c_1310441767.htm [مراجعه: دسامبر ۲٦. ۲۰۲۲]

34- Statista العربية. «أكثر الشركات انفاقاً على الأبحاث والتطوير، الولايات المتحدة والصين تمثلان نصف الإنفاق العالمي على البحث والتطوير»، العربية، تم الاطلاع عليها من رابط التالی :

https://tinyurl.com/2etgdvvg [مراجعه: ٢٢ جمادي الثاني ١٤٤٤ هـ - ١٥ يناير ٢٠٢٣،]

35- SCIMAGO INSTITUTIONS RANKINGS. Rankings. Universities, 2022, access able from: https://www.scimagoir.com/rankings.php?sector=Higher%20educ [access: December 23- 2022].

36- The Times Higher Education. World University Ranking, World University Rankings 2023, access able from: https://www.timeshighereducation.com/world-university-rankings/2023/world-ranking [access: December 23- 2022].

څېړنوال عبدالضابط ځدراڼ

د لرغوني یونان په فلسفه باندې د لرغوني ختیځ فکري اغیزې

Intellectual Impacts of Ancient Oriental on the Philosophy of Ancient Greece

Research Fellow Abdulzabit Zadran

Abstract,

Humans, without considering differences and diversity, are united or contain shared character while finding a truth. This is thus the appropriateness and wisdom of humans in finding the truth, and these two characteristics of humans influence the behavior of humanity. This paper examines the elements of the creation of ancient Greek philosophy, highlighting various social and intellectual dimensions.

Many intellectual ideas and philosophical foundations overseas have contributed to creating Greek philosophy. Moreover, ancient Greek philosophers could study different thoughts and insights to introduce new philosophies.

لنډیز:

انسانان له هر ډول توپیر پرته، د حقیقت په پلټنه کې د یوې ګډې فکري ځانګړتیا او ګډ وحدت لرونکي دي. چې هغه د حقیقت په پلټنه کې د انسان د انسانیت اقتضاء او د هغه عقل دی. د انسان دا دوه مهم صفتونه انساني

ټولې کړنې په کلکه توګه تر اغيز لاندې راولي. په دې ليکنه کې د لرغوني يونان د فلسفې د رامنځته کيدو عوامل څېړل شوي او د هغې بېلابېل ټولنيز او فکري لوري يې په ګوته کړي دي. دا څرګنده شوې ده چې په لرغوني يونان کې فلسفه هغسې چې ويل کيږي سوچه يوناني فکري ابتکار دی، نه ده بلکې دا نور فکري لوري وو چې د هغه په رامنځ ته کېدو کې يې بنسټيزه مرسته وکړه، آن دا چې ويلای شو چې د دوی د فلسفې زيات بنسټونه پردي دي او دا مسأله په ليکنه کې روښانه شوې ده. بايد ووايو چې ددې تر څنګ يوناني لرغونو فيلسوفانو دا وړتيا درلوده چې بېلابېل فکري لوري سره و اوبدي او يوه نوې فلسفه ورڅخه جوړه او معرفي کړي.

سريزه

له شکه پرته هره رامنځته شوې پېښه ځان ته ځانګړي بېلابېل لاملونه لري، له دې قاعدې څخه د فکري جوړښتونو بهير هم مستثنی نه دی. د فلسفې په تاريخ کې د يوناني فلسفې رامنځته کيدل يوه لويه او پيچلې مسأله ده. په دې ليکنه کې هڅه شوې چې د يوناني فلسفې د فکري جوړښت بېلابېلې تاريخي خواوې څرګندې شي او دا روښانه شي چې نوموړې فلسفې ولې، څرنګه او په څه ډول د ختيځ فکري جوړښت څخه اغيز موندلی دی؟ هغه فلسفه چې موږ يې نن ورځ د يوناني فلسفې په نوم پېژنو د لومړی ځل له پاره په ايونا (Ionie) کې چې د اوسنۍ ترکيې په لوېديځ ساحل کې موقعيت لري، رامنځته شوه او بيا وروسته له هغه ځايه څخه خپل ټاټوبي يونان ته ولېږدول شوه. په ايونا کې د فکري بهير د رامنځ ته کېدو د لاملونو فکري ريښې راسپړل شوې او دا څرګنده شوې ده چې څرنګه هلته ختيځ فکر خپل اغېز کړی دی.

مبرمیت

باید ووایو چې انساني ټولنو کې د انسان فکري لید لوري د ځانګړې ارزښت څخه برخمن دی، ځکه چې انساني نورې کړنې په کلکه توګه د همدې لید لوري په چوکاټ کې رانغاړل کیږي.

ددې څېړنې مبرمیت په دې کې دی چې د متفکرینو تر منځ د ګډو ټکو په پیدا کولو او د واحد (حقیقت) په څرګندیدو کې پوره پوره مرسته کولای شي او دا ورڅخه تر لاسه کیږي چې بېلابېلو متفکرینو په بېلابېلو ځایونو څرنګه او په څه ډول میتودونو سره د واحد حقیقت خواته حرکت کړی دی، چې په ټوله کې د دوی موخه یو تر بله دومره توپیر سره نه لري. په دې لیکنه کې هغه فکري ټکي څرګند شوي چې دوی ورباندې اتفاق لري. ددې تر څنګ هویت غوښتنه او د هغه د څرنګوالي پیداکول تل د انسان لپاره یوه اندیښنه پاته شوې ده. خپل تاریخې هویت ته رسیدل، انسان ته ځانګړې غرور ورپه برخه کوي، لکه څرنګه چې زمونږ په ټولنه کې ویل کیږي چې افغانستان دربیو لویو قدرتونو ته ماتې ورکړې ده یقیناً ددې خبرې په اوریدو سره هر افغان ته د سرلوړي احساس پیداکیږي. همداشان په فکري برخه کې هم د یوې ټولنې د فکري تاریخ راسپړل د همداسې غرور سبب ګرځي په تیره بیا که هغه د وحدانیت جنبه ولري.

موخه

د څېړنې موخه دا ده چې د منابعو پر بنسټ وښیو چې یوناني لرغونې فلسفه د لرغوني ختیځ له فکري اغېز څخه اغېزمنه شوې او ګټه یې ترې اخیستې ده.

د څېړنې میتود

په دې لیکنه کې له فلسفي، تحلیلي او تشریحي میتود څخه کار اخیستل شوی دی.

په لرغونې يوناني فلسفه باندې د لرغوني ختيځ فکري اغېزې

هيڅ فلسفه په بشپړه توګه د پوهېدو وړ نه ده، مګر دا چې هغه په خپل تاريخي موقعيت او د نورو نظامونو او فلسفو سره په اړيکه کې وڅېړل شي، ځکه چې په فلسفي مسايلو کې استمرار، اړيکه، عمل او عکس العمل، څرنګوالی او دوه اړخيزه حالت شتون لري، څرنګه يو څوک پوهيدلای شي چې افلاطون څه شي ته رسيدلی دی او کوم شي هغه دې ته اړ کړی دی هغه څه چې هغه ويلي دي، هغه وايي. په دې باندې د پوهيدو له پاره بايد د هيراکليتس، پارمنيدس او فيثاغوريانو په فکر باندې پوه شو. يا دا چې څرنګه څوک پوهيدای شي چې ولې کانت د مکان او زمان او مقولاتو په باره کې داسې نظر اختيار کړی دی. د کانت په نظر باندې د پوهيدو لپاره بايد د انګليس د تجربې او شکاکي مکتبونو څخه پوره پوره معلومات ولرو. له شکه پرته د فلسفې په تاريخ کې منطقي ترتيب او يووالی شتون لری، خو نه اړينه توالي او پرله‌پسې رسېدل د کلمې په دقيقې معنا سره. د فلسفې تاريخ د انسان له خوا څخه د برهان او استدلال له لارې د حقيقت پلټنې ښکارندوی دی. هغه څه چې د يوې دورې په فلسفي نظرياتو يا د يو فلسفي مکتب په پوهيدو کې اړين دی هغه دا دی چې د هغه فلسفي نظام اړيکې د هغه له تاريخي چاپيريال سره تر کتنې لاندې ونيسو. موږ هغه وخت کولای شو چې د يو ټاکلي فيلسوف د ذهن حالت او د هغه د فلسفې په وجودي حالت باندې په پوره پوره توګه وپوهيږو چې د هغه تاريخې سرچينې او د حرکت ځای ځانته معلوم کړو. د مثال په توګه موږ هغه وخت کولای شو چې د کانت د ذهن حالت د هغه د مخکيني (Apriori) نظر په اړه معلومات تر لاسه کړو چې هغه په خپل تاريخي موقعيت کې د هيوم د فلسفې په وړاندې ودروو او د اورپا د عقلي مذهب ماتې او په نيوتني فزيک او د رياضياتو په باره کې ډاډ او يقين ته نظر کړو.

د فلسفې تاریخ د ګټورې څېړنې له پاره تقریباً یو ډول د نږدیتوب بشر پوهنیزه متحد او یو فکر لرونکي چلند ته اړتیا ده، دا په زړه پورې او ښه ده چې مؤرخ دې د فیلسوف په باره کې د یو انسان په توګه په څه باندې وپوهیږي، ځکه چې دا کار به د هغه سره مرسته وکړي چې د هغه طریقه، د بحث مورد د نظام په اړه احساس کړي او هغه دننه څخه وګوري او ځانګړی خوند او اوصاف یې ترلاسه کړي. موږ باید هڅه وکړو چې ځان د فیلسوف په ځای کې واقع کړو او کوښښ وکړو چې د هغه تفکر دننه څخه وګورو. سربېره پر دې یاد چلند یا د تخیلي بصیرت میتود د هغه چا له پاره چې غواړي په نوې فلسفه باندې پوه شي، اساسي دی، د مثال په توګه که څوک اسلامي ایمان او عقیده ولري، نوي نظامونه یا لږ تر لږه د هغو ځیني به په آسانی سره د هغه تر نظر د عجیبو او غریبو چارو په څېر چې د پاملرنې ارزښت نه لري، ښکاره شي خو که چیرې وکړای شي پرته له دې چې خپل ایمان او عقیده پریږدي، هغه نظامونه د له منځه څخه وګوري، د فیلسوف د منظور د پوهیدو له پاره به زیات طالعمن وي. د دې ټولو سره سره زموږ ذهن نه ښایي چې په هغه کچه د هغه فیلسوف د روانشناسي سره بوخت وي چې حقیقت یا د هغه فکري تیروتنه، چې باید في نفسه منظور شي، یا د هغه د فلسفي نظام منطقي اړیکې د مخکیني فکر سره د نظر څخه وغورزي او د پاملرنې وړ ونه ګرځي.

دا چې ولې دې ناڅاپه فلسفه د مدیترانې په لویدیځ ساحل کې راڅرګنده شي لامل یا لاملونه یې څه وو، په دې اړه کالین رُنان په خپل مشهور کتاب (تاریخ علم کمبریج) کې داسي لیکي: ((په دې برسیره چې ایوني (Ionie) د راکړې ورکړې مرکز و، هغه د هغو سوداګرو له پاره چې د ختیځ او جنوب ختیځ، هندوستان او آن چین څخه راتلل هم یو مرکز و، ایوني خلکو په داسې یو هڅونکي چاپیریال کې ژوند کاوه او دا د میلتوس څخه پرته په بل ځای کې چې د ایوني ډیر غني او اصلي بازار و، مصداق نه لري)) (۹: مخ،۹۱).

ویل دورانت په خپل کتاب « تاريخ تمدن» کې ليکي: « د مصر کاهنانو لرغوني پوهي مغان[1] او ښايي د هند پارسيان، د کلدانيانو لاهوتي علوم او د هزيود اشعار د فنيقي او يوناني سوداګرو د مفهوم جوړونو سره يو ځای شول او يوناني فلسفي خوځښت يې رامنځته کړ» (۴: مخ.۱۰۷).

په اسلامي دوره کې ابن سينا د منطق المشرقين په سريزه کې دا ليرې نه ګڼي چې منطق دې پرته له يوناني لارو څخه موږ ته رارسيدلي وي، په دې اړه چې د يوناني لرغوني تفکر ريښې، لرغوني ختيځ ته را رسيدلی شي، زياتو غربي متفکرينو څه ليکلي دي. له هغه ډلې څخه کولای شو چې د مارتين ليچفيلد وست ارزښتمند کتاب ته چې د « سپيده دم فلسفه يوناني در پرتو انديشه های شرقی» تر سرليک لاندې دی، اشاره وکړو. وست د هغه ليد لوری چې د يوناني تفکر خداداده موروثاتي لوړوالی تر نورو مهم ګڼي، تر کلکې نيوکې لاندې نيسي. وست ليکلی: « په نورو ملتونو باندې د يوناني ليد لوري ذاتي او فطري لوړوالي په پوهانو باندې د يو مفروض تکليف په توګه چې په هماغه لومړنيو ګامونو کې يې په يوناني فلسفه کې د ختيځ د اغېزو د کشف په لار کې په نسبتاً کلکه توګه اخيستي وو، احساسيږي... په ټولو لومړنيو څېړنو کې داسي راغلي دي چې ګويا يوناني فلسفه تر يونانيانو وړاندې انسانانو د عقلاني هڅو لوړوالی او تاج دی، ګويا يوناني فکر داسي قدرت درلودلی دی چې کړای شوي يې دې د هند، چين، لرغوني افغانستان، ايران، مصر او فلسطين حکمتونه راونغاړي، هضم او استحاله يې کړي او ځان د هغوی ځای ناستی کړي»(۱۵: انټرنيټ)

وست د يو شمير هغو کسانو د نومونو او کتابونو څخه هم يادونه کړې ده چې په تير وخت کې يوناني فيلسوفان د ختيځ له بېلابېلو ليدلوريو څخه اغېزمن ګڼي. موږ يې دلته د نمونې په توګه د يو څو هغو کسانو نومونه او آثار را اخلو چې په تيره پېړۍ کې يې دا مسأله مطرح کړې وه.

[1] ــ مغان د لرغوني بلخ د زردشتي آئين روحاني ته ويل کېږي.

۱- اې ګلاديش (A. Gladisch) د ((هراکليتوس و زردشت)) لايپتزيګ ۱۸۰۹م او هم د ((ديانت و فلسفه)) برسلاو ۱۸۵۲م، کتابونو مؤلف.
۲- لاسل (Lasselle) د ((هراکليتوس تاريک انديش)) کتاب مؤلف په دوه ټوکونو کې ، برلين ۱۸۰۸م.
۳- ا. روشا (E. Roth) ((تاريخ فلسفه غربي ما)) مانهايم ۱۸۴۶م.

داسې تمدنونه لکه د نيل د حوزې، بين النهرين، سند، هوانګهو، فنيقي، عبراني او نور په ختيځ کې پيدا شول او وده يې وکړه. دا د ختيځ متفکرين وو چې خپل فکري مسايل يې لويديځ والو ته وړاندې کړل او هغوی ګټه ترې واخيسته. لويديځو تمدنونو لکه د کريت د جزيرې، يونان او روم خپل ډېر فکري مسايل د ختيځو فکري خوځښتونو، لکه د مصر او بين النهرين څخه اخيستي دي(۱۰: مخ ۹۴).

يو بل ټکي ته هم پاملرنه ضروري ده، هغه دا چې يوناني فلسفې د رياضياتو سره نږدې پيوند درلود، داسې باور څرګند شوی چې يونانيانو خپل رياضيات د مصر او خپل نجوم علم يې د بابل څخه اخيستی دی، ځکه دا ښکاره ده چې يوناني علم او فلسفې په هماغه ځای کې په پرمختګ او پراخوالي پيل وکړ چې له ختيځ سره يې راکړه ورکړه د پاملرنې وړ وګرځېده. کاپلستون وايې: ((د نورو علمي فعاليتونو ترڅنګ چې طالس ته يې نسبت ورکړل شوی دی د يو نجومي تقويم جوړېدل او د کښتيو په حرکت کې د دب اصغر په وسيله د فنيقيانو د تجربې معمول کول دي)) (۱۲: مخ ۳). د کاپلستون د نظر څخه داسې څرګندېږي چې طالس تر ميلاد دمخه په شپږمه پېړۍ کې د فنيقيانو د نجوم د علم سره بلد و او له هغه څخه يې په ګټې اخيستنې سره نورو کارونو ته اقدام کړی دی.

راسل هم په دې اړه خبرې لري او داسې څرګندوي چې ((په ټول تاريخ کې هيڅ شی د يوناني تمدن د ناڅاپې څرګنديدو او د هغه د توجيه کولو په شان سخت نه دی. د تمدن د جوړېدو يا راپيداکيدو ډېر لاملونه، د يوناني

تمدن له څرګندیدو څخه زرګونه کلونه وړاندې په مصر او بین النهرین کې شتون درلود او له هغو سیمو څخه ګاونډیو هیوادونو ته رسېدلي وو»(۸: مخ ۲۷).

موږ ابتدایي یوناني تفکر د ایوني د لرغوني تمدن د محصول په توګه پېژنو، خو دا باید هېره نه کړو چې ایونا د ختیځ او لویدیځ د لیدنې ځای و. پروفیسور پانوسي په دې باور دی چې د مُثل په باره کې افلاطوني زده کړه یوه زردشتي زده کړه ده. د زردشت له نظره په محسوس جهان کې هر شی د مینوي (معنوي) دنیا د سردیسي یا تمثال لرونکی دی، هر ډول لیدونکی شی د نه لیدونکي موجود شی څخه رامنځته شوي دي. ځمکه د اسمان بې تناسبه او بې قاعدې تکرار دی. په بل دقیق عبارت سره ویلای شو چې د اوسېدونکو هره ډله او آن چې هر وګړی، په اسمان کې د خپلې ځانګړی مینوی د سردیسی یا تمثال لرونکی دی، دا ده د زرتشت زده کړه(۱: مخ.٦۴).

راداکریشنان په لرغوني لویدیځه فلسفه باندې د لرغوني افغانستان د زردشتي تفکر د اغیزو په اړه داسې وایي: « په ایران کې د مهر او ماني آئین چې د زردشت تر اغېزې لاندې راپورته شول، وروسته اروپا ته وارد شول او د لویدیځ فلسفې افکار یې په کلکه تر خپل نفوذ لاندې راوستل» (۷: مخ.۲).

فرانس کومون چې د لویدیځ او ختیځ فرهنګونو د اغېزو په اړه یې پراخې څېړنې کړې دي داسې څرګندوي چې د کوروش او داریوش فتوحاتو د یونانیانو پاملرنه د نویو حاکمانو دیني عادتونو ته واړوله. د مقدونیانو فتوحاتو هم یونانیان د مَزدَیسنا د بې شماره پیروانو سره واقع کړل، چې دې حالت د دې آئین د پیژندلو له پاره نوې انګیزې رامنځته کړې. همداسې وه چې ارسطو لوی علمي غورځنګ پیل کړ، داسې غورځنګ چې ددې سبب شو چې ډېر څېړونکی د نوی آئین زده کړې وپلټي. د سکندریې په کتابتون کې د زردشت تر سر لیک لاندې د فهرست شویو آثارو شمیر دوه میلیونه کرښو ته رسېده، د

متونونو دغه لوی حجم د څېړونکو پام ځان ته راړولو او د فیلسوفانو فکر يې په کار واچولو(۱۳: مخ.۱۴۵).

هغه یونانیان چې په کوچنۍ اسيا کې اوسیدل، د مجوسانو یا مغان سره چې د زردشتي آئین پیروان وو او د اژي تر سیند پورې یې نفوذ کړی و، یوځای او د هغوی له عقیدو سره چې د مزدايي او کلداني اصولو د ګډوالي څخه رامنځته شوي وو، بلد شول. علامه عبدالحی حبیبي ليکي: ((له علمي کیندنو څخه داسې پایلې تر لاسه شوې دي چې حدوداً ۶۰۰۰ کاله وړاندې د افغانستان په خاوره او د هغه په شاوخوا سیمو کې انسانانو یو مدنیت درلود، ځکه مرو ته نږدې د انو په سیمه کې په هماغه وخت کې د مسو د استعمال آثار کشف شوي دي))(۳: مخ.۱). په بل ځای کې عبدالحی حبیبي ليکي: ((تر تاریخ مخکې د سند د وادي مدنیت چې د افغانستان په ختیځ د هرپه او موهن جودرو ترمنځ خپور و، په متحدالشکله او یو رنګه توګه د زر میلو په اوږدوالي (د بابل د تمدن څلور برابره مساحت او دوه برابره د مصر د تمدن په پراخوالي سره) شتون درلود...)) ددې څخه يې داسې پایلې تر لاسه کړې ده چې دا مدنیت د افغانستان په ختیځه خاوره په ټول سند کې خپور شوی او د هرپه او موهن جوديرو د هغه شمالي او جنوبي پایتختونه و چې تر بابل پورې يې د لویدیځو خاورو له تمدنونو سره اړیکې درلودلې دي، او حتی تر میلاد مخکې د ۲۰۰۰ کالو شاوخوا په بابل کې د هندي سوداګرو یو ځای موجود و. د هغو کیندنو له آثارو څخه چې په بین النهرین کې پیدا شوي څرګندیږي چې د سند د وادي خلکو اعشاري ارقام، پیمانې او اوزان پېژندل(هماغه: مخ.۲).

هغه څه چې وویل شول دا ورڅخه په څرګند ډول ښکاره دی چې دا خاوره د ډېرو لرغونو زمانو، آن چې د زردشت له زیږیدو څخه ډېره وړاندې له تمدن څخه برخمنه وه. زردشت د میلاد ترمخه د اوومې او شپږمې پېړۍ شاوخوا کې زیږیدلی دی. د زردشت د پیدایښت په اړه علامه حبیبي داسې لیکي : ((د

زردشت د ژوندانه زمانه په باوري توګه څرګنده نه ده، خو د زردشتي کتابونو د وینا له مخې د (۶۶۰م.ز) په شاوخوا کې زیږیدلی او په شل کلنۍ یعنې په (۶۴۰م.ز) کې منزوي شوي، پر دیرش کلنۍ یانې پر(۶۳۰م.ز) کې یې د لار ښوونې ادعا کړې ده، په ۴۲ کلنۍ یعنې په (۶۱۸م.ز) کې «ګشتاسب» پر ده وګروهید او د ده په عقیده شو او په (۵۸۳م.ز) اووه اویا کلنۍ کې د توراني «ارجاسپ» د یرغل په وخت د بلخ په دوهه (آتشکده) کې د توراني « براترکرش» په لاس ووژل شو. خو څېړونکي پوهان دا کلونه سم نه بولي او د ده زوکړه یې د ۸۵۵م.ز په شاوخوا کې ګڼلې ده... زردشت د یوه خدای (آهوره مزده ـ یو بادار) په یووالي او بې ساری عظمت قایل شو او له پخوانیو خدایانو څخه یې چې آریایانو ورته ګروهه درلوده مخ وګرځاوه هغه وایي: تر یوه خدای وروسته د نړۍ له پیله څخه دوه روحه شته، چې یو پر ښه لار او بل پر بده لار ځي او ټول ژوند یوه باطني جګړه ده چې د شر د قوتو پر ضد ادامه لري او په دې دایمي جګړه کې رڼا او تیاره عقل او اهریمن یو له بل سره مقابل دي»(۲: مخ.۱۵-۱۴)).

دونالد. ن ویلبر (Donald. N . Wilber) په یوه اثر کې چې ((ایران)) نومیږي لیکي: «...په کلي توګه ویلای شو په ایرانې ژوند کې د آمالو او امیدونو مقصد، نیک فکر، نیک ګفتار او نیک کردار دی چې د زردشت یا مزدا دین د زده کړو څخه شمیرل کیږي او دغه دین، د دنیا یو د لویو فلسفي دینونو څخه دی چې د لاهوتی عقایدو اصول او د عملي اخلاقو بنسټ یې کیښود» (۵: مخ.۴۲).

فلسفه په یونان کې په یو وار او خود په خوده نه ده پیداشوې، بلکې بېلابېلو فکري جریانونو لکه څرنګه چې اشارې ورته وشوې له پردیو هیوادونو څخه یونان ته لارې پیداکړې او د هغې په پیدایښت او زده کړه کې یې مرسته وکړه. له پردیو سره د یونانیانو سوداګریزې اړیکې د هغو د فکري مسایلو لپاره د یونانیانو په منځ کې یوه اغیزمنه وسیله وه. په دې اړه احمد علي کهزاد

داسې څرګندوي چې: « بارتولد په خپله تاریخي جغرافیا کې د مصر او آشور په لرغونو آبادیو کې د لاجوردو له شتون څخه خبرې کړې او دې پایلې ته رسیږي چې د تاریخ په ډېرو لرغونو زمانو کې د باختري آریایانو او د لویدیځې آسیا هېوادونو د خلکو او د سپین سیند د سواحلو اوسیدونکو تر منځ اړیکې موجود وې» (۱۴: مخ.۱۹).

مزدا پرستي چې هغه ته زردشتي آئین هم وایې، یوه توحیدي هستي پیژندنه ده، دغه توحیدي هستي پېژندنه د زردشت له زده کړو څخه سرچینه اخلي، په مزدایي نړۍ لید کې دنیا د خیر او شر د جګړې میدان دی چې په پای کې نېکي په بدي بریالۍ کېږي. په یونان کې د فلسفې د پیدایښت له دلیلونو څخه یو دا دی چې هلته نظام جوړونې ته تمایل موجود و. اوس به د دې مسألې د لاښه وضاحت له پاره چې ختیځ فکر په یوناني فلسفه باندې کلک اغېز درلودلی دی، د ژ. بیده بیان راواخلو. ژ. بیده (J. Bidez) وایي: « د لرغون پېژندونکو کیندنې په دې وتوانېدې چې د «هرکولانوم» په کوچنی ښار کې د « وزوویو» (Vesuvio) د اور اچونکي غره د مذابو موادو لاندې څخه نسبتاً لویه کتابخانه راوباسي. دغه کتابخانه د پیزو (Piso) په نوم یو کس پورې چې د «هرکولانوم» ښار د وخت حاکم و، متعلق وه. د دې کتابتون د تورو شویو اسناد منځ کې داسې لیک تر لاسه شوی دی چې د افلاطون د اکاډمي تاریخ په باره کې او د ده د ژوند د وروستیو شیبو په اړه راپور ورکوي. دغه راپور ورکونکی داسې کس دی چې د افلاطون شاګرد او منشي دی او نوم یې فیلیپوس اوپونتي (Philippe Doponte) دی. همدا کس د «محاوره قوانین» او د « محاوره اپینومیس» تصحیح کوونکی اومدون هم دی. د فیلیپوس او پونتي په لیک کې راغلي دي چې افلاطون د احتضار په وخت داسې یو ځوک خپل ځانته مني چې لقب یې کلداني دی. دغه کس ظاهراً په یونان کې د کلداني زده کړو مبلغ و. هغه د مرګ په حال کې د افلاطون د تسلي په خاطر دهغه سر ته ناست و. د دې راپور منځپانګه د نورو لرغونو

متونو په رڼا کې تاییدیږي. پاوزائیاس هم د افلاطون په زده کړو کې د کلداني او مجوسي یعنې زردشتي د اغېزو راپور ورکوي. د فیلیپوس اوپونتي په لیک کې دا هم راغلي دي چې اپیکوریانو افلاطون په نجومیاتو ولاړه د پردیو په زده کړه، چې د یوناني روحیې خلاف ده تورن کړی دی. د ورنریگر (WernerGaeger) په وینا یو بل کس هم چې د زردشتي زده کړو پیر و، د افلاطون په اطرافیانو کې یې حضور درلود. هرمودوروس چې د افلاطون ژوند لیک لیکونکی و، هغه هم د افلاطون د سفرونو څخه او د مغان د آئین سره د افلاطون د بلدتیا څخه خبرې کوي. روز (Rose) هم د افلاطون په نیکۍ ولاړ د یو نوي دیانت موسس گڼي چې د زردشت رسالت یې تعقیب کړی دی. په پایله کې ویلای شو چې د «وست» او «بیده» د معلوماتو په اساس دا کره کیږي چې د ختیځ فکري لیدلوری په یوناني فلسفه باندې د پام وړ او بنسټیز اغېز کړی دی.(۱۵: انټرنیټ)

تر هغه ځایه چې د یونان په فلسفه پورې تړاو لري، دا ورڅخه څرگندیږي چې یوناني فلسفي تفکر، د میلاد تر مخه تر شپږمې پېړۍ پورې رسېږي. لومړنی یوناني متفکر چې په رښتیا سره فیلسوف ورته ویلی شو، هغه طالس دی، هغه د یو کسوف وړاندوینه کړې وه چې تر میلاد مخکې په ۵۸۵ کال کې پیښ شو. وروسته فیثاغورث او سقراط هغه دوه کسان دي چې لرغوني یوناني فلسفي تفکر یې په نوي مسیر کې واقع کړ. خو هغه وخت چې تر میلاد مخکې د هند شپږمې پیړۍ ته سر ورښکاره کوو، بلکل د بیل حالت سره مخ کېږو، دغه دوره په هند کې د فلسفي تفکر د پیل دوره، نه بلکې د بدلون دوره ښکاري. دلته نورې د یونان په شان د فلسفې د سهار د پیلېدو خبرې نه شته، بلکې داسې څه دي چې هغه د فلسفې د ورځې بشپړه رڼایي بللی شو. دغه نور د بشري عقل د فلسفي تدقیق په اوږده لار کې ماشومانه تگ نه دی، بلکې د داسې مرحلې ښکارندوی دی چې یوازې د پام وړ سفر وروسته کولای شو هغې ته ورسیږو. په هند کې د بودا او مهاویره تر ظهور

وړاندې، فلسفي فکر د پام وړ پرمختګ کړی و، داسې مکتبونه رامنځته شوي وو چې د يوې اوږدې دورې د فلسفې ژور او پراخ تفکر غوښتونکی وو. دا حقيقت چې هند وتوانېد د ميلاد تر مخه د ګوتمه بودا او مهاويره د تفکر لاره او برداشت وړاندې کړي، د دې ښکارندوی دی چې هغې سيمې تر هغه وخته پورې فلسفي پراخ او ژور فکر روزلی و او د دې کسانو له څرګندېدو څخه وړاندې هلته داسې چاپېريال شتون درلود چې د ژوند د اسرارو په باره کې بېلابېلو تعبيرونو او نظرياتو کولای شول وده وکړي او د ژوند له اسرارو سره په تړاو ډېر مسايل د حل تر کچې پورې نږدې کړي. خو بيا په يونان کې داسې فلسفي حالت تر ډېرې مودې پورې څرګند نه شو. ايونې فلسفه چې د يوناني مکتبونو څخه يو مکتب دی د ارواحو په داسې نظريه باندې باورمنده وه چې ستوري او نور اسماني اجرام څرګندوي.

په هند کې تل د فلسفې او دين تر منځ فرق کول شوني نه دي، دلته د يونان خلاف، فلسفه د اکاډمييو څلورو ديوالونو ته محدوده نه وه، بلکې د ټولو دين ګرځېدلی و، هغه ځوابونه چې ګوتمه بودا او مهاويره د وجود مسايلو لپاره پيداکړي و، اساساً فلسفي و، خو د هغوی زده کړې د مذهبي ټولنو رامنځته کېدونکې شوې. د يوناني فيلسوفانو په منځ کې سقراط د ډېرو لورو څخه يو رنګ لري، هغه اساساً فيلسوف و، د هغه ژوند زيات ورته والی د اسرائيلي پيغمبرانو او هندي جوګيانو سره لري. (٦: مخ.٧)

سقراط اکثراً د جذبې په حالت کې و، او په هاتف يا په معنوي داسې غږ باندې يې باور درلود چې هغه يې په ټولو بحراني شيبوکې هدايت کولو. هغه وخت يې چې د خپل ژوند په وروستيو ورځو کې د آتن محکمې ته خبرې کولې، د همدې باطني غږ د حکم يا امر څخه يې پيروي کوله، د دې سره سره يې سقراط د فيلسوفانو په ډله کې حساب کړی دی. د هغه پيروانو کوښښ ونه کړ چې د هغه د شخصيت يا زده کړو په بنسټ مذهبي ټولنه رامنځته کړي. دا ټکي د هندي او يوناني روح تر منځ په روښانه توګه توپير ښکاره

کوي. په یونان کې دیني عناصرو فلسفي ځانګړتیاوې پیداکړې او په هند کې خپله فلسفه په دین واوښته. په هند کې د او پانیشادها فلسفې د ګوتمه بودا او مهاویره د ظهور څخه وړاندې په پرمختګ پیل کړی و. اوپانیشادها د میلاد تر مخه په اتمه پیړۍ کې رامنځته شوي دي.

باید وویل شي هغه څه چې فلسفه د غیر فلسفې څخه بېلوي په موضوع کې د دوی توپیر نه دی، بلکې د دوی توپیر د بحث په میتود یا طریقه کې دی، که چیرې د یو چا استنتاجات د وحې د حجت په اساس یا د شخصي جذبې او خلسې په اساس وي، د هغه د لاسته راوړنو سم نوم الاهیات یا عرفان دی، نه فلسفه خو که چیرې هغه د عقلي تعبیر په میتود وکاروي او په دې باور شي چې باید د وجود راز په عقلي توګه حل کړي، نه شو کولای چې هغه د فیلسوفانو له صف څخه وباسو، آن که په هغه باندې دیني او عرفاني عقایدو هم اثر کړی وي. حقیقت دا دی چې د فلسفې مهم مسایل له همدې مباحثو څخه اخیستل شوي دي.

فلسفه د ژوند د ماهیت او د وجود په باره کې څېړنه ده. د واقعیت د بحث او ارزونې له پاره دوه لارې په مخ کې لرو، یوه په وحې او سنتو سره پیل او پای مومي او هغه دین بولو، بله چې په خپلواکه تفکر او عقل پورې تړلې ده هغه فلسفه بلل کېږي. فلسفي څېړنو له لرغونو زمانو څخه، د دې دوو لارو څخه یوه د خپلو مسایلو د حل له پاره اختیار کړې ده. یوه د انساني هستي د باطني یا معنوي دنیا له لارې او بله له دې څخه د باندې له لارې. د هندي تفکر ځانګړتیا داده چې د انسان باطني دنیا ته یې تر بهرنۍ دنیا څخه زیاته پاملرنه کړې ده. دغه تفکر له بهرنیو پدیدو سره په څېړنه نه پیل کېږي چې د هغه له لارې د واقعیت باطن ته لار پیداکړي، بلکې د دې خلاف د باطني دنیا په درک سره پیل کېږي او له هغه ځایه د پدیدو جهان خواته راځي، دا ډول برداشت د اوپانیشادو په فلسفه کې راڅرګند شو. په یونان کې هم لرغونو فلسفي مکتبونو همداسې لاره ونیوله یا لږ تر لږه دا ډول میتود د دوی له کُلي

برداشت څخه بهر نه و. هغه څه چې په اورفئوسي او فيثاغورسي فلسفه کې ښکاري دا مدعا تأييدوي. د سقراط ديالکتيکي روش له شکه پرته منطقي و، که څه هم ده ويل چې باطني غږ د هغه لارښوونه کوي. د يونان د ځينو فيلسوفانو پيغام هم، د هندي فلسفې په شان ((ځان دې وپيژنه)) و، د افلاطوني ايدياليزم په روش کې د راوروسته عرفان د تکامل نطفې وينو ځرنګه چې په باطني وجود باندې د تکامل د اګاهي نطفې ليدل کيږي، خو دهغه شاګرد ارسطو د دې دوو طريقو تفکرونو د هېڅ يو په پراخوالي کې لاس په کار نه شو. په هر صورت په پای کې عرفان ته په اسکندريه کې د ودې زمينه برابره شوه او په نوي افلاطوني فلسفه کې خپل اوج ته ورسېده.

د اورفئوسي آئين په اړه مؤرخان په دې کې واحد نظر لري چې دا مکتب د داسو عناصرو لرونکی دی چې په خپل ذات کې غير يوناني دی او له اسيايي سرچينې څخه يې خبرې کوي. له تن څخه د روح د خلاصون مفهوم د اورفئوسي آئين اصلي مضمون دی، تسلر وايي چې دا مفهوم له هند څخه ريښه اخيستې ده، خو له دې سره سره په دې باور دی چې يونانيانو هغه له ايران څخه تر لاسه کړی دی.(هماغه: مخ.۱۳).

موږ بايد دې ټکي ته پاملرنه ولرو چې هغه وخت په ايران کې زردشتي آئين په قوت سره شتون درلود.د هندي او يوناني فلسفې تر منځ يو بل ورته والی هم شته چې نه ښايی له پامه يې وغورځي، په يوناني فلسفه کې د عقل مفهوم د هندي فلسفې د آتمن له مفهوم سره چنداني بې شباهته نه دی، افلاطون د آناکساګوراس نظريات رد کړل او د دوو روحونو تر منځ په توپير قايل شو. يو يې نه فنا کيدونکی او بل يې فنا کيدونکی وبللو. فاني روح ((غير عقلاني روح)) (Irrational soul) د تن له تأثيراتو څخه آزاد نه دی او کولای شو هغه ((من)) (Ego) وبولو. نه فناکېدونکی روح ((د جهان مثال)) (Idea of the universe) يا کلي مثال دی او د تن له ټولو اغيزو څخه آزاد دی. هغه دا نه فناکېدونکی روح ((جهاني روح)) يا کلي روح بولي. که چيرې وغواړو چې د

افلاطون د فناکېدونکی او نه فناکېدونکی روح مفهوم سره مقابله کړو، وبه وینو چې د هندي فلسفې د جیو آتمن او پرم آتمن تر منځ کوم تفاوت او تقابل وجود نه لري. (هماغه: مخ.۱۱)

د فيثاغورث فلسفه د داسې عناصرو لرونکې ده چې ځانګړي د هندیانو دي. که چیرې د ده د نوم له اخیستو پرته د ده فلسفه شرحه شي دا ممکنه ده چې د هندي فلسفې څېړونکي به په اسانۍ سره هغه د هندي فیلسوف په ځای ومني. فروغي څرګندوي چې وروستنیو افلاطونیانو په خپلو نظریاتو کې د ختیځ له عرفاوو څخه ګټه اخیستې ده، هغه وايي: ((هغه اشارې چې د یونان ځینو لیکوالانو د هند مرتاضانو ته کړې دي او هغو يې لوڅ (Gymnosophistes) حکما بللي، د دې نظريې تأييد دي چې هغوی له ختیځ څخه ګټه اخیستې ده)).(۱۱: مخ.۵٦)

د سکندر د ژوند په راپورونو کې راغلي دي چې د هغه معلم، ارسطو له هغه څخه غوښتي وو چې غوارې د هندیانو په منځ کې له معارف څخه خبر شي. دا د دې مسألې څرګندونکې ده چې د هندي حکمت آوازه د سکندر له حملې وړاندې یونان ته رسېدلې وه.(٦: مخ.۱۳)

د هندیانو او یونانیانو تر منځ متقابلې اړیکې د اشوکه له عصر څخه وړاندې ټینګې شوې وې، دا ټکی څرګندوي چې د دوی تر منځ راکړه ورکړه تر سره شوې ده. یوناني فیلسوفانو د طالس له وخته چې د فلسفې مکتب بنسټ ایښودونکی و، له ختیځ سره اړیکې پیداکړې دي. نومینوس (Numenius) چې د آپامي له خلکو څخه دی وايي: ((هغه وخت چې فیثاغورث او افلاطون ایران ته راغلل، لرغوني مغان حکمت او هم يې هندي برهمنان حکمت، یونان ته معرفي کړل)). (۷: مخ.۳)

پایله

په پایله کې ویلای شو چې لرغوني یوناني فلسفه د لرغوني ختیځ له فکري چوکاټ څخه په ژوره توګه متأثره شوې ده. په ختیځ کې د فکري جوړښت

شکل نيونه له يونان څخه ډېره پخوا پيل شوې ده، په همدې دليل يوناني فلسفې ته د حقيقت د درک له پاره په تياره څه لاس ته ورغلل او يونانيانو په څه کمولو او زياتولو سره دا کمال درلود چې له هغو څخه نوي څه جوړ کړي. په دې ترڅ کې د لرغوني افغانستان د زردشتي آئين د زده کړو بنسټيزې اغېزې تر نورو زياتې د پام وړ دي، دا اغېزې د لرغوني يونان د ډېرو مفکرينو په فکري جوړښت کې په يو نه يو ډول شتون لري.

مأخذونه

۱- استفان، پانوسی. تأثيرات فرهنگ و جهان بيني ايرانی بر افلاطون، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ايران: تهران،۱۳۸۱.

۲- حبيبي، عبدالحی. د افغانستان لنډ تاريخ، ژباړن عبدالروف بينوا، دويم چاپ، دانش خپرندويه ټولنه: پيښور، ۱۳۸۲.

۳- حبيبی، عبدالحی. تاريخ مختصر افغانستان، جلد اول، د کتاب چاپولو موسسه: کابل، ۱۳۴۶.

۴- دورانت، ويل. تاريخ تمدن، ترجمه امير حسين آريان پور، جلد۲، انتشارات علمی و فرهنگی: تهران، ۱۳۷۶.

۵- دوستخواه، جليل. اوستا کهن ترين سرود های ايرانيان، چاپ۸ ، انتشارات مرواريد: تهران، ۱۳۸۳.

٦- رادا کريشنان، سروپالی. تاريخ فلسفه شرق و غرب، مترجم خسرو جهانداری، چاپ۲ ، جلد اول، انتشارات علمی و فرهنگی: تهران، ۱۳۸۲.

۷- رادا کريشنان، سروپالی. تاريخ فلسفه شرق و غرب: تاريخ فلسفه غرب، ترجمه جواد يوسفيان، چاپ دوم.جلد دوم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی: تهران، ۱۳۸۲.

۸- راسل، برتراند. تاريخ فلسفه غرب، ترجمه نجف دريا بندری، جلد اول، انتشارات شرکت سهامی افست: تهران، ۱۳۴۷.

۹- رُنان، کالین. تاریخ علم کمبریج، ترجمه حسن افشار، انتشارات نشر مرکز: تهران، ۱۳٦٦.

۱۰- فاخوری، حنا، جر، خلیل. تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، مترجم عبدالمحمد آیتی، چاپ۷، انتشارات علمی و فرهنگی: تهران، ۱۳۸۳.

۱۱- فروغی، محمدعلی. سیر حکمت در اروپا، چاپ دهم، انتشارات زوار: تهران، ۱۳۹٦.

۱۲- کاپلستون، فردریک چارلز. تاریخ فلسفه یونان و روم، مترجم جلال الدین مجتبوی، چاپ۸ جلد ۱، انتشارات علمی و فرهنگی: تهران، ۱۳۸۸.

۱۳- کومون، فرانس. ادیان شرقی د کافرکیشی رومی، ترجمه تیمور قادری، انتشارات امیر کبیر: تهران، ۱۳۸۳.

۱۴- کهزاد، احمد علی. تاریخ افغانستان، چاپ دوم، جلد اول، انتشارات میوند: کابل،۱۳۸۴.

۱۵- پانوسی، استفان. «تاثیرات شرقی در فلسفه یونانی»، کتابخانه مجازی الفبا،

لاسرسی

https://alefbalib.com/Metadata/655078/%D8%AA%D8%A3

مراجعه: [۱۱ / ۲ / ۱۴۰۳].

څېړندوی وجیه الله ظهیر

د علامه سید جمال الدین افغاني شخصیت او سیاسي مبارزه

The personality and political struggle of Sayed Jamaluddin Afghan

Assistant professor Wajiullah Zaheer

Abstract

Allama Sayed Jamaluddin Afghan, who had earned the great title of "Genius of the East" for himself, was born in Asad Abad, capital of Kunar province in a pious family of Sadaat tribe in 1838.

In his childhood, Sayed Jamaluddin Afghan started his basic education from his father and the best teachers of his neighborhood, and later he pursued modern science studies from well-known scholars in Kabul and then in Iran.

After his education, Allama Sayed Jamaluddin Afghan found his way to the court of Amir Dost Muhammad where he was assigned on a high ranked position in Amir’s kingdom due to his particular talent, knowledge and respected family.

After the death of Amir Dost Mohammad, Amir Sher Ali Khan became his successor. Allama Sayed Jamaluddin Afghan had good relations with him too in his this tenure. When his student (Amir Muhammad

Azam Khan) became the king of the Emirates, Allama Sayed Jamaluddin Afghan became his special adviser, some narrations say that he even became prime minister of his kingdom.

Allama Sayed Jamaluddin Afghan was still living in the country during the internal conflicts between the sons of the late Amir Dost Muhammad Khan, but when Amir Sher Ali Khan came to power for the second time, he was defamed by some conspirators in the court blaming him not in favor of Amir and finally he was forced to leave the country.

Before Allama Sayed Jamaluddin Afghan departs the country, he submitted a comprehensive and well-designed plan to Amir for reforms and development.

After that, Sayed Jamaluddin Afghan traveled a lot according to his political policy and was able to convey his Islamic, national and political thoughts to the world.

Sayed Jamaluddin Afghan's political struggle revolved specifically on the unity and strength of the Afghan nation and the Islamic Ummah as a whole. He wanted to see an independent and free Afghanistan in his life and defeat the conspiracies and of the British occupiers and the supporters of the school of imperialism.

Allama Sayed Jamaluddin Afghan lived for these best goals and struggled a lot to achieve these goals. These and other similar issues are what I have discussed in this scientific-research and I have summarized it with the preface, conclusions and recommendations.

لنډيز

علامه سيد جمال الدين افغاني چې د" ختيځ نابغه "ستر لقب د ځان لپاره خپل کړی، د کونړ ولايت د اسعد آباد په سيمه کې يې په يوې ديندارہ کورنۍ او د ساداتو په قوم کې دې نړۍ ته په(۱۸۳۸ ز = ۱۲۱٦ ل)کال سترګې

غړولي . سيد په کوچنيوالي کې زده کړې له خپل پلار او د چم مالت له غوره ښوونکو څخه وکړې او وروسته يې په کابل او بيا ایران کې د وخت مروجه علوم له غوره او پوهو علماوو څخه زده کړل.له زده کړو وروسته علامه افغاني د امير دوست محمد دربار ته لاره پيدا کړه او هغه ورته د ځانګړي ذکاوت، پوهې او د درنې کورنۍ له امله په خپل سلطنت کې غوره او لوړ مقام ورکړ.

د امير له مرګ څخه وروسته د هغه ځايناستی(امير شېرعلي خان) شو، هغه سره هم علامه افغاني په پيل کې نېکې اړيکې درلودې او کله چې يې شاګرد(امير محمد اعظم خان) د امارت په څوکۍ کېناست، نو علامه افغاني د هغه د سلطنت په کمه موده کې د هغه ځانګړی مشاور او د ځينو رواياتو له مخې صدراعظم شو. علامه افغاني د مرحوم امير(دوست محمد خان)د زامنو ترمنځ کورنيو جګړو کې هم هېواد کې مېشت و، خو کله چې امير شيرعلي خان د دوهم ځل لپاره واک ته ورسېد، په دربار کې د يو شمېر دسيسه کوونکو له لوري چې ګواکې د علامه افغاني فکر ستاسو په ګټه نه دی، تخريب شو او بالاخره هېواد پرېښودلو ته مجبور شو .

مخکې له دې چې علامه افغاني هېواد ترک کړي، امير ته يې د اصلاحاتو او ترقۍ يو منظم هر اړخيز پلان تسليم کړ. نوموړي له هغې وروسته د خپلې سياسي پاليسۍ او سياست له مخې ډېر سفرونه وکړل او ويې کولی شول چې خپله اسلامي، ملي او سياسي مفکوره تر نړيوالو ورسوي.

د علامه افغاني سياسي مبارزه، په ځانګړي ډول د افغان ملت او په ټوله کې د اسلامي امت په يووالی او وحدت څرخېده. هغه غوښتل چې په خپل ژوند يو خپلواک او مستقل افغانستان ووينی او د انګرېزي ښکېلاکګرو او د امپرياليزم د مکتب د پلويانو توطيې او دسيسې شنډې کړي .

علامه افغاني د همدغو غوره موخو لپاره ژوند وکړ او په دې لاره کې يې ډېرې سختې او ربړې ولیدې .دا او دې ته ورته نور مسايل هغه څه دي چې ما

په نوموړې علمي -څېړنیزې مقالې کې ورته ځای ورکړی او په سریزې، پایلې او غوره وړاندیزونو مې پای ته رسولې.

سریزه

د ختیځ نابغه او د افغانستان د معاصر تاریخ ځلانده او روڼ ستوری(علامه سید جمال الدین افغاني) داسې مهال خپله اسلامي، سیاسي او ملي مبارزه پیل کړه چې افغانستان هغه مهال د نیمه مستعمره هېواد په توګه د آسیا په زړه کې قرار درلود. دا هغه وخت و چې د برتانوي هند راج زموږ پر ګران هېواد چلېده او داسې فکر او شخص نه و چې پر وړاندې یې په کلکه ودرېږي او چلنج یې کړی. که هر چارواکی به د واک پر ګدۍ کېناست، له مجبوریته به یې د برتانوي هند ګټې پاللې او د افغانستان بهرنۍ سیاست د انګرېزي ښکېلاکګرو په تورو او وحشي لاسونو کې و.

دغسې یو بد او کرغېړن حالت د هېواد یو تکړه عالم، داعي او ملي شخصیت (علامه افغاني) دې ته وهڅوه چې د دغه استعماري قوت پر وړاندې سیاسي مبارزه پیل کړي او د دوی له دسیسو او بدو توطیو افغان ملت او په ټوله کې اسلامي امت خبر کړي.

علامه افغاني وکولی شول چې په کم وخت کې دغه ښکېلاکګر چلنج کړي او ورته ثابته کړي چې د دې هېواد په بچیو کې لا تر دې دمه یو څوک شته چې د دوی پر خلاف ودرېږي او شوم پلانونه یې د ژبې او قلمي مبارزې له مخې خنثي کړي او په هر ډګر ورته ماتې ورکړي.

په دغه علمي – څېړنیزه مقاله کې چې له غوره او معتبرو منابعو څخه په کې ګټه اخیستل شوې، دا او دې ته ورته نور موضوعات چې د علامه افغاني سیاسي مبارزه په بر کې رانغاړي، پرې بحث شوی او دغې مقاله پرې پوره شوې.

د څېړنې مبرمیت

دا چې د ختيځ نابغه(علامه سيد جمال الدين افغاني) د هېواد د معاصر تاريخ یو له نومیالیو مبارزینو، مفکرینو، عالمانو، لیکوالانو او سترو داعیانوله ډلې څخه یوه وتلې څېره ده، نو اړتیا وه چې په علمي،ټولنیز شخصیت او سیاسي مبارزې باندې يې هر اړخیز بحث وشي، څو راتلونکی نسل يې له خدمتونو، ستړیاوو او هلو ځلو څخه په پوره معنا خبرتیا ترلاسه او خپل راتلونکی پرې روښانه کړي.

د څېړنې موخه

د دې څېړنیزې - علمي مقالې بنسټیزه موخه دا ده چې د علامه سيد جمال الدين افغاني په شخصیت، فعالیتونو او سیاسي مبارزې باندې د وس په توان په رښتینې معنا هر اړخیزه څېړنه د ګټې اخیستنې لپاره ترسره شي.

د څېړنې مېتود

په دې علمي – څېړنیزه مقاله کې د څېړنې له توصیفي، تحلیلي، تشریحي او تاریخي مېتودونو څخه ګټه پورته شوې او هڅه شوې چې په څېړنه کې د څېړنې ټول اصول په ښه ډول رعایت شي.

د څېړنې پوښتنې

د ختيځ نابغه(علامه سيد جمال الدين افغاني) څرنګه شخصیت درلود؟ د خپل ژوند په دوران کې يې خپله سیاسي مبارزه د کومو اصولو او قوانینو له مخې پرمخ یوړه او د یادې مبارزې په پایله کې په ټولنه کې کوم تغییرات او نوښتونه رامنځته شول؟

۱ – د علامه سيد جمال الدين افغاني پېژندنه

سيد جمال الدين افغان په (۱۸۳۸ ز = ۱۲۱٦ ل) د کونړ ولایت د (اسعد آباد) په سیمه کې او د (سید صفدر) په کور کې دې نړۍ ته سترګې وغړولې چې د نسب سلسله يې د سید علي ترمذي(بشیر غوث الاعظم دستګیر) له لارې زموږ د مهربانه پیغمبر صلی الله علیه وسلم، د نازولي لمسي (امام

حسین رضی الله عنه) ته رسېږي. د علامه افغاني کورنۍ د کونړ له نامتو سیدانو څخه ده چې نه یواځې په کونړ، بلکې د افغانستان د امیرانو په دربار کې هم ورته د قدر په سترګه کتل کېدل.(۱۰: ۳ مخ)

علامه افغاني میانه قد، غنمي رنګ او تند مزاج درلود. د سرکاسه یې برابره غټه وه اوتندی یې په مناسب ډول پلن و. سترګې یې غټې وې او مخ یې غوښن و. سینه یې پراخه او ډېر با وقاره او ښایسته ښکارېده. په لومړي ملاقات کې به یې لوی هیبت درلود. له سترګو څخه به یې ځلا ختله، داسې چې ګمان به کېده چې په توره تیاره کې برق ځلېږي. د اخلاقو په اړه یې تکړه شاګرد محمد عبده وایي: د زړه سلامتیا او سپېڅلتیا یې په ټولو خویونو او اوصافو کې له ورایه معلومېده. حلیم او سنګین انسان و. صبر او حوصله یې درلوده او ډېر شیان یې زغملی شول. د خپل دین، عقېدې او شرف پر وړاندې ډېر حساس و. که چا به په دې شیانو وننګوه، نو د حلم او نرمۍ ځای به یې غوسې او قهر نیوه. د دې ترڅنګ دومره سخي او جواد و چې هر څه به یې په لاس کې و، د اړتیا پر مهال به یې له خلکو نه درېغول. په خدای ج یې کلک او ټینګ باور و. د زماني پېښو باندې یې خپل چورت نه ورانوه. په امانت کې یې خیانت نه کوه. د نرم چلند پر وړاندې نرم او د سخت چلند په مقابل کې تر هر چا سخت و.(۴: ۲۸۴مخ)

په افغانستان کې د سید جمال الدین کورنۍ د غټ نفوذ او اقتدار خاونده وه او د افغانانو په زړونو کې یې لوړ مقام درلود او درناوی یې کېده. د درناوي سبب یې هم سید توب و. داسې ویل کېږي چې د افغانستان په یو ګوټ کې یې په خپلواک ډول حکومت کاوه چې د یو ولایت په اندازې و، ترڅو چې امیر دوست محمد خان پرې غلبه وکړه او د علامه افغاني پلار او ترونه یې کابل ته واستول.(۴: ۲۵۵مخ)

دا چې امیر د علامه افغاني پلار(سید صفدر) ته د قدر په سترګه کتل، نو ځکه یې په دربار کې ورته لوړ مقام هم ورکړ. دا هغه وخت و چې د علامه

افغاني سن(۸) کلونو ته رسېدلی و. د نوموړي پلار له لومړي وخته د خپل زوی په ذکاوت، هوښیارتیا او ځیرکتیا باندې پوهېده، نو ځکه یې د وخت غښتلو علماوو او پوهانو ته کېنوه. که څه هم د علامه افغاني لومړی استاد خپل پلار دی، خو بیا یې هم وکولای شول چې په کم وخت کې د پلار د درس ترڅنګ له نورو ښوونکو هم د وخت مروجه علوم زده کړي. د بېلګې په توګه په صرف، نحوې، معاني، تصوف، ریاضي، هندسه، نجوم، تاریخ، تشریع، طبیعي حکمت او په نورو علومو یې پوره برلاسي ترلاسه کړه. د کونړ د اسعد آباد د سیمې دغه شخصیت، په کمکیتوب کې له ځانه ډېر متبحرانه نوښتونه ښودل او په زلمیتوب کې یې د نابغه توب او د علم آوازې هر لور ته خورې شوې.(۱۱: ۹ – ۱۰ مخونه)

علامه افغاني (۷)کلن و چې کورنۍ یې کابل ته راغله او همدغه وخت یې خپلې زده کړې پیل کړې او د یو شمېر علومو زده کولو وروسته یې د نورو زده کړو لپاره د ایران «قزوین» نومې سیمې ته ولاړ. تر(۱۸)کلنۍ پورې هملته و او د (مرتضی انصاري) او نورو علماوو څخه یې د مروجه علومو په برخه کې ډېر څه ترلاسه کړل. له هغه ځایه د لا زیات علم د یادولو په موخه هند ته ولاړ. په هند کې یې یو کال تېر کړ او وروسته له هغې د مکې پر لور وخوځېد او هلته یې د حج مبارکه فریضه اداء کړه. د دغو سفرونو په لړ کې نوموړي هم زده کړې وکړې او هم یې د فکر یوه برخه د ګاونډیو هېوادونو په سیاسي او ټولنیز حالت بوخته وساتله. وروسته د مکې له سفر څخه د ایران له لارې بېرته خپل هېواد ته را وګرځېد.(۵: ۴۵ مخ)

د علامه افغاني د شخصیت په اړه په ټوله کې ویلی شو چې نوموړی د افغانستان او اسلامي نړۍ یو وتلی عالم او ټولنیز شخصیت و. هغه د خپل ژوند په لړ کې په زیاتو هېوادونو ګرځېدلی و. په ګڼو ژبو لکه پښتو، فارسي، اردو، انګلېسي، عربي، ترکي او فرانسوي پوهېده. د ده ټول ژوند له منډو ترړو او ستړیاوو ډک و. زیات سفرونه یې کول چې ځینې یې په خپله خوښه او

ځينې به يې د سياسي مجبوريتونو له امله وو. د حيرانتيا وړ خبره دا وه چې کله به کوم هېواد ته ولاړ، پيل کې به د يادو واکمنانو له لوري له تود هرکلي سره مخامخ شو، خو وروسته به ورسره مخالف شول. علامه افغاني د اسلامي هېوادونو وروسته پاتې والی او په هغو کې د اروپايي هېوادونو نفوذ، سياسي ځواک او پرمختګ په سترګو ليده او په دې اړه به يې تل ويناوې او بحثونه کول.(۵: ٦ ۴ مخ)

الف – د علامه سيد جمال الدين افغاني په اړه د پوهانو نظريات

که څه هم سيد جمال الدين افغاني ډېر معرفت او پېژندنې ته اړتيا نه لري، هر تعليم يافته او پوه شخص يې له نوم سره څه ناڅه آشنا دی، خو بيا هم د بحث د ښکلا او بډاينې لپاره غواړم د څو محدودو پوهانو نظريات چې د علامه سيد جمال الدين افغاني په اړه يې ويلي، دلته را نقل کړم.

استاد محمد عبده چې د مصر هېواد يو نامتو او منلی عالم دی هغه د علامه افغاني په اړه ويلي، هغه تېز نظر او ډېره دانايي چې لوی او بخښونکي خدای ج په چا پېرزو کړې هغه داسې وي لکه سيد جمال الدين. زياتوي، په دې سليزه کې د اسلام مبارک دين د جاګيردارانو د ظلم پر سبب د نابودۍ کندې ته سپارل کېده، خو همدا و چې دين يې دنابودۍ له تورې کندې څخه وژغوره او پرې ننګ يې وکړ او دين ته يې د انسانيت د پېژندګلوۍ لوړ مقام په برخه کړ.

سيد جمال الدين افغاني چې د شرق او غرب د عالمانو او فاضلانو د ځانګړې پاملرنې وړ دی، په اړه يې يو امريکايي ليکوال ليکي، سيد جمال الدين د مسلمانانو له ډلې څخه لومړنی کس دی چې د غرب د واکمن کېدو او ځواکمن کېدو خطره يې په شرق کې د اسلام د دين لپاره د ډار او لوی خطر زنګ وباله. ډاکټر چارلز يې په اړه وايي، د هغه لوړ مقامه څېرې ټولې نړۍ ته لار ومونده او هر ځای يې لويې غونډې او جرګې وکړې.

دغه راز برناد مشیل یې په اړه زیاتوي، عامه افغاني چې هر وطن ته تللی، هلته به حرکتونه او انقلابونه رامنځته کېدل او هلته به ولسونه لکه د دېګ په شان په جوش راتلل. مستر بلانت یې په اړه لیکي، د علامه افغاني نابغه توب او لوړوالی په دې کې دی چې کله به دخطابې میز ته ودرېد، کوښښ به یې کاوه چې د اسلامي هېوادونو پاملرنه د اسلام دین اساسي کړنلارې ته جلب کړي او هم مسلمانان علمي روزنې ته لېواله کړي. ارنست رنان وایي، په لومړۍ لیدنه کې مې نوموړی د یو آزاد او خپلواک انسان په توګه وموند. همدارنګه مستر براون داسې عقیده لري، د سید جمال الدین د ژوند مبارزې او تاریخ ته کتنه، د شرقي حکومتونو او دولتونو تاریخ ته ځغلنده کتنه ده، په دې معنا چې حقایق درته ښکاره کوي. فرانسوي لیکوال رشفورد بیا وایي، په دې کې هېڅ شک نشته چې سید جمال الدین د آخرې زمانې پیغمبر سره د وینې پیوند لري. ولیام مکلوري کاناډایي لیکوال بیا علامه افغاني هغه څراغ ګڼي چې د ټول شرق لپاره یې لاره روښانه کړې.(۲: ۲۱ – ۲۹ مخونه)

ب – د علامه سید جمال الدین افغاني اصلیت او ملیت

د علامه افغاني د ځای او اصلیت په هکله ډول – ډول لیکنې او خبرې شته، هغه داسې چې ځینې یې افغان او ځینې یې د ایران بولي، خو هغه لیکنې چې په واقعیتونو ولاړې دي او ډېر پیروان لري هغوی په دې باور دي چې علامه افغاني اصلاً افغان(ملت یې افغان) دی او د کونړ د ولایت د اسعد آباد په سیمه کې زېږېدلی، نه د ایران په اسعد آباد کې.(۲: ۱۲ مخ)

برهان الدین قلیچ خان چې د علامه افغاني یو له تکړه شاګردانو ځینې و، هغه وایي چې ما یو ځل له خپل استاده وپوښتل چې ځینې خلک تا ایرانی بولي، د دې سبب څه دی؟ هغه وویل، زه د کونړ د سیدانو له مشهورې کورنۍ څخه یم. د شیخ جمال الدین په نامه یو مبلغ د ایران اوسیدونکی و، کوم ځای ته چې زه تللی یم نو هغه هم تللی و، په دې سبب ځینې وګړي په نا فهمۍ سره ما شیخ جمال الدین ګڼي، په داسې حال کې چې داسې نه ده او

دا گمان ډېر ناسم، ناوړه او او درواغ دی. زه کله هم ایرانی نه یم، بلکې افغان یم او په دې خبره ټول افغانان شاهدان دي او ما پېژني.(۱۲: انټرنټ)

دغه راز د کونړ پخوانیو خلکو ته هم ښه معلومه ده چې علامه افغاني د کونړ د اسعد آباد(صفدر کټ) په کلي کې نړۍ ته سترګې پرانیستي دي. دا چې ایرانیان یې ایرانی بولي او د همدان د اسعد آباد کلي ته یې منسوبوي، ترکیان یې ترکیې ته او هندوستان یې هند ته منسوبوي، دا د هغوی تشې دعوې دي، خو دا موضوع لکه د لمر په څېر روښانه ده چې هر هېواد غواړي نړیوال او وتلي شخصیتونه او د هغوی ویاړلی مقام ځان ته منسوب کړي، خو بیا واقعیت د دوی په خوښه نه تاییدېږي. د غه ټول نظریات په دې سم نه دي چې د علامه افغاني د نظر خلاف خبرې دي، ځکه چې هغه خپله د خپل افغاني توب د ثقه ثبوت سند داسې وړاندې کړی دی: «من سکنة کابل من اهالی الأفغان سید جمال الدین من سادات کنر».(۱۱: ۱۲ مخ)

۲ – د علامه سید جمال الدین افغاني سیاسي هڅې

سید جمال الدین افغان داسې مهال سترګې دې نړۍ ته غړولي او په داسې یوې ټولنه کې تر زلمیتوب پورې رسېدلی، چې هغه مهال افغانستان په یوه نیمه مستعمره حالت کې قرار درلود، په دې معنا چې افغانستان په داخلي امورو کې خپلواک او په بهرني سیاست کې د انګرېزانو د سیاست تابع و.

همدغه حالت ته په کتلو سره علامه افغاني وکولای شول چې په ځوانه ځواني کې د افغانستان شاهي دربار ته لاره پیدا کړي او د افغانستان د ریښتینې سیاسي خپلواکۍ د ګټلو لپاره او دغه راز د اسلام د خپراوي او د امپریالېزم د مخنیوي لپاره خپله سیاسي مبارزه په لاره واچوي، په کومه کې چې تر ډېره بریده بریالی هم و او ویې کولی شول چې خپل خپلواک سیاسي فکر، طرحې او پلانونه د هغه مهال تر چارواکو ورسوي، سفرونه وکړي او په دې لاره کې بې شمېره لارویان پیداکړي. په همدې اساس دلته لومړی اړینه

بولم چې د افغانستان په شاهي دربار کې د علامه افغاني په سیاسي مبارزې او بیا یې په نورو سیاسي هلو ځلو لږ رڼا واچوم.

الف – د افغانستان د سیاسي خپلواکۍ د ګټلو لپاره د علامه سید جمال الدین افغاني سیاسي مبارزه

علامه افغاني چې کله د حج د فریضې د اداء کولو په خاطر حجاز(مکې) ته ولاړ، نو دغه مسافرت یې یو کال اوږد شو، په دغه موده کې له یو ښار نه بل ښار ته او له یو هېواد نه بل هېواد ته ولاړ. په دغه موده کې نوموړی د هغو ملتونو له ډېرو دودونو او رواجونو سره آشنا شو او ویې کولی شول چې ستره ګټه ترې واخلي. کله چې د ایران له لارې بېرته خپل هېواد ته راستون شو، نو د امیر دوست محمد خان دربار ته یې لار پیداکړه او د هغه د باور وړ وګرځېده.

وروسته چې کله امیر بیا په هرات باندې یرغل ور وړ، علامه افغاني هم ورسره ملګرتیا کوله او د هرات د محاصرې په ټوله دوره کې ورسره و، تر دې چې امیر دوست محمد خان په هرات کې وفات شو او بیا هرات له اوږدې محاصرې وروسته فتحه شو. د امیر له وفات وروسته(۱۸۶۰ ز = ۱۲۸۰ ل) د امارت په څوکۍ امیر شېرعلي خان کېناست او د پلار ځایناستی شو. نوی امیر واک ته رسېدو سره سم وزیر محمد رفیق خان ولمساوه چې خپل ټول ورونه ونیسي او بندیان یې کړي، په تېره بیا هغه ورونه چې له ده مشران دي،که چېرې داسې ونه کړي نو هغوی به ضرور د امارت پر وړاندې فساد وکړي. دغه وخت د هرات په لښکر کې د امیر درې وروڼو(محمد اعظم، محمد اسلم او محمد امین) شتون درلود او علامه افغاني هم د محمد اعظم خان ملګرتیا کوله.(۳: ۳۷ مخ)

کله چې دغه ورونه د امیر د بد فکر او تدبیر څخه خبر شول، هر یو ځانونه هغو ولایتونو ته ورسول چې د پلار د فرمان له مخې ورته ورکړل شوي وو. هلته

په رسېدو سره يې د هغه ځای له خلکو همکاري وغوښته او پایله دا شوه چې د ورونو ترمنځ خونړي جنګونه او فتنې رامنځته شي.(۱: ۵۱ مخ)

د څېړونکي منيب په قول، د افغانستان شمالي سيمې هغه مهال د امير دوست محمد خان له لوري محمد افضل خان، د زرمت(پکتيا) سيمه محمد اعظم خان او د کندهار سيمه محمد امين خان ته سپارل شوې وه.(۹: ۱٦٦مخ)

د دغو کورنيو جنګونو سرو لمبو ته انګرېزانو هم لمن وهله او پوکي يې ورکول، ځکه چې د هغوی ګټه د تل په څېر په دې کې وه چې نور په خپل منځ کې مخالف او وران کړي. کله چې نوموړی بد حالت علامه افغاني وليد، نو ځان سره يې ټينګه ژمنه وکړه چې هرومرو بايد د انګرېزانو لاس له ختيځ څخه لنډ کړي.

په افغانستان کې د دې کورنې اختلاف لامل دا و چې د مرحوم امير په لښکر کې له امير شېرعلي خان څخه پرته نور زامن(محمد اعظم خان، محمد اسلم خان او محمد امين) يې هم حاضر وو، کله چې امير وفات شو، د دې ورونو ترمنځ د واک پر سر اختلاف پيدا شو او امير شېرعلي خان د خپل وزير(محمد رفيق خان) په مشورو خپل ورونه له دولتي ډګره ووېستل او هغوی هم د افغانستان نورو ولايتونو ته خواره شول او له هر لوري يې د شېرعلي خان پر ضد کورنۍ جګړې پيل کړې.(۴: ۳۵۹ مخ)

ځينې څېړونکي بيا په دې اند دي چې علامه افغاني د مرحوم امير(دوست محمد خان) په دربار کې لوړ مقام درلود، آن تر دې چې د امير نږدې دوست (مصاحب) يادېده. کله چې امير په هرات کې په (۱۲۸۰ ل) کال وفات شو، ځای يې زوی(شېر علي خان) ونيو. نوي امير هم علامه افغاني ته هغه دندې وسپارلې، کومې چې د پلار له لوري ورته سپارل شوې وې. نوموړی چې د نوي امير د پوره باور او درناوي وړ و، نو د دربار او دفترونو ټولې چارې يې د خپل مديريتي سليقې او مهارت له مخې ښې سمبالې کړې او په لومړي ځل

په افغانستان کې د نوي عصر اردو د رامنځته کولو لپاره کوټلي گامونه واخیستل شول او وروسته بیا د امیر شېرعلي خان له لوري د عصري اردو بنسټ کېښودل شو او د شېرپور په فقیر آباد کې یې ورته عصري ودانۍ هم جوړې کړې. په پښتو د عسکري نوي اصطلاحات، رتبې او عسکري قوماندې یې له انگلیسي ژبې پښتو ته واړولې. دغه راز د دولتي ښوونځیو او روغتونونو ترځنگ د پوستي چارو او د وزیرانو د هیأت رامنځته کېدل ټول هغه څه وو چې د امیر له لوري د علامه افغاني د مشورو او سیاسي فکر په ترڅ کې رامنځته شول.(۱۱: ۱٦ مخ)

علامه افغاني له پیل نه د محمد اعظم خان پلوي و. کله چې د کورنیو جگړو په پایله کې امیر شېرعلي خان د محمد اعظم خان او عبدالرحمان خان د لښکرو له لوري له ماتې سره مخامخ شو، پیل کې د محمد اعظم خان او د عبدالرحمان خان له لوري محمد افضل خان(اعظم خان ورور او د عبدالرحمان خان پلار) د غزني له زندانه آزاد شو او د امیر په توگه وټاکل شو، خو هغه له یو کال امارت څخه وروسته وفات شو او ځای یې محمد اعظم خان ونیو. په دې وخت کې علامه افغاني زیات نفوذ درلود، آن تر دې چې د صدارت چارې یې پرمخ وړې او امیر محمد اعظم خان هېڅ کار د ده له مشورې پرته نه کاوه.(۴: ۲٦۰ مخ)

امیر محمد اعظم خان چې کله د سلطنت پر تخت کېناست، یوه مهمه ستونزه یې انگرېزانو سره مخالفت و، هغه داسې چې انگرېزانو غوښتل او ځانگړې علاقه یې درلوده چې په کابل کې داسې سلطنت رامنځته کړي چې د برتانوي هند گټې خوندي او وپالي او هم د دوی پالیسي پرمخ یوسي. دا چې علامه افغاني د محمد اعظم خان استاد او ځانگړی مشاور و، امیر ته یې د دې اجازه ورنکړه چې د انگرېزانو خبره ومني او د هغوی پالیسي پرمخ یوسي، ځکه چې نوموړی د انگرېزانو سرسخت دښمن او خلاف و. علامه افغاني نه غوښتل چې د افغانستان بهرنی سیاست د انگرېزانو په لاسونو کې

وي او تل يې هڅه کوله چې د انګرېزانو پلانونه خنثی کړي. همدغه سبب و چې د برتانوي هند د استخباراتو د تعقيب او څار لاندې هم و.(٦: ٢۴ مخ)

د امير دوست محمد خان له مرګ څخه وروسته علامه افغاني د کورنيو جګړو پر مهال د محمد اعظم خان همکارۍ ته مخکې شو، کله چې محمد اعظم خان په جګړه کې بريا ترلاسه کړه، نوموړی يې د صدراعظم په توګه مقرر کړ. د ده د علمي هلو ځلو په پايله کې د دولت کارونه دخلکو پر وړاندې روښانه او معلومداره شول. لازم اصلاحات منځته راغلل چې دغه حالت په ټوله کې انګرېزانو ته د قبول وړ نه و، نو ځکه يې ډېرې پيسې مصرف کړې، د اعظم خان کسان يې په پيسو واخيستل او په دې هڅه کې وو چې يو ځل بيا د اعظم خان ځای په امير شېر علي خان ډک کړي.(٣: ١۵٨ مخ)

د کورنيو جګړو په ترڅ کې چې کله له ماتې وروسته محمد اعظم خان ايران ته وتښتېد او امير شېرعلي خان د دوهم ځل لپاره د واک پر څوکۍ کېناست، د دربار يو شمېر توطيه کوونکو وروسته له څه وخت تېرېدلو امير له دې خبرې خبر کړ چې علامه افغاني د محمد اعظم خان استاد دی او نوموړی تاسو سره کله هم همکار نه شي پاتې کېدلی، په داسې حال کې چې امير دا وخت هم علامه افغاني ته د قدر په سترګه کتل. په دې ډله کې (محمد رفيق خان لودي) هغه شخص و چې په دربار کې يې د علامه افغاني له پوهې او نفوذ څخه وېره درلوده، نو په همدې بنسټ يې د امير نظر خراب کړ، پايله دا شوه چې د امير په امر علامه افغاني هېواد ترک کړي او د ايران له لارې پرته په بلې لارې له هېواده ووځي. نوکله چې بيا علامه افغاني له هېواده روانېده، د امير شېر علي خان لپاره يې د اصلاحاتو يو مفصل طومار(پلان) ليکلی و او هغه ته يې وسپاره. په دې هر اړخيز پلان کې علامه افغاني د عصري کابينې، مواصلاتو، مطبوعاتو، معارف، اردو او آن د اقتصاد په اړه يادونې کړې وې. نوموړي امير ته ليکلي وو چې انګرېزان د ټول ختيځ دښمنان دي، خو په دښمنۍ کې په دې برياليي دي چې په ختيځ کې ټول

نظامونه د استبداد پر بنسټ ولاړ دي او خلک د ناپوهۍ څخه د خرافاتو په کنده کې پراته دي او د دغو ملتونو خلاصونه له یاد شیانو څخه د پاچاهانو دنده او مسؤولیت دی.(۷: ۹۹ مخ)

د امیر محمد اعظم خان په تېښتې او ایران کې یې پر مړینې کورنیو جګړو پای وموند، علامه افغاني د اعظم خان په څېر له تېښتې منع راوړه او د امیر شېر علي خان په دوهم ځل بریالیتوب سره بیا هم کابل کې پاتې شو. امیر شېر علي خان د ده دکورنۍ له امله په دې ونه توانېد چې ده ته کوم ضرر ورسوي، دغه مهال خپله علامه افغاني وغوښتل چې هېواد ترک کړي، هماغه و چې له امیر څخه یې د وتلو اجازه وغوښته، هغه هم په دې شرط چې ایران ته ولاړ نه شي او هلته له محمد اعظم خان سره یو ځای نه شي د وتلو اجازه ورکړه، په دې ډول نوموړی له افغانستان څخه په ۱۲۵۸ل.کال ووت او د هند له لارې حجاز ته ستون شو.(۴: ۲٦۱مخ)

له پورته څېړنې څخه څرګنده شوه چې علامه افغاني د افغانستان د بشپړې خپلواکۍ لپاره نه سترې کېدونکې هلې ځلې کړي. نوموړی د خپل وخت هغه ځیرک او سیاسي شخصیت و چې د یو هېواد خپلواکي او استقلالیت یې له هر څه معتبر ګڼل او په دې لاره کې یې له پیل نه تر مرګه پورې پوره هڅه کوله. سیدجمال الدین د همدغې پاکې او سپېڅلې مفکورې له مخې د انګرېزانو ضد و او نه یې غوښتل چې د برتانوي هند ګټې په افغان خاوره کې وپالي. د ده کوښښ تل همدا و چې په ځانګړي ډول د افغان چارواکو او په ټوله کې د مسلمانانو پاملرنه همدې نکتې ته را واړوي او د اصلاحاتو په یو منظم پلان سره افغانستان له جدي خطرونو وژغوري.

ب – د اسلام په خپراوي او د امپریالېزم پر ضد د علامه سیدجمال الدین افغاني سیاسي مبارزه

سید جمال الدین افغان چې یوې مذهبي، دیني او علمي کورنۍ سره تړاو درلود، د ژوند له پیل څخه په یوه اسلامي، دیني او ملي روحیې سمبال و. له

هماغه اوله یې له خپل پلار او نورو ښوونکو څخه د دین د خدمت او د هېواد پالنې درس زده کړی و. همدغه سبب و چې خپل ټول ژوند یې اسلامي او ملي مبارزې ته وقف کړی و او په دې لاره کې یې نه ستړې کېدونکې هلې ځلې وکړې.

علامه افغاني د خپلې سیاسي او اسلامي مبارزې په دوران کې ډېر ستړې او ربړې وګاللې، په دې لاره کې له ډېرو خنډونو سره مخامخ شو. د ده یواځینی موخه په اسلامي هېوادونو کې د مسلمانانو یووالی، برابروالی او وحدت و. دا چې هغه مهال د انګرېزانو او استعمارګرو د توطیو او دسیسو په ترځ کې د نړۍ مسلمانان ټوټه – ټوټه او فرقه – فرقه وو، نو ده غوښتل چې دغه ټوټه کېدل او پارچه کېدل په یووالي او وحدت بدل کړي او په سیمه کې د انګرېزانو استعمار ته ماتې ورکړي.(۳: ۹٦ مخ)

د علامه افغاني لومړی او وروستی هدف د نړۍ د مسلمانانو یووالی وو، په ځانګړي ډول د ختیځ د مسلمانانو چې د دښمنانو په لاسوهنو یې یووالی کم رنګه او پیکه شوی و. نوموړي د مسلمانانو یاد بد وضعیت او حالت نه شوی زغملی، نو د همدې لپاره یې مسلمانان اسلامي، ملي او سیاسي مبارزې ته هڅول او دوی ته یې د پوهې او سیاسي بصیرت په ترلاسه کولو ټینګار کوه. (۱۳: انټرنټ)

علامه افغاني چې د اسلامي او ملي فکر څښتن و، تل یې هڅه کوله چې د کفري نړۍ ټول هغه شوم پلانونه چې د اسلامي نړۍ پر خلاف یې جوړول رنګ کړي. دی چې د هېواد پالنې او په اسلامي روحیې سمبال و، غوښتل یې چې د عیسایي اروپا، انګرېزي ښکېلاک او امپریالېزم پر خلاف نه ستړې کېدونکې سیاسي مبارزه وکړي. له شک پرته چې علامه افغاني د اسلامي نړۍ د اوسنۍ ویښتیا ستر بنسټ ایښودونکی او امام دی. نوموړی لومړی مسلمان و چې د لویدیځ د نیواک راتلونکي خطرونه یې په ښه توګه سره محسوس کړل او خپل پاتې عمر یې د دغه خطر سرببره د اسلامي نړۍ په

پوهولو ولګوه او انګرېزي ښکېلاګرو ته يې خپل ډار وښود. ايډورډ براوون د علامه افغاني په اړه ليکي، سيد جمال الدين د اسلامي هېوادونو د ويښتيا لپاره ډېر ستر کارونه وکړل او د لويديځو هېوادونو د ښکېلاک پر ضد يې د يووالي بلنه ورکړه. هانس کهان يې په اړه ويلي، د علامه افغاني مخالفينو هم د ده حقانيت منه، هغه يو اغېزمن وينا کوونکی، علمي پانګه، سم اند او مذهبي سپېڅلتيا لرله. (۱۲: انټرنټ)

دا چې علامه افغاني د اخلاقو له مخې يو بې آلايشه، يو مخی، بې ريا او لوی سړی و، نو په همدې سبب يې غير مسلمانو شخصيتونو هم ستاينه کړې. امريکايي ليکوال(لوثروب) يې په اړه وايي، علامه افغاني لومړنی مسلمان دی چې پر ختيځو اسلامي هېوادونو د لويديځو هېوادونو له خوا په خطر وپوهېده او د دوی اسلامي ضد مظاهرو څېره يې ډېره بده راغله، نو را پورته شو چې د يو فکري او ټولنيز انقلاب له لارې د ختيځو اسلامي هېوادونو له سيمو څخه دغه خطر محوه کړي. علامه سيد د عالم اسلام د راويښولو د نهضت په لار کې، د ښکېلاګرو، کفري نړۍ او امپرياليزم پر وړاندې له سياسي مبارزې او له هېڅ ډول کوښښ څخه ډډه ونه کړه او هر ځای چې به يې ګام پورته کړ، نو تر شا به يې فکري او ټولنيز انقلاب زور اخيست.(۱۱: ۳۷ مخ)

علامه افغاني سربېره پردې چې د اسلام په دفاع، خپراوي او د ښکېلاک او امپرياليزم پر ضد يې لساني او عملي مبارزه کوله، ترڅنګ يې د ژورنالېزم په ډګر يا په بلې اصطلاح قلمي جهاد او سياسي مبارزه يې هم په ډګر او په ميدان کړې ده او په دې سپېڅلې لاره کې يې هره سخته او ربړه په خورا تندي زغملې.

علامه افغاني د اسلام ضد فکري او وسلواله مبارزه نشوی زغملی او چې هر ځای به ولاړ، نو هلته به يې اخبارونه، جريدې او نشريې چاپولې. ټولنې او ډلې به يې جوړولې او ګوندونه به يې رامنځته کول. په دې هلو ځلو کې يې هر ځای د جريدو، اخبارونو او نشريو بنسټ کېښود. علامه افغاني غوښتل

چې تل خلک په اسلامي فکر سمبال او وروزي. دوی وينښ کړي او وينښ يې وساتي. دغه راز د کفري ښکېلاک او امپرياليزم پر وړاندې يې يو موټی او متفق وساتي. نوموړی خپله د اخبارونو په هکله وايي:«اخبار ليکل هغه بې ساری هنر دی چې موضوع يې د خلکو اخلاقي او ملي حال احوال او غايه يې د ولس د اخلاقو سمون، د خپل او آن د ټولو ولسونو نيکمرغي، آرامي او هوسايي ده».(۱۲: انټرنټ)

علامه افغاني د خپلو اسلامي، ملي او سياسي موخو د ترلاسه کولو لپاره ډېر تږی او لالهانده وه، د موخو په اړه به يې چې چېرته لږ رڼا هم وليده ، نو معطل به يې نه کاوه او هلته به يې ځان رسوه. د ده لوی شاګرد(محمد عبده) په همدې ټکي پرې کله ناکله نقد کوه. علامه افغاني د اسلامي هېوادونو د پرمختګ، د ښکېلاکګرو او د کفري نړۍ د ماتې دومره تږی او تلوسه يې درلوده چې په دې لاره کې يې هر رنګه وسيلې ته لاس اچوه.

علامه افغاني له يو بل انتقاد لاندې هم و، هغه داسې چې نوموړي د خپلې سياسي، ديني او ملي موخې د ترلاسه کولو لپاره تل صريحه او ښکاره لهجه د ختيځ پاچايانو او د لويديځ استعمارګرانو سره کاروله او په پوره جرأت به يې پرې انتقاد کوه. دې خارق العاده جرأت او صريحې لهجې ده ته ډېر تاوان کړی و، هغه دا چې هدف لاسته راوړلو کې به يې له ناکامۍ سره مخامخ کوه. د دې انتقاد په اړه يې يو بل شاګرد(عبدالقادر المغربي) وايي: که څه هم سيد جمال الدين افغان په خپل ژوند کې له جرأت نه ډکو، صريحو او ښکاره ويناو له له ناکاميو سره مخامخ کړی و، خو له بل لوري د ده همدغه ناکامي د ده د رسالت له کړيو څخه يوه کړۍ تشکيلوله. زياتوي، که چېرته علامه افغاني د ختيځ له پاچايانو او اميرانو سره لاره يوه کړې وه او د هغو هيلو، هوا او هوس ته يې مثبت ځواب ويلی و، غوښتنې يې ورته په پټو سترګو منلې وې، د هغو په خوښه يې کار کولی او د هغوی په شرمناکو کارونو يې په جرأت او صراحت انتقاد نه کولی لکه څنګه چې نورو شيوخو دا کار کوه، نو حتماً به د ده غږ هم

غلی او دعوت او رسالت به یې مړ شوی و او کله به یې هم بیا له ځانه وروسته داسې شاګردان نه و روزلي او نه و پرېښي چې د حق او سپېڅلي رسالت په لاره کې قرباني ورکړي.(۴: ۲۸۵مخ)

علامه افغاني خپل ټول ژوند د اسلام د خپراوي او د کفر پر وړاندې څرګندې مبارزې ته ځانګړی کړی و. ده غوښتل چې خپلې اسلامي، ملي او سیاسي مبارزه کې اسلامي دولتونه له کمزورتیا څخه د غښتلتیا پر لور بوځي او په ټوله کې مسلمانان داسې ویښ او بیداره کړي چې خپل بنسټونه وپېژني او اسلامي ملتونه مترقي ملتونه او اسلامي دولتونه قوي دولتونه شي. دغه راز د خپلې مبارزې له مخې یې غوښتل چې د مسلمانانو عقلونه د اوهامو له غوټو او قیدونو څخه را وباسي او ټول ختیځوال سره یو شي، تر څو بایللی برم بیا ځل ترلاسه او وګټي. علامه افغاني به په ختیځ کې د خپلې سیاسي پالیسۍ له مخې د انګرېزانو په سیاست ډېر بریدونه او انتقادونه کول. نوموړي د همدغې موخې په خاطر د دنیا له ټولو منافعو او مطامعو تېر شوی و او د نورو په شان ورته مایل نه و. د همدې غایې په سبب یې ښځه هم ونه کړه او نه یې څه مال او متاع پیداکړه.(۳: ۸٦مخ)

علامه افغاني د اسلامي او ملي روحیې له امله د خپلې سیاسي مبارزې په جریان کې د ټولو رنځونو سبب او جرړه کفري نړۍ او په ټوله کې انګریزي ښکېلاکګر ګڼل. دی د انګریزي ښکېلاکګرو پر وړاندې ډېر حساس او له هغوی یې کرکه او نفرت درلود. د علامه افغاني په مغزو کې دغې خبرې پوره ځای نیولی و او د ده د شخصیت بنسټیز او جوهري رکن یې تشکیلوه. دا په دې چې دی له ډېرې پخوا زمانې څخه په دې پوه شوی و چې انګرېزان او د امپریالېزم پلویان د ټول ختیځ او بیا په ځانګړي ډول د مسلمانانو لوی دښمنان دي. دوی غواړي چې اسلامي هېوادونه یو په بل پسې خپلو استعماري دامونو کې راولي او ښکېل یې کړي. همدارنګه د مسلمانانو ارادې او خپلواکي سلب کړي او شتمنۍ یې ور لوټ کړي. نوموړی په دې پوهېده

چې انګرېزان او کفري نړۍ د خپلو موخو د ترلاسه کولو لپاره له هر رنګ وسیلو څخه ګټه اخلي او هر راز مشروع او غیر مشروع اسباب او امکانات په لاره اچوي. د علامه افغاني دا ذهنیت و چې استعمارګر نه د کومې ژمنې او نه د کوم تړون پروا لري او نه په خپلو ژمنو وفا کوي. څه چې دوی ته ډېر ارزښت لري هغه دا دي چې له هرې لارې وکولی شي چې خپلې ګټې لاس ته راوړي او تضمین یې کړي.(۴: ۲۸۸ مخ)

د پورته بحث له مخې ویلی شو چې علامه افغاني په ټوله کې خپل ژوند د اسلام خپراوي، امپریالېزم او د انګریزي ښکېلاکګرو پر وړاندې سیاسي مبارزي ته وقف کړی و. په دې سخته او ستونزمنه لاره کې یې هره سختي او کړاو په ورین تندي وزغمه او ویې کولی شو چې د خپلې ژبې، قلم او فکر له لارې اسلام ته خدمت وکړي او د دښمنانو بدو او شومو پلانونو ته سینه سپر کړي او په دې لاره کې له ځانه وروسته داسې ویښ، ځیرک او بیداره شاګردان وروزی چې په هر یوه نن ورځ حساب کېږي.

۳ – د علامه سید جمال الدین افغاني سیاسي سفرونه

لکه څنګه چې مخکې ذکر شول علامه افغاني د خپل سیاست او مفکورې له امله د افغانستان بشپړه خپلواکي او استقلالیت غوښت او هم له انګرېزي ښکېلاکګرو سره روحاً جوړ نه و او فکري دښمني یې ورسره وه، نو دغه کارونه د دې سبب شول چې نوموړی د برتانوي هند تر تعقیب او څار لاندې راشي او افغانستان کې ورته ژوند سخت شي. دا چې نوموړی له امیر محمد اعظم خان سره نېکې اړیکې درلودې اوپه اصطلاح ځانګړی مشاور یې و، همغه مهال ده یاد امیر ته اجازه نه ورکوله چې له انګرېزانو سره غاړه یوسي او یا د برتانوي هند ګټې خوندي کړي. همدغه لامل و چې د اعظم خان له لنډې دورې وروسته، د امیر شیرعلي خان په دوهم ځل واکمني کې علامه افغاني ته په هېواد کې حالات ترینګلي شول، دا ځکه چې له یو لوري امیرشېرعلي خان ته توطیه کوونکو تخریب کړی و، یا یې امیر له شتون او له نفوذه وېره درلوده

او یا هم له بل لوري انګرېزانو نه غوښتل چې دی دې په هېواد کې پاتې شي، نو دغه بېلا بېل فشارونه د دې لامل شول چې علامه افغاني هېواد ترک کړي او بل ځای ته سفر وکړي. دا چې علامه افغاني له هېواده په وتلو سره ډېرو سیمو او هېوادونو ته د مجبوریت او یا د سیاسي پالیسۍ له امله سفرونه کړي، لازمه ګڼم چې یاد سفرونه په مختصر ډول وڅېړم او مهمې پېښې یې بیان کړم.

سید له هېواد څخه تر وتلو مخکې خپل ټول مترقي پلانونه او پروګرامونه د وخت امیر(شېرعلي خان) ته وسپارل او له هېواد څخه د وتلو پر مهال(۱۲۸۵ هـ ق – شعبان) لومړی کندهار، بیا بلوچستان او بیا د ذوالحجې په میاشت کې د هند پر لور وخوځېد.(۱۵: انټرنټ)

کله چې هند ته ورسېد، د هند حکومت له لوري ورته تود هرکلی وشو، خو هندي چارواکو د دې لپاره چې دی دې په ښار کې پاتې شي، زړه نه ښه کوه، دا ځکه چې د ده شاو خوا پوهان، علماء او ځوانان راټول نه شي او پټه کومه دسیسه جوړه نه کړي، نو ځکه یې نوموړي ته د کم وخت له تېرولو وروسته د وتلو حکم وکړ. علامه افغاني یاد حالت ته په کتلو سره په هند کې له میاشتې زیات وخت تېر نه کړ، د هند ساحلي سیمو ته ولاړ او له هغه ځایه د مصر په لور د (۱۲۸٦ هـ ق) کال د محرم په میاشت کې وخوځېد.(۱۴: انټرنټ)

مصر ته په رسېدو په قاهره کې د الازهر ځوانانو له لوري ورته تود هرکلی وشو او په یاده غونډه کې علامه افغاني ګډونوالو ته یوه سیاسي توده بیانیه هم وکړه، یاده بیانیه د انګرېزانو تر ملاتړ لاندې دولت ته سخته تمامه شوه او په دې پلمه چې ده یو کشیش مسلمان کړی، له مصر څخه ووېستل شو. دغه وخت ده غوښتل چې مکې مکرمې ته ولاړ شي، خو اراده یې بدله کړه او ترکیې ته ولاړ.(۱۱: ۵۵ مخ)

ترکیې ته په رسېدلو سره علامه افغاني په استانبول کې د ترکیې صدراعظم(علي باشا) سره ولیدل او پېژندګلوی یې سره وشوه. د علي باشا له

لوري يې تود هرکلی وشو، دربار ته يې دعوت کړ او پوره قدر يې ورته وکړ. دغه وخت نوموړی په خپل افغاني لباس کې خلکو سره ليدنې کولې او د دربار ټول وزيران د نوموړي له پوهې، لياقت، هوښيارتيا، ذکاوت او ټولنيزتوب څخه متاثره وو.(۱۴: انټرنټ)

همدارنګه دغه مهال دترکيې اخبارونو د سيدجمال الدين افغاني د علمي او معنوي لوړ شخصيت په اړه مضامين خپرول. د شپږو مياشتو له تېرېدلو وروسته د سيد د درناوي په خاطر د ترکيې حکومت نوموړی د پوهنې وزارت د علمي شورا د غړي په توګه ومانه او په دغه موده کې علامه افغاني ترکي ژبه هم زده کړه او رواني خبرې به يې پرې کولې. دا چې علامه افغاني يو پياوړی مقرر او د خطابې سړی و، نو د ايا صوفيه اوسلطان احمد په جامع جوماتونو کې به يې د مسلمانانو د يووالي، علم، صنعت، اقتصاد او سوداګرۍ په اړه بيانات هم ورکول، تر دې چې يو شمېر کسان يې مخالف شول او پر ضد يې ناروا کړنو ته لاسونه واچول.(۱۱: ۵٦ مخ)

په ترکيه کې د علامه افغاني محبوبيت او بيانات د دې لامل وګرځېدل چې شيخ الاسلام (حسن فهمي) سره يې ورانه راشي، کومه ورانه او بدبيني چې ورځ تر بلې زياتېدله، په ځانګړي ډول کله چې سيد د صنعت په هکله د دارلفنون په مرکز کې يوه وينا وکړه. د دې دښمنۍ له مخې خلک په دوو ډلو ووېشل شول، کله چې ياده دښمني وروستۍ درجې ته ورسېده، پايله کې صدراعظم(علي باشا) اړ شو چې علامه افغاني څخه په مؤقت ډول غوښتنه وکړي ترڅو ترکيه ترک کړي او د فتنې د پای ته رسېدو په صورت کې بيا ځل راشي، هماغه و چې نوموړی له ترکيې څخه تبعيد شو او د مصر پر لور د (۱۲۸۷ هـ ق) کال د ذوالحجې په مياشت کې وخوځېد.(۴: ۲٦۳مخ)

مصر ته په رسېدو سره علامه افغاني د ډېر پاتې کېدو هوډ نه درلود، خو دمصر پاچا مجبور کړ چې په مصر کې پاتې شي. ترڅنګ يې نوموړي ته معاش هم وټاکه. علامه به په مصر کې زده کوونکو ته په فلسفه، نظري او

علمي حکمت، معقولات، فلکیات، تصوف، اصول، فقه او اسلام کې تدریسونه کول. ده په دغه موده کې ډېر تکړه شاګردان وروزل، د نوموړي د پوهې او ځیرکتیا په پایله کې پاچا مجبور شو چې ځان ته یې نږدې کړي او په هره قضیه کې ترې مشوره واخلي. دلته هم لکه د ترکیې په څېر ځینې کسان لکه د انګلستان کونسل(جنرال فیضان یادولي) پیدا شول او ویې کولی شول چې د پاچا نیت علامه افغاني ته بد کړي او دی سره له یو ملګري(ابو تراب) له مصر څخه تبعید کړي.(۱۴: انټرنټ)

علامه افغاني له مصر څخه بیا ځل هند ته راغی، د هند په ځینو مجلو کې یې سیاسي مقالې خپرې کړې. له څه وخت تېرېدلو وروسته دا ځای هم ورباندې تنګ شو، نو اروپا ته یې مخه کړه. لومړی لندن او بیا پاریس ته ولاړ. ده دلندن په یوه خپرونه کې دوه مقالې (په ځینو هېوادونو کې د انګلستان پر سیاست او په مصر کې د جګړې د لاملونو) په نومونو خپرې کړې. وروسته یې په پاریس کې د فرانسې له نامتو فیلسوف(ارنسټ رنان) سره بحثونه نشر شول او همدا راز یې د فرانسې له نابغه لیکوال(ویکتور هوګو) سره هم لیدنه وشوه. همدغه مهال د علامه افغاني تکړه شاګرد(محمد عبده) چې د مصر هېواد یو پیاوړی ادیب او عالم و، هم پاریس ته را ورسېد او له خپل استاد سره یو ځای یې د «عروة الوثقی» په نامه جریده له چاپه را ووېسته. په دې جریده کې له انحرافي افکارو سره مبارزه او دمسلمانانو د یووالي لپاره تبلیغ کېده. همدغه مهال د علامه افغاني یو بل اثر«تتمة البیان فی تاریخ الأفغان» هم له چاپه راووت. په پاریس کې د عروة الوثقی (۱۸) ګڼې خپرې شوې.(۵: ۴۷ مخ)

د فضل رحمن فاضل په قول، دغه جریده په عربي ژبه خپرېده، دې جریدې لومړي نشریات د ۱۸۸۴ز.کال د مارچ په ۱۳ مه په پاریس کې پیل کړل او وروسته له (۱۸) ګڼو وېستلو د همدغه کال د اکتوبر په میاشت کې یې نشرات بیا بند شول.(۸: ۲ مخ)

بالاخره علامه افغاني له پاريس څخه هم ولاړ او په بحرين او ایران باندې هم وګرځېد، خو وروسته د روسيې پلازمينې(مسکو) ته ورسېد او د مسکو رسنيو د ده د راتګ خبر نشر کړ. علامه افغاني دلته هم درې کاله له خپلې مفکورې او سیاست سره پاتې شو، خو له دې ځایه بیا د ژوند څپو په مخه کړ او المان، لندن، ایران او ځینې نور ځایونه يې وکتل. علامه افغاني د سفرونو په پای کې تر ټولو وروسته په ترکیه کې آرام شو او د خپل ژوند پاتې پنځه کلونه يې په استانبول کې له (سلطان عبدالحميد) سره د مېلمه په توګه تېر کړل. د سلطان لپاره د علامه افغاني د «پان اسلامېزم» مفکورې تجويز چې د اروپايانو د واک او تسلط په مقابل کې د مسلمانو هېوادونو يووالی او اتحاد و، په زړه پورې وه، خو د علامه نور سیاست سره يې علاقه نه درلوده او دغه نوميالی مېلمه يې په کور کې د بندي په توګه ساته.(۵: ۴۷ – ۴۸ مخونه)

۴- د علامه سيد جمال الدين افغاني مړینه

لکه څنګه چې مخکې يادونه وشوه، علامه افغاني د خپل ژوند وروستۍ شپې او ورځې په ترکیه کې د سلطان عبدالحمید په دربار کې په ظاهره د مېلمه په توګه تېرولې، خو په اصل کې يې د يو بندي مثال درلود. ده سره خلیفه فکري اختلاف درلود او همدغه اختلاف د دې لامل شوی و چې نوموړي ته خلیفه د ژوند په وروستيو کې له ترکيې نه بهر د تداوۍ لپاره اجازه ورنکړي او په ډېرې غريبۍ، فقر او د خلیفه د جاسوسانو تر نظر لاندې ژوند وکړي.(٦: ١٠٣ مخ)

د څېړونکي رازقي په قول، افغان سيد د ژوند په ورستيو کې د سرطان په رنځ د ترکيې د سلطان(عبدالحميد) او د هغه د ملګري(شيادي) له لوري اخته شوی و او په وريو کې يې په يوې طريقې ورته د سرطان ويروس تزريق کړی و. دا چې په ترکیه کې يې درملنه نه کېدله، نو علامه افغاني غوښتل چې د درملنې لپاره د (ويانا) ښار ته ولاړ شي، خو سلطان ورته د تګ اجازه ور نه کړه او ورته يې وويل چې په ترکیه کې به دې معالجه وکړم. علامه افغاني پوره پنځه میاشتې د دې مرګونې ناروغۍ په منګولو کې تېرې کړې، خو بیا يې هم

چا غږ وانه ورېد. دغه وخت ده د خپل اخلاقي شهامت له مخې د سلطان له لوري معاش هم ترک کړ او په دې پوه شو چې د سلطان دروغجنه خواخوږي او معاش نور کوم درد نه دوا کوي او په فقیرۍ او تنګ لاسۍ کې یې خپل ځان د خدای ج هیلي ته وسپاره.(۱۱: ٦۷ مخ)

څېړونکی ساپی د علامه افغاني د مرموز مرګ په تړاو وایي، د ده مرګ یو مرموز مرګ دی چې هېڅوک یې په اړه دقیق خبر نه لري، خو د علامه افغاني د یو پیاوړي شاګرد(عبدالرشید ابراهیم) قول را نقلوي چې ویلي یې دي: کله چې سید د خپل ژوند وروستۍ شیبې شمېرلې او په بستر پروت وو، پوښتنې ته یې ورغلم، ماته یې په اشاره د نږدې کېدو وویل، نوموړي خبرې نه شوی کولی، قلم یې وغوښت او ویې لیکل:(ای الله ج ته شاهد اوسه چې د حضرت محمد ص د ژوند وروستۍ خبره دا وه چې امتي – امتي، خو زه وایم ملتي – ملتي! شیخ زیاتوی، دوه ساعته وروسته چې یې بیا خدمت ته ورسېدم، نو ملګرو په ژړا وویل چې استاد(علامه افغاني) په حق ورسېد.(۱۴: انټرنټ)

سید جمال الدین افغاني د ۱۲۷۵ هـ ق. کال د شوال المکرم په پنځمه نېټه یا د ۱۸۹۷ ز.کال د مارچ په ۹ مه نېټه د سه شنبې د ورځې په ۱۲ بجو او ۱۳ دقیقو د ۵۹ کلونو په عمر په مرموز او غیر مستقیم ډول شهید او خپله سپېڅلې ارواح یې د ځمکې او آسمانونو خالق ته وسپارله. له بده مرغه چې له مرګ او شهادت څخه یې وروسته دښمن یو ځل بیا خپل بد او کرغېړن نیت وښوده، هغه داسې چې سلطان، حسین پاچا او ضابط البطاش ته امر وکړ چې د علامه افغاني کور تالاشي کړي او ټول اسناد او کتابونه حفظ کړي چې بیا د څو جاسوسانو په ملتیا همداسې وشول. درې ساعته لا تېر نه وو چې سلطان امر وکړ چې د مرحوم علامه افغاني جسد د «بشخلر مزار» په هدیره کې ښخ کړئ او بیا د سلطان د اخطار په پایله کې پرته له درېیو تنو څوک هم جنازې ته رانغلل او د څلورو جوالیانو په مرسته دغه د ختیځ نابغه او ستر

افغان انسان(علامه افغاني) د عثماني امپراتورۍ په قلمرو کې خښ شو.(۱۱: ۷۰ - ۷۱ مخ)

په ترکیه کې د نوموړي له خښولو وروسته د افغانستان حکومت په ۱۹۴۴ز.کال د علامه افغاني جسد کابل ولایت ته را انتقال کړ او دکابل پوهنتون په انګړ کې یې په پوره عزت او درنښت خاورو ته وسپاره او وروسته یې بیا مزار په یوې ښکلې ګومبدې وپوښل شو. د دغه ستر مفکر او عظیم انسان یاد دې تل تازه، قبر یې منور او روح یې ښاد اوسه!.

پایله

د څېړنې پایله کې ویلی شو چې علامه سیدجمال الدین افغاني د افغانستان د معاصر تاریخ داسې یو نومیالی، لیکوال او ستر عالم دی چې په کړنو او فکر یې له پخوا نه تر دې دمه ټول افغانان او دنړۍ مسلمانان ویاړي، په دې معنا چې علامه افغاني یواځې افغانستان او افغانانو پورې اړه نه لري، بلکې یو نړیوال شخصیت دی. داسې نړیوال چې په عالي فکر، پوهې او ځیرکتیا یې د نړۍ ډېرو پوهانو اقرار کړی او دا یې منلې چې نوموړی یو بې نظیره او نادر انسان دی.

څېړنې دا هم وښوده چې نوموړی د ایران نه، بلکې د افغانستان د کونړ ولایت د اسعد آباد د سیمې د سیدانو له جملې څخه دی او دا هغه څه دي چې خپله علامه افغاني په خپلو آثارو کې پرې اعتراف کړی او څوک چې یې ایرانی بولي دا به یې په حق کې ستر خیانت او زیاتی وي.

دغه راز د څېړنې په پای کې په لنډ ډول ویلی شو چې د علامه افغاني سیاسي مبارزه د یو فکر او احساس له مخې وه، هغه فکر چې له ډېرو زده کړو، تجربو او سفرونو څخه یې په لاس راوړی و. علامه افغاني غوښتل چې د خپلې سیاسي مبارزې په ترڅ کې یو خپلواک، آزاد او په خپلو پښو ولاړ افغانستان ووینې. افغانستان له نیمه مستعمره حالته را وباسي او ټول افغانان د قلم، ژبې او ویناوو له مخې په دې پوه کړي چې یووالی، وحدت او انسجام

مو د بریا راز دی. اتحاد او تعلیم کولی شي چې دشته ستونزو گراف مو راټیټ او یا له منځه یوسي.

څېړنه دا هم را ښیي چې د علامه افغاني د سیاسي مبارزې موخه په ځانگړي ډول د افغان ملت او مسلمه امت عروج او ترڅنگ یې د استعماري ځواکونو کمزورتیا او د پالیسیو ناکامول و.

همدارنگه علامه افغاني د خپلې سیاسي مبارزې پر مټ غوښتل چې انگرېزي ښکېلاکگرو ته دا درس ورکړي او دا ورته ثابته کړي چې خپلواکي اخیستل کېږي، نه دا چې ورکول کېږي. علامه افغاني د همدغې سپېڅلې موخې د ترلاسه کولو لپاره له هېڅ څه شي درېغ ونه کړ، آثار یې ولیکل، جریدې یې خپرې کړې او په ټوله کې یې هر اړخیزه سیاسي مبارزه وکړه، ترڅو یې ملت نېکبخته، متحد او آسوده وي او د خپلواکۍ له ستر نعمت څخه برخمن وي.

وړاندیزونه

۱ – علمي او فرهنگي ټولو ادارو ته وړاندیز کوم چې د علامه افغاني د یاد، هڅو او سیاسي مبارزې په خاطر هر وخت علمي سمینارونه او غونډې په لاره واچوي، تر څو د دغه ویاړلي شخصیت لوړ فکر ژوندی او تازه وي.

۲ - د وخت چارواکو او مشرانو ته مې وړاندیز دی چې د علامه افغاني سیاسي مبارزې مهم ټکي د خپل بهرني سیاست یوه برخه وگرځوي او ترڅنگ دې په پلازمینه کابل کې د دغه عالم انسان د نوم ژوندي ساتلو په موخه یو علمي او فرهنگي مرکز ورغوي.

مأخذونه

۱ – ابورویه، محمود. مبارزه سید جمال الدین افغان. مترجم، غلام صفدر پنجشیری و محمد حسین راضی، چاپ اول، مطبعه تجارتی معارف:کابل، ۱۳۴۱.

۲ – محمود، ابورویه. د سید جمال الدین د ژوند لنډ تاریخ، ژباړن، غلام رباني وطن یار، لومړی چاپ، جی ایم سنز پرنټرز: پېښور، ۱۳۸۰.
۳ – باشا، مخزومی محمد. د افغان سید جمال الدین خاطرات، ژباړن، محمد شاه ارشاد، سمون، تحشیه او تعلیقات:محمد امین مجاهد، لومړی چاپ، د علومو اکاډمي د خپرونو ریاست: کابل، ۱۳۹۰.
۴ – جدیر، حبیب الرحمن. رساله ها ومقالات در باره سید جمال الدین افغانی، چاپ اول، مؤسسه انتشارات بیهقی: کابل، ۱۳۵۵.
۵ – صفا، مصطفی. د نړۍ ۱۰۰ مشهورې خبرې، لومړی چاپ، مومند خپرندویه ټولنه: ننگرهار، ۱۳۹۵.
٦ – طبیبی، عبدالحکیم. تلاشهای سیاسی سید جمال الدین افغانی یا مبارز بزرگ سیاسی شرق در قرن ۱۹، چاپ اول، مؤسسه انتشارات بیهقی: ۱۳۵۵.
۷ – عطایی، محمد ابراهیم. د افغانستان پر معاصر تاریخ یوه لنډه کتنه، لومړی چاپ، میوند خپرندویه ټولنه: کابل، ۱۳۸۳.
۸ – فاضل، فضل الرحمن. سید جمال الدین الافغانی بیدارگر عصر، چاپ اول، وزارت اطلاعات و فرهنگ: کابل، ۱۳۸۷.
۹ - منیب، عبدالعزیز. د افغانستان معاصر تاریخ، لومړی چاپ، محمدي انتشارات: کابل، ۱۳۹۳.
۱۰ – نړیوال، رازقي. علامه سید جمال الدین افغان د پوهې او ازادۍ علمبردار، لومړی چاپ، د بیهقي د کتاب خپرولو مؤسسه: کابل، ۱۳۸۵.
۱۱ – نړیوال، رازقي. علامه سید جمال الدین افغان د پوهې او آزادۍ علمبردار، لومړی چاپ، کتاب ښار: کابل، ۱۳۹٦.
۱۲ – نن ټکی آسیا.(۲۰۱۸)، د سید جمال الدین افغان ملیت او آندونه.
https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&opi=89978449&url=https://www.nunn.asia/

۱۳ – نن ټکی آسیا.(۲۰۲۰)، د ختیځ نابغه سید جمال الدین افغان پېژندنه او زده کړې.
https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&opi=89978449&url=https://www.nunn.asia/163188/%25D8%25AF-%2

۱۴ – روهي.(۲۰۲۰)، دختیځ نابغه سید جمال الدین افغان پېژندنه، زده کړې، سفرونه، سیاسي پوهه، سیاسي اهداف او مېړانه.
https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&opi=89978449&url=https://rohi.af/news/84--CSsQFnoECB

۱۵ – تاند.(۲۰۱۹)، د ختیځ نابغه سید جمال الدین افغان لنډه پېژندنه.
https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&
et/%3Fp

پوهنیار نورالله نوري مجددي

په تړون کې د ارادې رول

(د افغانستان د مدني قانون او اسلامي فقهې پرتلیزه

څېړنه)

The role of intent in contract

A comparative study of Afghan civil law and)

(Islamic jurisprudence

Researcher: Noorullah Noori Mojaddadi

Abstract

The establishment or negation of a contract hinges upon the intentions of the involved parties, with intention serving as a pivotal factor influencing the final execution and the emergence of issues and disputes during contract implementation. In the contemporary landscape, advancements in rapid transfer and communication have elevated the ease of transactions with residents from various global regions. Consequently, contracts are frequently executed across diverse jurisdictions, and in some instances, the expression of intention deviates from traditional linguistic or written forms, finding manifestation in gestures and actions. Moreover, the increasing prevalence of electronic devices facilitates the articulation of intention in many contracts. This study comprehensively analyses the significance and types of intention in contracts, and assesses the validity of intention expressed through words, actions, written

documentation, and electronic means. The examination is conducted within the framework of Afghanistan's Civil Law and the Islamic Jurisprudence of 1976, providing valuable insights for legal scholars, practitioners, and legislative entities. This research is qualitative and was done on the basis of secondary data. The findings of the research shows that the expression of intention in the contract by word, action, writing and even gesture is accepted in both civil law and Islamic jurisprudence.

خلاصه

د تړون رامنځ ته کېدل او نه رامنځ ته کېدل د تړون کوونکو په ارادو پورې اړه لري او د تړون وروستی اجراء او په اجراء کې د ستونزو او شخړو رامنځ ته کېدلو کې هم اراده د یو اهم عامل په حېث بلل کېدای شي. دا چې نن ورځ د چټک انتقال او اړیکو وسایل ډېر پرمختللي شوي او د نړۍ له هرې برخې یې د بلې برخې له اوسېدونکو سره راکړه ورکړه ډېره او اسانه کړې، له همدې وجهې په بېلابېلو برخو کې تړونونه رامنځ ته کیږي او پدې کې ډېر تړونونه په داسې شکل رامنځ ته کیږي، چې اراده یکې د الفاظو او لیکنې په شکل نه څرگندیږي، بلکه د اشارې او حتی عمل په شکل څرگندیږي، په ډېرو تړونونو کې دغه اراده د الکترونیکي وسایلو په اساس هم څرگندیږي. په همدې اساس په دغه څېړنه کې د افغانستان د ۱۳۵۵ کال د مدني قانون او اسلامي فقهې له نظره په پرتلیز ډول په تړونونو کې د ارادې اهمیت او څرنگوالی او په قول، عمل او لیکلي شکل په حضوري او یا د الکترونیکي وسایلو له لارې د ارادې اعتبار څېړل کیږي. دغه څېړنه د حقوقو او شرعیاتو ټولو لوستونکو په ځانگړي ډول عدلي او قضایي ارگانونو او د قوانینو رامنځ ته کوونکو ادارو لپاره مهمه ده، څو په دې برخه کې د اسلامي فقهې سره د مدني قانون په مطابقت پوه شي. یاده څېړنه کیفي ده او د دوهم لاس معلوماتو په اساس ترسره شوې.

د څېړنې موندنې ښايي چې په تړون کې د ارادې څرګندول په قول، عمل، ليکلو او حتی اشارې سره په مدني قانون او اسلامي فقه دواړو کې منل شوي.

سریزه

الله ج د انسان له پېدایښت سره سم د ده په خلقت کې ټولنیزوالی ایښې، څکه چې ژوند يې له ضرورتونو سره مل دی، ضرورتونه د يو بل له همکارۍ پرته نشي حل کېدای، اړينه ده چې د ضرورتونو په رفع کې د يو بل لاسنيوي وکړي، خو دا چې د ضرورتونو تر څنګ خواهشات هم ډېر دی او ممکن ستونزې رامنځ ته شي يو لړ اصول بايد يو د بل د ضرورتونو په رفع کولو کې مراعات شي. که معاملات ترسره کېږي پداسې شکل ترسره شي چې دواړو لوريو يا يوه ته الزام يا التزام رامنځ ته شي او دواړه لوري بايد ورته متعهد وي. د معاملاتو د ښه ترسراوي په منظور د انسانانو تر منځ قراردادونه تړل کيږي څو په منظم ډول د لوريو په ګټه پای ومومي، نه په شخړو او اختلافاتو، دا چې شخړې او اختلافات رامېنځ ته نشي الهي قوانينو د تړون په ترسره کولو او په هغه باندې په وفا کولو ډېر تاکيد کړی، د الهي قوانينو تر څنګ د انسان په لاس جوړو شويو قوانينو هم دې برخې ته توجه کړې.

د مسئلې طرحه کول

په ټولنه کې د انسانانو د روزمره ژوند راکړې ورکړې په تړونونو پورې اړه لري او په عام ډول ډېرې راکړې ورکړې د داسې تړونونو په اساس ترسره کيږي چې نه پکې الفاظ کارول کيږي او نه پکې ليکل، بلکه په عمل يا اشارې سره ترسره کيږي، همدارنګه د طرفينو ترمنځ د الکترونيکي وسايلو نه په استفاده هم ډېر تړونونه رامنځ ته کيږي. ددې لپاره چې د افغانستان د مدني قانون له نظره د دغسې تړونونو اعتبار، او په ټوله کې په تړونونو کې د ارادې د څرګندولو بېلا بېلې قانوني طريقې واضحه شي پدې څېړنه کې ورباندې بحث کيږي او تر څنګ يې د ارادې د څرګندولو د هغه لارو طريقو فقهي اړخ څېړل کيږي چې مدني قانون منلي او ورته يې اجازه ورکړې.

د څېړنې اهمیت

دا چې د انسانانو اکثره ورځنی معاملات او اړیکې تړونونو ته اړتیا لري او تړون د طرفینو په ارادو سره رامنځ ته کیږي، مهمه ده چې دا روښانه شي چې د افغانستان په مدني قانون کې په کوم شکل د ارادې په څرګندولو سره تړون رامنځ ته کېږي او لوریو ته حقوقي آثار رامنځ ته کولای شي؟ همدارنګه د اسلامي فقهې سره مقایسه کول یې د قانون د اعتبار د زیاتوالي او په دې خاطر چې معلومه کړو مدني قانون په ځانګړي ډول له حنفي فقهې سره څومره برابر دی اړین او مهم دي.

د څېړنې اهداف

دغه څېړنه د لاندې موخو د لاسته راوړلو لپاره ترسره شوي:

۱- په تړون کې د ارادې رول واضح شي.

۲- په تړون کې د ارادې د رول په اړه د افغانستان د مدني قانون دریځ روښانه او د اسلامي فقهې سره یې مقایسه وشي.

۳- د افغانستان د مدني قانون او اسلامي فقهې له نظره په تړون کې د ارادې څرنګوالی روښانه شي.

د څېړنې پوښتنې

۱- په تړون کې د ارادې رول څه او څومره مهم دی؟

۲- په تړون کې د ارادې د رول په اړه د افغانستان مدني قانون د اسلامي فقهې په ځانګړي ډول له حنفي فقهې سره څومره برابر او موافق دي؟

۳- د افغانستان د مدني قانون او د اسلامي فقهې له نظره په تړون کې اراده باید په کومو شکلونو څرګنده شي؟

د څېړنې کړنلاره

دغه څېړنه چې نظري اړخ لري ، د څېړنې له کتابتوني ډیزاین او پرتلیز او تشریحي میتود څخه په ګټه اخیستنه ترسره شوې، چې دوهم لاس معلومات له بېلا بېلو مصادرو او مراجعو څخه پکې راجمع شوي. د موضوع په اړه د

افغانستان د مدني قانون مواد تشریح او تحلیل شوي او بیا له اسلامي فقهې سره پرتله شوي.

د تړون پېژندنه

تړون چې په عربي کې عقد او په دري ژبه کې ورته قرارداد ویل کیږي، عبارت له هغه اتفاق څخه دی چې د دوو یا د دوو نه د زیاتو اشخاصو تر منځ صورت نیسي او په پایله کې یې قانوني التزام رامنځ ته کیږي.

قدري باشا تړون داسې تعریفوي چې: تړون عبارت د ایجاب د ارتباط څخه دی چې د یو لوري لخوا صادرېږي د بل لوري د قبول سره، چې اثر یې په معقود علیه کې ښکاره شي. (۴: ۱٦٨مه ماده)

ډاکټر مصطفی نیازی وایي: تړون د یو لوري د ارادې د صدور څخه عبارت دی چې مقابل لوری هغه قبول کړي او اثر یې په معقود علیه کې ښکاره شي. (۹: ۴۵ مخ)

په تړون کې اراده

په تړون کې اراده د قانون په اساس د انعقاد شرط بلل کیږي، د انعقاد شرط عبارت له هغه شرایطو څخه دی چې په تړون کې د نه موجودیت په صورت کې تړون منځ ته نشي راتلای او یا دا چې په عام ډول سره د تړون ملغی منځ ته راځي. د انعقاد او صحت د شرایطو تر منځ فرق همدا دی چې که د انعقاد شرط وجود ونلري تړون اصلاً نه رامنځ ته کیږي او یا دا چې عامه ملغی (بطلان) رامنځ ته کیږي یعنی هر شخص چې د مصلحت خاوند وي کولای شي تړون لغوه کړي، ولې د صحت د شرایطو په نشتون کې خاصه ملغی(فساد) رامنځ ته کیږي چې خاص اشخاص کولای شي له منځه یې یوسي، بل فرق د دواړو تر منځ دادی چې فساد د تصحیح او یا وخت په تېریدو سره له منځه ځي او بطلان د وخت په تېرېدو او یا تصحیح سره له منځه نه ځي. فقهاء د انعقاد د شرط په ځای ارادې ته د رکن اصطلاح کاروي. د دې ترڅنګ د افغانستان مدني قانون چې ډېره برخه یې له حنفي فقهې

ثخه اخيستل شوې هم ارادې ته د تړون د رکن لاندې صراحت لري. (۳: ۵۰۵- ۵۹۴مې مادې پورې)

د حنفي مذهب د اصولو علماء رکن داسې تعريفوي چې هر هغه ثه چې د شي په ماهيت کې داخل وي او په اساس يې يو شي وجود متوقف کيږي رکن بلل کيږي(٦: ١٩٦٣ مخ)، لکه په عباداتو کې رکوع، سجده او په معاملاتو کې ايجاب او قبول چې دا د احنافو نظر دی، ولې د احنافو نه غير نور فقهاء وايي چې تړون د دريو ارکانو لرونکی دی، چې د عاقد، معقود عليه، او د تړون د صيغې ثخه عبارت دي. (۱: ۹۲ مخ)

عاقد په بيع کې بايع او مشتري (اخيستونکی او خرثونکی)، ثمن او مبيعه ده (مبيعه يا جنس او بدل يې کېدای شي پيسې وي) او صيغه چې ايجاب او قبول دی بلل کيږي(مخکينی مأخذ)

د افغانستان مدني قانون هم اراده د تړون رکن بولي، چې د ايجاب او قبول په اساس ثرگنديږي. مدني قانون داسې صراحت لري چې: ″تړون د دواړو خواوو په ايجاب او قبول سره منعقديږي″(۳: ٥٠٦ ماده، ۱ فقره)

مخکې مو د تړون په تعريف کې وويل چې، تړون د يو لوري د ارادې د صدور ثخه عبارت دی چې مقابل لوری هغه قبول کړي او اثر يې په معقود عليه کې ښکاره شي، د تعريف د لمړنۍ برخې ثخه معلوميږي چې تړون د لوريو د ارادو په اساس رامېنځ ته کيږي چې يو لوری به يې د ايجاب په شکل ثرگندوي او بل لوری به يې د قبول په شکل.

ددې لپاره چې د طرفينو د ارادې ماهيت مو واضح کړی وي ايجاب او قبول هر يو بېل بېل توضيح کوو:

د ايجاب او قبول پېژندنه

د احنافو په نزد ايجاب او قبول داسې تعريف شوي

د ایجاب پېژندنه

د عاقدینو د هر لوري وړاندیز ته ایجاب ویل کیږي یعنې کوم لوري چې اول خبرې وکړې، هغه بایع وي او که مشتري. که بایع لمړی وویل چې خرڅ مې کړ او که مشتري لمړی وویل چې په دومره مې واخیست دواړه ایجاب بلل کیږي.(۹: ۴٦)

د قبول پېژندنه

هر یو د عاقدینو چې دوهم ځل خبرې وکړې قبول بلل کیږي، چې د ایجاب سره په توافق او رضا دلالت وکړي، ولي د احنافو نه پرته نور فقهاء بیا د ایجاب او قبول په اړه وایي چې، ایجاب د هغه چا قول ته ویل کیږي چې د ملکیت خاوند وي ولو که دوهمه خبره یې کړې وي او قبول د هغه چا قول ته ویل کیږي څوک چې ملک ترلاسه کوي ولو که اوله خبره یې کړي وي.

داکتر وهبه الزهیلي په الفقه الاسلامي و ادلته کې لیکي چې عامه قاعده د ایجاب او قبول په اړه داده چې ایجاب د بایع لخوا واقع کیږي او قبول د مشتري لخوا.

د ایجاب او قبول شکلونه او طریقې

ایجاب او قبول چې په تړون کې په ارادې تعبیریږي د الفاظو تر څنگ په فعل، اشاره او لیکلو سره هم صحت لري چې لاندې هر یو په ترتیب سره مطالعې لاندې نیسو:

په لفظ سره ایجاب او قبول

د افغانستان د مدني قانون په اساس د ارادې صادرول په الفاظو... چې په عرف کې مروج وي کیږي. (۳: ۵۰۹ ماده) په اسلامي فقه کې په عقودو کې ایجاب او قبول په لفظ سره ډېر زیات استعمالیږي او د قوت په اعتبار تر نورو مخکې دی، که عاقدین په ویلو قادر وي نو غوره خبره ده چې ایجاب او قبول په الفاظو سره ترسره کړي هغه که په هر ژبه وي، ددې ترڅنگ کوم خاص عبارت او الفاظ هم شرط ندي، هر څه چې د خلکو په عرف کې په رضایت

باندې دلالت وکړي کفايت کوي (۱: ۹۵ مخ)، ځکه چې په عقودو کې اصل رضاء ده لکه الله جل جلاله په قران کريم کې فرمايي: يا ايهاالذين امنو لاتأکلو اموالکم بينکم بالباطل الا ان تکون تجارة عن تراض منکم...(النساء سورت، ۲۹ ايت)

ژباړه: ای هغه کسانو چې ايمان يې راوړی دی (ای مؤمنانو!) مه خورئ تاسې! مالونه د يو بل په منځونو خپلو کې په ناروا سره! مگر (خورئ يې) که وي دا (مالونه چې خورئ يې اموال د) تجارت (چې صادروی) په خوښی سره له تاسې نه.

رسول الله ص فرمايي: ''عن أبي سعيد الخدري، يقول: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إنما البيع عن تراض''(۵: ۲۱۸۵ حديث نمبر)

د ابي سعيد الخدري رضي الله عنه څخه روايت دی هغه فرمايی: رسول الله صلی الله عليه وسلم وفرمايل، يقيناً بيع چې ده په رضا سره ده.

د لفظ استعمال

د افغانستان د مدني قانون د ۵۰۷مې مادې په اساس ايجاب او قبول د ماضي په صيغه وي او د مضارع يا امر په صيغه هم جايز دی خو په دې شرط چې د حال اراده ورڅخه شوي وي. د مدني قانون ۵۰۸مې تړون د استقبال په صيغه هم درست بللې پدې شرط چې عاقدينو په همدې صيغه د تړون قصد کړی وي. په اسلامي فقه کې د ماضي لفظ د استعمال د صحت په اړه د ټولو فقهاوو تر مېنځ اتفاق وجود لري، همدارنگه که مضارع لفظ استعمال شي نو بيا نيت ته ضرورت دی ځکه چې مضارع هم په حال دلالت کوي او هم په استقبال نو که نيت د حال و تړون صحيح کيږي، ددې ترڅنگ په تړون کې استفهام او استقبال د ټولو په اتفاق نه صحيح کيږي، ولې د امر په اړه فقهاء اختلاف لري. احناف وايي چې د امر په صيغې سره تړون نه منعقديږي اما فقط د نکاح په تړون کې د ضرورت په اساس صحيح کيږي؛ مگر امام مالک رح په تړون کې امر صيغه درسته گڼي لکه يو څوک ووايي چې دا قلم

راباندې په پنځوس افغانی خرڅ کړه او مقابل لوری ووايي چې خرڅ مې کړ نو تړون صحيح شو. (۹: ۴٦ مخ)

په اشاره سره ايجاب او قبول

په اشارې سره تړون د افغانستان مدني قانون قبول کړی مگر پداسې اشارو چې په عرف کې مروج وي. (۳: ۵۰۹ ماده) په اسلامي فقه کې د امام ابو حنيفه او امام شافعي رح له انده که چېرته عاقد په خبرو کولو قادر ؤ نو په اشارې سره يې تړون نه منعقديږي. مالکي او حنابله علماء په مفهومې اشارې سره تړون درست بولي. کوم چې گونگی دی نو د هغه په اړه په اتفاق سره تړون د اشارې په اساس رامېنځ ته کېدای شي، پدې اړه فقهي قاعده هم وجود لري چې داسې صراحت لري: د گونگي اشاره په ژبې د بيان په څېر ده. (۸: ۷۰ ماده) مگر که ليکل کولای شو غوره ده چې په ليکلو سره تړون منعقد کړي، چې دا نظر د احنافو دی. احناف وايي: د اشارې په نسبت ليکل دلالت ته نږدې او له احتمال څخه لرې دي. (۱: ۱۰۲ ماده)

په ليکلو او استازي لېږلو سره ايجاب اوقبول

د افغانستان د مدني قانون د۵۰۹مادې د حکم په اساس هم د ارادې ظاهرول... د ليک... په اساس صورت نيولی شي. د تيلفون او انټرنيت له لارې د عقودو تر سره کولو د ليک په اساس په تړون باندې قياس کيږي.د افغانستان مدني قانون ۵۲۴مه ماده د تيلفون يا ورته نورو وسايلو په اساس تړون درست بولي خو داسې چې د زمانې له حېثه لکه د دوو حاضرو خواوو تر مېنځ تړون او د ځای له حېثه لکه د دوه غايبو اشخاصو تر مېنځ تړون گڼل کيږي. د همدې قانون ۹۴ماده په تيلفون او د هغې مماثل وسايلو سره هم د ارادې اظهارول درست گڼلي، خو د قبول لپاره يې فوريت شرط کړی، په هغه صورت کې چې موجب د ايجاب لپاره موده نه وي تعين کړې کولای شي د خپل ايجاب نه وگرځي.

پوښتنه داده چې که ایجاب په لیکنه او یا د استازي د لیږلو پواسطه صورت ونیسي نو قبول به څرنگه صحیح گڼل کیږي؟

که لیک ورسېد او مقابل لوري په هماغه مجلس کې وویل چې قبول مې دی دا قبول درست دی. او که استازی ورسېد او مقابل لوري ته یې ایجاب وړاندې کړ او هغه په همدې مجلس کې قبول کړ بیا هم درست دی.که قبول په بل مجلس کې صورت ونیسي تړون نه صحیح کیږي. د یادولو وړ ده چې د حاضرو متعاقدینو مجلس د ایجاب د صدور محل دی او د غایبو بیا د خط د وصول او یا د استازي او پیغام د رسېدو محل دی.

لکه پورته مو چې وویل د افغانستان مدني قانون د لیک په اساس د تړون انعقاد درست بولې مگر په مدني قانون کې د استازي د لیږلو په اړه صراحت وجود نلري.

په اسلامي فقه کې د طرفینو تر مېنځ په لیکلو او د استازي په لیږلو سره د فقهاوو په اتفاق تړون صحیح کیږي. (۲: ٦٩ ماده) په هره ژبه چې پوهیږي پدې شرط چې لیکل به مستبین (پداسې شکل چې تر پایه وجود ولري) او مرسوم(پداسې طریقه ولیکل شي چې د خلکو تر مېنځ رواج وي او د مرسل الیه ذکر او د مرسل امضاء به پکې وي)، که لیکل مستبین نه وي یعنې په هوا او اوبو لیکل وي او یا په خط کې امضاء نه وي تړون نه منعقدیږي. د فقهي قاعدې په اساس لیکل د قول په څېر دي. (۸: ٦٩ ماده)

البته د جمهورو فقهاوو (مالکیه، حنابله او شافعي) په اند په لیکلو سره د نکاح تړون نه منعقدیږي، اما حنفي علماء د په لیکلو د نکاح د تړون په اړه وایي چې که دواړه حاضر وي نو په لیکلو سره د نکاح تړون نه منعقدیږي، ولې د غایب په مورد کې په خاص کیفیت او شروطو سره د نکاح تړون د لیکلو په اساس منعقد کېدلای شي، ابن عابدین د فتح نه نقل کوي چې په لیکلو سره نکاح داسې ده لکه په الفاظو سره، نو کله چې خِطبه په لیکلي ډول وشي،

ليکل به د شاهدانو په حضور کې ولوستل شي، که د مقابل لوري رضا وه نو هغه به خپل قبول د شاهدانو په حضور کې صادر کړي. (۲: ۲۰۹ ماده)

په فعل سره ايجاب او قبول (التعاطي تړونونه)

دا هغه تړونونه چې پرته له الفاظو ترسره کيږي، پدې عقودو کې مبادله يوازې د فعل په ډول پرته له ايحاب او قبول څخه ترسره کيږي. مثلاً مشتري مبيعه واخلي او بايع ته ثمن ورکړي غير لدي څخه چې اشاره ترسره شي او يا خبرې وشي، که مبيعه ارزان بيعه وي او که قيمته. (۱: ۹۹ مخ)

د افغانستان مدني قانون د ۵۰۹ مادې په اساس تعاطي يا د راکړې ورکړې تړونونه پدې شرط صحيح بولي چې د تړون په حقيقت باندې په صراحت سره دلالت وکړي. لکه که يو څوک د نانوايي د دکان څخه ډوډۍ واخلي او ۱۰ افغانۍ ورته کيږدي او دکاندار هم څه ونه وايي تړون صحيح شو، ځکه دغه فعل د تړون په حقيقت باندې په صراحت سره دلالت کوي.

په اسلامي فقه کې فقهي قاعده ده چې وايي: د حاجت په وخت کې سکوت خپله بيان دی چې دا په قبول دلالت کوي لکه د توکو تسليمي، دا ځکه قبول ګڼل کيږي چې د قيمت په مورد کې شرايط ذکر شوي. (۸: ٦۷ ماده)

امام شافعي رح، شيعه او ظاهريه وايي چې په معاطا تړونونه نه صحيح کيږي، ځکه چې رضاء خفي امر دی او دا نه صحيح کيږي مګر په الفاظو سره که هغه په صريح ډول وي او که په کنايې سره، يا په اشارې او يا مفاهمې او مکاتبې سره وي.(۱: ۱۰۱ مخ) امام مالک رح وايي چې په فعل سره بيع صحيح کيږي، او امام ابوحنيفه رح په کم قيمته شيانو کې بيع معاطاء درسته بولي خو په غټو شيانو کې درسته نه بولي، او امام غزالي رح هم دغه نظر لري. (۹: ٦۰ مخ)

د ازدواج تړون په فعل سره

د افغانستان د مدني قانون د ۵۰۹ مادې څخه معلومیږي چې د طرفینو رضایت باید معلوم وي، او د نکاح په تړون کې رضایت تعاطي ډول نه څرګندیږي. (۷: ۲۳ مخ) مدني قانون داسې صراحت لري چې: "د راکړې ورکړې په اساس د ارادې ضاهرول، چې د یو ه تړون په حقیقت باندې په صراحت سره دلالت وکړي، صورت نیولی شي"

په اسلامي فقه کې د علماوو په اتفاق سره د ازدواج تړون په فعل سره نه صحیح کیږي، یو خو د ازدواج تړون ډېر زیات مهم او پاک دی او بل د ښځې لپاره دایمي اثار رامېنځ ته کوي، دا ټول ددې ایجاب کوي چې احتیاط پکې وشي، او یاید د ارادې په قوت سره ترسره شي، چې هغه قول دی، بل دا دی چې د نکاح د تړون توپیر باید له زنا سره وشي، چې دا هم په قول سره کېدای شي. د امام شافعي رح په نزد طلاق، خلع او رجعت دا جایز ندي مګر په قول سره. (۱: ۱۰۲ مخ)

د ایجاب او قبول شرایط

د ایجاب او قبول د شرایطو په اړه د الفاضو ښکاره والي د افغانستان مدني قانون د شرط په توګه قبول کړی. د افغانستان د مدني قانون د ۵۰٦ مادې ۲مې فقرې په اساس"ایجاب او قبول د هغه الفاظو څخه عبارت دی چې په عرف کې د تړون د پېدا کېدو لپاره استعمالیږي".

همدارنګه د ایجاب او قبول توافق هم د شرط په توګه قبلوي. د مدني قانون ۵۲۱مادې په اساس د ایجاب او قبول ترمېنځ هغه وخت مطابقت حاصلیږي چې د تړون په ټولو اساسي مسألو د دواړو خواوو موافقه شوي وي، په ځینو ددې مسألو موافقه د دواړو خواوو د الزام لپاره کافي نه ده.

د پورته مادې څخه معلومیږي چې د ایجاب او قبول مطابقت هغه وخت حاصلیږي چې، په ټولو مسألو باندې توافق شوی وي. د دې ترڅنګ د د مجلس یووالي هم د شرط په حېث قبلوي او د مجلس د اتحاد لپاره په ۵۱۷

ماده کې دارنگه صراحت وجود لري چې: ”د تړون داوړه خواوې د ایجاب ثخه وروسته د تړون د مجلس تر پایه پورې د قبلولو یا ردولو اختیار لري... “

د پورته توضیحاتو څخه معلومیږي چې د قانون په اساس تړون کې د ایجاب او قبول الفاظ باید ښکاره وي، په یو مجلس کې اراده صادره شي او ارادې به یو د بل موافقې وي.

د فقهاوو له آنده د ایجاب او قبول لپاره درې شرطه وجود لري. لومړی د ایجاب او قبول د صیغې ښکاره والی دی. ایجاب او قبول باید په ښکاره الفاظو سره صورت ونیسي، هغه الفاظ استعمال شي چې لغتاً او عرفا د همغه تړون په اړه د عاقدینو قصد ښکار کړي، ځکه چې باطني اراده پټه ده او عقود یو د بل نه په احکامو او موضوعاتو کې مختلف دي، که چېرته په تړون کې قصد ښکاره نشي نو الزام نه رامېنځ ته کوي.د تړون د صیغې لپاره کوم خاص شکل او لفظ نه دی مشخص شوی، په تړون کې د الفاظو معنی ته اعتبار دی نه شکل ته. دوهم د ایجاب او قبول توافق دی. قبول به د ایجاب موافق وي، مثلاً یو شخص بل شخص ته ووایي چې دا یو جریب ځمکه مې په دوه سوه زره افغانۍ درکړه او مقابل لوری ووایي چې په پنځوس زره افغانۍ مې قبوله ده تړون نه صحیح کیږي. یا ووایي چې د کلي ځمکه مې په یو لک درکړه او قابل ووایي چې د ښار ځمکه مې قبوله ده تړون نه صحیح کیږي. او درېیم د ایجاب او قبول اتصال(د مجلس یووالی) دی. ایجاب او قبول به په یو مجلس کې تر سره کیږي. (۱: ۱۰۴ – ۱۰٦ مخونه)

اوس پوښتنه داده چې، د تړون مجلس کوم مجلس ته ویل کیږي؟

د تړون مجلس هغه حالت ته ویل چې په هغه کې متعاقدین د تړون په انعقاد بوخت وي، یا په بل عبارت د تړون په موضوع کې د کلام اتحاد ته د تړون مجلس ویل کیږي.

په ایجاب او قبول کې د مجلس یووالی

مدني قانون د مجلس د اتحاد لپاره په ۵۱۷ماده کې دارنګه صراحت وجود لري چې،"د تړون دواړه خواوې د ایجاب څخه وروسته د تړون د مجلس تر پایه پورې د قبلولو یا ردولو اختیار لري... "

اسلامي فقه هم د ایجاب او قبول د اتصال په شرطونو کې لمړی وایي چې ایجاب او قبول به په یو مجلس کې ترسره کیږي، که ایجاب په یو مجلس کې ترسره شي او قبول په بل کې، نه صحیح کیږي. د جمهورو فقهاوو (احنافو، مالکیانو او حنابله و) له نظره په قبول کې فوریت شرط ندی، قابل اړتیا لري چې د فکر او تأمل لپاره ورته وخت ورکول شي، که چېرته فوریت شرط شي نو فکر امکان نلري. حنفي او مالکي علماء د د مجلس یووالی په زمان پورې تړي دوي په دې اند تر څو چې د همدې تړون په اړه خبرې کیږي تر هغه وخته قبول صحیح دی.شافعي علماء وایي چې، تر څو د مجلس نه نه وي پاڅېدلی تر هغې قبول درست دی. شافعي او حنابله علماء مکان ته اعتبار ورکوي. (۹: ٦١ مخ)

د تیلفون او د پیغام له طریقه د تړون انعقاد

که چېرته د مجلس یووالی د مکان پورې وتړل شي نو بیا د تیلفون او پیغام له لارې د تړون په انعقاد کې ستونزه پېدا کیږي. د احنافو او مالکي علماوو نظر دلته ستونزه حلوي چې زمان ته اعتبار ورکول شي او د مجلس د یووالي نه هدف هغه حالت وګڼل شي چې عاقدین پکې د تړون په انعقاد بوخت وي.

د سورلۍ پر مهال د تړون انعقاد

دلته هم باید د مجلس د یووالي لپاره زمان په پام کې ونیول شي. ځکه چې د سورلۍ پر مهال مکان تغیر کوي او ایجاب کوونکي به د قبول تر وخته د خپل ایجاب څخه رجوع نه وي کړي. مدني قانون وایي چې که د قبلولو لپاره موده ټاکل شوي وي موجب نشي کولای ددې مودې د پای پورې د خپل ایجاب څخه منصرف شي. (۳: ٥١٦ ماده) په همدې شکل په ۵۱۷ ماده کې موجب

ته د ایجاب څخه د رجوع حق هم ورکول شوی پداسې وخت کې چې قبول لا نه دی صادر شوی.خو که چېرته قبول صورت وموند او نوموړی شخص ادعا وکړي چې زما د تړون اراده نه وه مثلاً د بیع په تړون کې موجب ووایي چې په سل افغانۍ مې درباندې وپلوره او مقابل لوری ووایي چې قبول مې دی، که بایع د نه پلورنې قرینه قایمه کړه چې اراده یې د بیعې نه وه نو خبره د بایع ده پرته له قسم څخه خو که اراده یې د بیعې وه بیع پرې لازمه شوه. مدني قانون هم د ایجاب دالزامیت په اړه صراحت لري او وایي چې، هر څوک د خپل ایجاب په سبب ملزم ګڼل کیږي، مګر دا چې د خپل التزام په نشتوالي یې تصریح کړې وي یا د ظاهري قراینو او یا د معاملې د طبیعت څخه داسې معلومه شي چې د ایجاب د الزام قصد وجود نه درلود. (۳: ۵۱۴ ماده)

د جمهورو فقهاوو په آند ایجاب کوونکی کولای شي مخکې له قبول څخه د خپل ایجاب نه رجوع وکړي او خپل ایجاب باطل کړي، اما اکثر د مالکیانو نه وایي چې موجب نشي کولای د خپل ایجاب څخه رجوع وکړي، دی مکلف دی چې په خپل ایجاب پاتې شي څو مقابل لوری یا هغه رد کړي او یا مجلس پای ته ورسیږي.کله چې د موجب لخوا د خپل ایجاب لپاره موده تعین کړي نو بیا د مالکي فقهاوو له نظره نشي کولای د خپل ایجاب څخه رجوع وکړي، مګر جمهور علماء ورسره موافق ندي لکه مخکې مو چې وویل هغوي وایي چې موجب کولای شي د قبول د صدور څخه وړاندې د خپل ایجاب څخه رجوع وکړي. په شرح صغیر کې راغلي چې که یو شخص په مضارع او یا امر سره شروع وکړي او بیا ووایي چې هدف مې بیعه نه وه او یا زما موخه ټوکې کول ؤ، خبره یې رښتینې ګڼل کیږي مګر قسم به خوري که قسم ونه خوري بیعه لازمیږي. (۹: ٦٢ مخ)

هغه قراردادونه چې په هغه کې د مجلس اتحاد شرط نه دی

د وصیت او وکالت په قراردادونو کې د مجلس اتحاد شرط ندی. چې په وصیت کې، دموصی په ژوند کې د موصی له قبول صحیح ندی. او د وکالت په تړون کې هم د مجلس یووالی شرط ندی. (۲: ۲۰۹ مخ)

یو د عاقدینو لخوا د تړون څخه مخ نه اړول

که چېرته موجب د ایجاب نه وروسته مجلس ترک کړي، یا دا چې قابل مجلس ترک او یا هم دا چې موضوع بدله کړي ایجاب باطل ګڼل کیږي. ابن عابدین وایي چې له ایجاب څخه په مخ اړولو ایجاب باطلیږي. د مدني قانون ۵۱۷ ماده هم یاد نظر تائید کړی.

د ایجاب او قبول په مېنځ کې د عاقدینو وفات کېدل او یا د اهلیت له مېنځه تلل

جمهور فقهاء (احناف، شافعي او حنابله) پدې آند دي چې د قبول نه مخکې د عاقدینو په وفات سره ایجاب باطلیږي، اما مالکي فقهاء وایي چې: ایجاب د مخاطب په مرګ سره نه باطلیږي، بلکه دا حق ورثه ته په میراث پاتې کیږي او هغوي کولای شي قبول او یا یې رد کړي. بعضې فقهاء وایي چې اغماء او جنون هم د وفات غوندې ایجاب باطلوي.

پایله

په نتیجه کې ویلای شو چې اراده د تړون په انعقاد کې د افغانستان مدني قانون او اسلامي فقه دواړه رکن بولي. په تړون کې اراده د لوریو د ایجاب او قبول په اساس څرګندیږي او ایجاب او قبول د تړون د انعقاد لپاره د لوریو د ارادې صادرول دي په داسې شکل چې په عرف کې متداول وي، ولې په اسلامي فقه کې پدې اړه فقهاوو تفصیلي بحثونه کړیو مثلاً احناف وایي چې ایجاب د لومړي لوري لخوا ترسره کیږي یعنې هغه څوک چې لمړی اقدام کوي ایجاب کوونکی بلل کیږي او هغه لوری چې دوهم اقدام کوي دده اقدام ته قبول ویل کیږي. ولې د احنافو پرته نور علماء وایي چې ایجاب د هغه چا

اقدام ته ويل کيږي چې د مال مالک وي، او قبول د هغه چا اقدام ته ويل کيږي چې د مال ملکيت ورته انتقاليږي، ډاکټر وهبة الزهيلي وايي چې عامه خبره داده چې بايع ايجاب کوونکی او مشتري قبول کوونکی دی. قانون د ايجاب او قبول لپاره الفاظ غوره ګڼي البته په اشاره، ليک، تيلفون او نورو مماثلو وسايلو له لارې او په فعل سره هم د تړون ترسره کېدل درست ګڼي البته د استازي د لېږلو په اساس د تړون د انعقاد په اړه د افغانستان مدني قانون خاموش پاتې شوی؛ په اسلامي فقه کې هم تړون د الفاظو (چې د ارادې د صادرولو اصلي حالت يې بولي)، اشارې او ليک سره د تړون انعقاد درست بولي، د تيلفون او نورو مماثلو وسايلو په اساس د تړون د انعقاد لپاره د استازي ليږل هم درست بولي. په اشارې سره د ايجاب او قبول په اړه هم قانون د اسلامي فقهې په پرتله يو څه سهل انګاري کړې، اسلامي فقه داسې نظر لري چې که يو شخص نشو کولای په الفاظو سره تړون منعقد کړي پداسې حال کې بيا په اشاره سره ددوي تړون درست ګڼل کيږي، مګر ليکل کولای شي ښه ده چې د اشارې تر څنګ ليکل هم وکړي، مګر قانون بيا په دې اړه يوازې په اشارې سره د تړون انعقاد پرته له محدوديته درست ګڼلی. په فعل سره د تړون ترسره کول په نور مواردو کې د احنافو او مالکيانو له نظره درست دي چې قانون هم ورته نظر راخيستي، ولې په يو شمېر مسايلو له نکاح کې سم نه دی، دا ځکه چې که د نکاح تړون د فعل په اساس ترسره شي نو د نکاح او نورو غير شرعي لارو د يو ځای کيدلو توپير به ګران شي. قانون او اسلامي فقه دواړه په تړون کې د ايجاب او قبول لپاره يو شان شرايط ذکر کوي چې عبارت دي له د مجلس يووالي، د ايجاب او قبول توافق او د الفاظو د ښکاره والي څخه. احنافو او مالکي علماوو د زمان له حېثه د مجلس يووالی قبول کړی او ترڅو چې د همدې تړون په اړه خبرې کيږي ايجاب له مېنځه نه ځي او قبول رامېنځ ته کېدای شي؛ مګر شوافع او حنابله د مکان له حېثه د مجلس يووالي ته په اعتبار باندې قايل دي، او قبول به د ايجاب سره

موافق وي، داسې نه چې يو لوري ايجاب په يو شکل وکړي او مقابل لورى قبول په بل شکل. د ايجاب او قبول لپاره الفاظ تر ټول غوره او قوي ډول دى البته د الفاظو تر څنګ په اشاره، ليک، د تيلفون او يا نورو مماثلو وسايلو له لارې او فعل سره هم اراده څرګنديدلای شي او د تړون انعقاد رامېنځ ته کېدلای شي. البته غوره خبره داده چې په اشاره هغه وخت تړون منعقد شي چې الفاظ ويل ممکن نه وي.

وړانديزونه

د دې څېړنې په پايله کې لاندې وړانديزونه کوو:

۱ـ دا چې مدني قانون د له نن څخه ۴۷ کاله پخوا رامنځ ته شوی، په دومره موده کې په ځانګړي ډول د تړونونو په برخه کې کافي بدلونونه رامنځ ته شوي، حکومت ته پکار ده چې د مدني قانون ټولې برخې په ځانګړي د تړونونو د برخې احکام د اوسني عصر مطابق تعديل کړي.

۲ـ حکومت بايد مدني قاضيانو ته د نړۍ په کچه د برجسته علماوو لخوا د سيمنارونو او ورکشاپونو زمينه برابره کړي، څو پدې برخه کې د قاضيانو ظرفيت لوړونه وشي.

مأخذونه

۱- الزحيلی، وهبة. الفقه الاسلامي و ادلته، الجزء الرابع النظريات الفقهيه والعقود، دارالفکر: الطبعة الثانيه،۱۴۰۵ه.

۲- الموسوعة الفقهيةالکويتية، وزارت الاوقاف والشؤن الاسلاميةـ الکويت، طبعه من ۱۴۰۴-۱۴۲۷هـ.

۳- افغانستان مدني قانون. لومړی کتاب حق (دوهم ټوک)، نولسمه ګڼه، رسمي جريده، پرلپسې ۳۵۲ګڼه.

۴- باشا، قدرې. مرشد الحيران الی معرفة احوال الانسان، المطبعة الکبری الاميريه: ۱۳۰۸.

۵- سنن ابن ماجه، کتاب التجارات، باب البيع الخيار (حديث رقم:۲۱۸۵).

٦- عبدالكريم بن محمد بن على بن محمد النملة. المهذب فى اصول الفقه، رياض، مكتبة الرشيد،۱۴۲۰ه، ج۵.

۷- عبدالله، نظام الدين. حقوق وجايب، کابل: انتشارات سعید، دریم چاپ،۱۳۹۱هـ ل.

۸- مجلة الاحكام العدليه. ١٨٧٦،

۹- نیازی، محمدمصطفی. د قراردادونو مقايسوي حقوق، يار خپرندويه ټولنه: جلال اباد،۱۳۹۹ هـ ش.

Published: Academy of Science of Afghanistan

Editor in Chief: Abdul Baqi Shahab

AS. Editor: Muhammad Ibrahim Paktin

Editorial board:

Senior research fellow Sher Ali Tazari

Senior research fellow Muhammad Sharif Zadran

Senior research fellow Abdul Jabbar Abid

Researcher Fellow Muhammad Dawood Nazim

Researcher Gholam Nabi Hanafi

Composed & Designed By:

Abdul Baqi Shahab

Annual Subscription:

Price of each issue in Kabul: 320 AF.

- For Professors, Teachers and Members of Academy of Science of Afghanistan: 70 AF.
- For the disciples and students of schools: 40 AF.
- For other Departments and Offices: 80 AF.